کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۳۷۱ - ۲ سپتامبر ۱۹۹۲ دوره سوم شماره ۴۲

KAR, No.42 Wednsday 2 Sep 1992

مسئله قره باغ

پیرامون بحران قفقاز جنوبی

در صفحه ۱۲

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات اعراب و فلسطینی ها با اسرائیل

در صفحه ۱۲

طرح ''پرواز ممنوع'' در جنوب عراق به اجرا درآمد

طرح ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی در منطقه جنوب آن کشور روز چهارشنبه از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه رسما به اجرا گذاشته شد. مطابق این طرح محدوده زیر مدار ۳۲ درجه که شامل یک سوم خاک عراق و تمام منطقه جنوب آن کشور است، از زیر کنترل هوایی رژیم صدام حسین خارج می شود. آمریکا و متحدانش هدف خود را از این اقدام ''حفاظت از شیعیان جنوب عراق از گزند بمبارانهای هوایی دولت عراق'' اعلام کرده اند.

تصمیم به اعلام منطقه ممنوعه در جنوب عراق زمانی صورت گرفت که از دو هفته پیش از آن رسانه ها و مغسرین غربی از وجود طرحی برای یک اقدام نظامی از سوی آمریکا و متحدانش علیه رژیم صدام حسین خبر داده بودند و آنرا با مبارزات انتخاباتی امریکا مربوط می دانستند. روزنامه نیویورک تایمز نوشته بود که امریکا و متحدانش برای ایجاد یک درگیری نظامی دیگر در عراق آماده می شوند و این اقدام بمنزله کمکی برای تجدید انتخاب بوش به ریاست جمهوری امریکا در انتخابات قریب الوقوع آن کشور است. بنظر نیویورک تایمز اگر بوش بتواند با کمترین خطر از لحاظ تلفات انسانی این عملیات را پیروزمندانه انجام دهد، شانس انتخاب دوباره او بالا خواهد رفت.

شبکه تلویزیونی ان. بی. سی آمریکا نیز اوایل هفته گذشته اعلام کرده بود: بنا بر خبر موثقی که بدست آورده است امریکا تجهیزات جنگی هوایی خود را مجرمانه به عربستان سعودی انتقال داده تا درصورت حمله عراق از پایگاههای خود در این کشور استفاده کند. ان. بی. سی اظهار عقیده کرده بود که هدف این عملیات آن است که ابتدا هواپیماهای عراقی را که به شیعیان حمله می کنند، سرنگون سازند.

مقامات امریکا از جمله بوش رئیس جمهور آنکشور در واکنش نسبت به این گزارش ها وجود طرحی برای درگیری نظامی با عراق را تکذیب نکردند ولی، هرگونه ارتباط میان چنین طرحی با مبارزات انتخاباتی در داخل آمریکا را رد کردند.

انتشار خبر مربوط به قصد دولتهای آمریکا، انگلیس و فرانسه برای ایجاد منطقه امن در جنوب عراق، از همان آغاز با واکنش توام با نگرانی بسیاری از کشورهای منطقه و همسایگان عراق مواجه شد. سوریه، اردن، ترکیه، مصر، لیبی و بحرین طرح دولت آمریکا و متحدانش در مورد عراق را مورد انتقاد قرار دادند و آنرا خطری برای تمامیت ارضی عراق تلقی نمودند. فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه گفت: این طرح را

ادامه در صفحه ۲

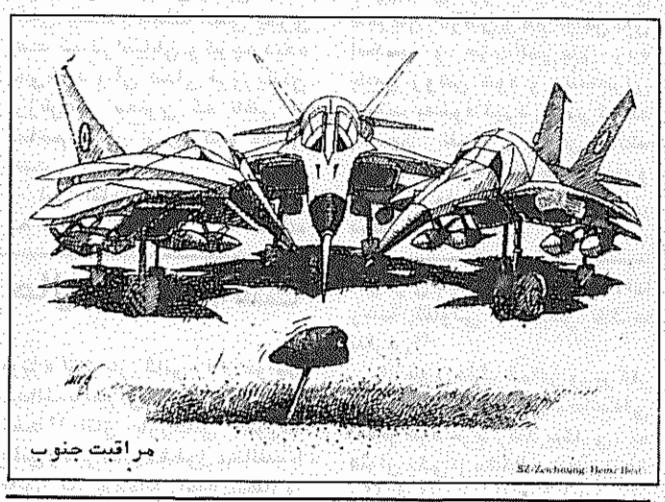

مراقبت جنوب

انجمن های اسلامی احیا میشوند

خامنه ای:

— انجمن های اسلامی چشم بینا و زبان گویای انقلاب و اسلام هستند.

— مدیران موظفند با انجمن اسلامی همکاری کنند

— اقتصاد آزاد سخن غربی هاست و ما در پی غرب نیستیم

خامنه ای برای اجرای ''نهی از منکر'' در جامعه به طور سازمان یافته برنامه فعال کردن حزب الهی ها را پیش می برد. او نخستین سخنرانیش را که موجب تغییر جو سیاسی کشور گردید، در جمع بسیجیان ایراد کرد و از آنها خواست که فعالانه در صحنه حضور یابند. اکنون به احیا و فعال کردن انجمن های اسلامی پرداخته است. انجمن های اسلامی در سال های اخیر به خاطر برخورد سرکوبگرانه، تنگ نظرانه و دیگر عملکردهای منفی اش منزوی و یا منحل شده بودند. خامنه ای در هفته گذشته، انجمن های اسلامی موجود را فراخواند و برای آنها سخنرانی مفصلی کرد. او در این سخنرانی خواستار تقویت انجمن های اسلامی گردید و اظهار داشت که دشمن در سال های قبل متعجب بود که چگونه این نظام توانسته است در ادارات، کارخانه ها، بازار، مجلات، مدرسه، دانشگاه ها و شرکت ها عناصر خود را جایگزین کند.

در طی چند سال گذشته ضرورت وجودی انجمن های اسلامی به خاطر عملکرد منفی اش توسط وزرا و مدیران ادارات و کارخانجات زیر سئوال رفته بود و این مسئله بارها مطرح شده بود که انجمن های اسلامی خاص دوره اول انقلاب بود و اکنون دورانش پایان یافته است. خامنه ای همین مسئله را طرح می کند. نظر خامنه ای این است که شخص یا اشخاصی نمی توانند قضاوت کنند که ما انجمن اسلامی لازم داریم یا نداریم. این نظام است که تضاوت می کند.

در گذشته انجمن های اسلامی حق خود می دانستند که در همه امور ادارات و کارخانه ها دخالت کنند. این بار خامنه ای برای قابل قبول تر کردن فعالیت آنها، چارچوب معینی ارائه داد و در عین حال مدیران را موظف کرد که موجودیت انجمن های اسلامی را بپذیرند و با آنها همکاری کنند. او گفت: ''مدیران باید با انجمن اسلامی همکاری کنند. نباید در یک دستگاهی گفته شود که این مدیر انجمن اسلامی را قبول ندارد و با انجمن اسلامی میانه ای ندارد و با آن کار نمی کند. مدیر باید بیش از دیگران قدر انجمن اسلامی را بداند. انجمن اسلامی ها هم در کار مدیریت نباید دخالت کنند. مدیر را نباید تضعیف کنند. ما نمیخواهیم در یک تشکیلات دو مدیر داشته باشیم. مسئولیت تشکیلات با مدیر است.'' او اضافه می کند: ''اگر دیدید که در مدیر یک رفتار نادرستی است او را منتقل کنید به مراکز خودش، که حالا آن مرکز مقام بالاتر است یا مراکز دیگری هست که آنها باید مطلع باشند.'' در حقیقت

ادامه در صفحه ۲

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: ادامه نقض حقوق بشر در ایران محکوم است

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد روز پنجشنبه پنجم شهریورماه در اجلاس سالانه خود در ژنو، بار دیگر حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر ادامه نقض خشن حقوق بشر در ایران محکوم کرد.

در قطعنامه ای که با اکثریت آراء به تصویب کمیسیون حقوق بشر رسید، اعدام های وسیع، ادامه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، سنگسار زنان و ادامه آزار و اذیت اقلیت های مذهبی توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم شناخته شده است. کمیسیون حقوق بشر همچنین به محاکمه و اعدام سریع بازداشت شدگان تظاهرات اخیر مردم در شهرهای شیراز و اراک و مشهد اعتراض کرده است.

چند روز قبل از تصویب این قطعنامه، کمیسیون حقوق بشر خواستار لغو حکم قتل سلمان رشدی از سوی حکومت اسلامی ایران شده بود.

ادامه در صفحه ۳

رونق اقتصادی یا فلاکت اقتصادی؟

در حالیکه وضع اقتصادی کشور وخیم تر شده و تنگناهای اقتصادی زندگی مردم را روزبروز باشدت بیشتری زیر فشار قرار میدهد، دولت به جای پاسخ های قانع کننده به مردم و توضیح اینکه چه راه حل هایی برای این همه مصائب و مشکلات مردم دارد، بازهم باردیف کردن یک سری آمار و ارقام کلی و مبهم از زبان آقای عادلی رئیس بانک مرکزی - آنهم مربوط به سال ۷۰، مدعی پیشرفت و بهبود در اوضاع اقتصادی کشور شده است. طوریکه اقتصاد کشور در حال رونق است و به رشدی فراتر از هدف های پیش بینی شده دست یافته است.

عادلی در گفتگویی باخبرنگاران در تشریح وضع اقتصادی کشور در سومین سال اجرای برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی می گوید: تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت ۹/۹ درصد در سال ۷۰ رشد داشته است. عادلی می گوید متوسط رشد ارزش افزوده در بخش کشاورزی در سال گذشته ۶/۶ درصد، در بخش صنعت ۲۰/۶ درصد بوده که هر دو ارقامی بالاتر از پیش بینی برنامه ۵ ساله است. تعداد موافقت نامه های اصولی صادر شده از سوی وزارتخانه های صنایع سنگین و صنایع در سال ۷۰ به ترتیب ۱۵۸ و ۴۰ درصد رشد داشته است. بگفته عادلی صادرات غیرنفتی در سال ۷۰ به رقم بی سابقه ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده که با ۹۰ درصد رشد نسبت به سال ۶۹ روبرو بود. عادلی می گوید درآمدهای مالیاتی دولت نیز رشد داشته و سرمایه گذاری عمرانی از ۱۹/۴ درصد در سال ۶۳ به ۳۱/۳ درصد در سال ۷۰ رسیده است. به گفته عادلی نرخ تورم در سطح عمده فروشی کالاها و خدمات مصرفی در سال ۷۰ به ۲۸/۷ رسید که این میزان در مورد مسکن از ۷/۶ درصد در سال ۶۹ به ۲۰۲ درصد در سال ۷۰ رسیده بود و...

آمار و ارقام آقای عادلی اگر هم درست باشد، مربوط به سال ۷۰ است. و اکنون نیمه سال ۷۱ است و اوضاع اقتصادی کشور و به تبع آن وضع معیشتی مردم در طول ۶ ماه اخیر، نه حتی ماه به ماه بلکه روزبروز خراب شده است. به عنوان مثال تورم ۲۸ درصدی که عادلی از آن یاد میکند هم اکنون سر به بالای ۵۰ درصد می زند.

عادلی رئیس کل بانک مرکزی به خبرنگاران می گوید که ''اقتصاد کشور اکنون با رونق روبروست'' اما معلوم نیست چگونه می شود این سخن آقای عادلی را با افت شدید و روزبروز قدرت خرید مردم، ناتوانی اکثریت مردم در تامین مایحتاج روزانه خود، افت تولید و توقف کار تعداد قابل ملاحظه ای از واحدهای تولیدی در کشور در اثر ورود بی رویه کالاهای مصرفی و سیر صعودی افزایش شمار بیکاران و ده ها واقعیت ناگوار و نگران کننده دیگر در وضع اقتصادی - اجتماعی کشور سازگار دانست؟ حتی اگر چشم به این واقعیت های عریان در زندگی روزمره مردم هم بسته شود، همه چیز از جمله اظهارات برخی مقامات و مسئولان رژیم خبر از فلاکت اقتصادی به جای رونق

ادامه در صفحه ۳

تظاهرات مردم در تهران و کرمانشاه

*پاسداران در تهران و کرمانشاه گروه دیگری از مردم را کشتند و صدها تن را بازداشت کردند.

*شکنجه و اعدام دستگیر شدگان را تهدید میکند.

*مقاومت مردم علیه تعرض حزب الله و نیروهای انتظامی، رژیم ابعاد گسترده تری می یابد.

روزهای ۲۱ و ۲۵ مرداد مردم محله های یافت آباد تهران وجعفرآباد کرمانشاه به تظاهرات گسترده و دامنه داری علیه رژیم دست زدند. به گزارش خبرنامه حزب ملت ایران تظاهرات دریافت آباد تهران زمانی درگرفت که نیروهای انتظامی در صدد برآمدند دوتن را به علت ارتکاب به عمل ''منکر'' در خیابان ها بگردانند. اقدام مامورین انتظامی با اعتراض مردم مواجه شد و این اعتراض به تظاهراتی گسترده تبدیل شد. حوالی ساعت ۸ شب چهارشنبه ۲۱ مرداد حدود ۲ هزار تن از مردم به سوی پاسگاه نیروهای انتظامی در محله یافت آباد حرکت کردند و کوشیدند آن را به اشغال خود درآورند. نیروهای انتظامی به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. بر اثر تیراندازی عوامل رژیم گروهی کشته و مجروح شدند. همراه با ادامه تظاهرات صدها تن دیگر از نیروهای سرکوبگر به محله یافت آباد یورش آورده و این محله را اشغال کردند. در جریان تظاهرات، گروه کثیری از مردم بازداشت

ادامه در صفحه ۳

وزیر کار: نرخ بیکاری در حال افزایش است

دبیرکل خانه کارگر: ورود بی رویه کالاهای خارجی تولیدات ملی را تهدید می کند

علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر در جریان بازدید از تشکیلات خانه کارگر در همدان نسبت به خطر تعطیل کارخانجات برخی رشته های تولید داخلی هشدار داد. وی گفت: ''کارخانجات نساجی و صنایع تولیدی لوازم خانگی به دلیل سرازیر شدن اجناس مشابه خارجی و اشباع کامل بازار مصرف با خطر تعطیل مواجه هستند.'' وی بعنوان نمونه از انبار یک واحد تولیدی نام برد که در آن بیش از ۱۵ هزار دستگاه تلویزیون سیاه وسفید، روی دست مانده است.

دبیرکل خانه کارگر افزود: ''با ورود بی ضابطه انواع محصولات نساجی خارجی تولیدات داخلی منسوجات به لحاظ افت شدید قیمت و ناتوانی در عرصه رقابت با انواع مشابه محصولات نساجی خارجی با وقفه و رکود در امر تولید روبروست و درصورتی که کنترل سریع و مؤثری در محدودیت ورود این اقلام اعمال نشود، فعالیت این واحدها مقرون به صرفه نخواهد بود.'' محجوب ضمن اشاره به هجوم سیگارهای خارجی به کشور گفت: ''با ادامه

ادامه در صفحه ۲

درگذشت استاد محیط طباطبائی

استاد محمد محیط طباطبائی نویسنده، پژوهشگر و مورخ مشهور کشورمان روز سه شنبه ۲۷ مرداد ماه در سن ۹۰ سالگی در بیمارستانی در تهران در گذشت. جنازه استاد طباطبائی روز چهارشنبه با حضور گروه بزرگی از استادان و پژوهشگران و دوستداران فرهنگ و ادب فارسی تشییع و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

استاد طباطبائی در سال ۱۲۸۱ در ''زواره'' بدنیا آمد و تحصیلات خود را در زادگاهش و سپس اصفهان و تهران ادامه داد. سالها در مدارس، موسسات و دانشگاههای کشور به تدریس

ادامه در صفحه ۳

''طرح پرواز ممنوع'' در جنوب عراق به‌اجرا درآمد

ادامه‌از صفحه ۱

اعراب تلاشی برای تجزیه عراق تلقی می‌کنند و سوریه همیشه با چنین تلاشهایی مخالف بوده است. عمروموسی وزیر خارجه مصر نیز در انتقاد از طرح امریکا و متحدانش در مورد عراق گفت: هیچ تصمیمی در مورد عراق نباید به‌حثیت و وحدت ملی عراق لطمه بزند.

جمهوری اسلامی ایران در برابر ''طرح پرواز ممنوع'' در جنوب عراق از واکنش صریح خودداری کرد و اجلاس شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی که روز ۳۱ مردادماه تشکیل گردید، تنها بر ''خواست ایران برای حفظ تمامیت ارضی عراق'' تاکید کرد. در حالیکه ترکیه طرح منطقه ممنوعه هوایی را بشدت محکوم کرد، وزیر خارجه ترکیه غرب را متهم به در پیش‌گرفتن سیاست دوگانه‌ای کرد و گفت: در حالیکه غرب در دفاع از مسلمانان بوسنی هرزه‌گوین بی عملی پیشه کرده، به تهدیدات تازه‌ای علیه عراق متوسل می‌شود. وزیر خارجه ترکیه تاکید کرد که ترکیه به نقشه جدید در مقابل عراق نخواهد پیوست.

یکی از مشاوران امور خاورمیانه‌ای وزارت خارجه آمریکا در واکنش نسبت به نگرانی کشورهای منطقه که بسیاری از آنها جزو ''دوستان'' آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند، اعلام کرد: واشینگتن خواهان تجزیه عراق نیست، بلکه همچنان خواستار کنار رفتن صدام حسین از قدرت است. او در مورد طرح پرواز ممنوع متحدان در جنوب عراق گفت سیاست آمریکا بر تقسیم عراق مبتنی نیست.

دولت عراق طرح منطقه ممنوعه در جنوب عراق را یک طرح ''استعماری'' نامید و وزیر خارجه عراق از دبیرکل سازمان ملل خواست جلوی این تجاوز جدید به عراق رابگیرد. سفیر عراق در جامعه ملل واشینگتن را متهم کرد که دنبال بهانه برای حمله مجدد به عراق است و پس‌از اینکه بازرسی اخیر سازمان ملل بهانه‌ای بدست نداد، اکنون به بهانه شیعیان متوسل شده است. آخرین واکنش دولت عراق پس‌از اعلام رسمی طرح پرواز ممنوع در جنوب عراق این بود که اعلام کرد جنگنده‌هایش در صورت تهدید ایران در منطقه به پرواز درخواهندآمد.

بر خلاف واکنش منفی و انتقاد آمیز اغلب کشورهای منطقه نسبت به اقدام متحدان غربی در جنوب عراق، مخالفان داخلی عمده صدام حسین از طرح منطقه امن پشتیبانی کردند. باقر حکیم رهبر ''مجلس‌اعلای انقلاب اسلامی عراق'' از ایجاد منطقه ممنوعه در جنوب عراق حمایت کرد و گفت این طرح اعراب جنوب عراق را از حملات رژیم بعثی حفظ خواهد کرد. یکی از رهبران ''سازمان امل اسلامی عراق'' ابراز امیدواری کرد که اعلام منطقه امن مقدمه سقوط رژیم صدام حسین و ایجاد حکومتی مبتنی بر دموکراسی و نظام چند حزبی باشد.

جلال طالبانی یکی از رهبران کردستان عراق نیز ضمن حمایت از طرح آمریکا و متحدانش گفت: خود ما این تقاضا را کردیم. مابعنوان اپوزیسیون عراق این امر را از آمریکا، انگلستان و فرانسه خواستیم. ما گفتیم که خواهان یک منطقه امن برای برادرانمان در جنوب، شبیه آنچه که در شمال عراق وجود دارد، هستیم. ما حتی خواستار آن شدیم که نه تنها نیروی هوایی، بلکه نیروی زمینی و زرهی عراق را هم به جنوب عراق راه ندهند که به برادران شیعه ما حمله کنند. زیرا دولت عراق یک جنگ نابود کننده علیه برادران ما در جنوب آغاز کرده است. ما فکر می‌کنیم ایجاد این منطقه باعث می‌شود نیروهای مخالف صدام حسین رشد کنند و سرنگونی او نزدیکتر شود.

اظهارات رهبران گروههای مخالف عراق نشان می‌دهد که متحدین غربی قصد تشدید فشار علیه صدام حسین را کرده‌اند. سخنان اخیر عبدالله بشاره دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس نیز همین مسئله را تائید می‌کند. بشاره دو هفته قبل از این پیش‌بینی کرد که ''صدام حسین بزودی سرنگون خواهد شد''. او گفت: رژیم صدام نمی‌تواند مدت زیادی سرکار باقی‌بماند و اضافه کرد برای مقابله با هرگونه دخالت نظامی در منطقه، یک نیروی ویژه با شرکت کشورهای عضو شورا و مصر و سوریه تشکیل می‌شود. همچنین یک روزنامه امریکایی نوشته است ''انگیزه امریکا از ایجاد منطقه امن در جنوب عراق تحریک و تشویق مخالفان داخلی صدام حسین به قیام علیه رژیم بغداد است.''

انجام این اقدامات علیه صدام از جانب جرج بوش در مقطع کنونی قطعا با مبارزه انتخاباتی در آمریکا و علاقه بوش به استفاده از این مسئله برای رامیابی مجدد به کاخ سفید مربوط است. اما اصل ماجرا همان ''مسئله آینده عراق'' است که ازهنگام پایان جنگ خلیج فارس تا به امروز هم برای متحدین غربی و هم برای کشورهای منطقه و همسایگان عراق لاینحل مانده است.

نگرانی آمریکا و متحدانش در جنگ خلیج فارس از پیامدهای سقوط صدام حسین در شرایط فقدان ''جانشین دلخواه''، آنها را از ادامه جنگ تا سقوط صدام بازداشت. اما از طرف دیگر با ادامه حضور صدام حسین در قدرت، سایه تهدید وی - هرچند امروز ضعیف - بر سر همسایگانی چون کویت و عربستان باقی ماند. برای امریکا و متحدان غربی‌اش، ثبات و امنیت این دو کشور بعنوان متحدان وفادار برای تضمین جریان ارزان و آزاد نفت مورد نیاز دنیای غرب اهمیت اساسی دارد. این مسئله شامل خود عراق نیز می‌شود که با وضع نعلی، ذخائر نفتی آن برای غرب بلااستفاده مانده است. علاوه بر آن، سرپاماندن صدام حسین در بغداد و ''شرارتهای او'' آثار ''قهرمانی'' بوش در جنگ علیه صدام را در افکار عمومی مردم آمریکا زایل کرده است. این عوامل مشوق آن بوده که آمریکا و همینطور متحدانش چه در غرب و چه در منطقه از بعد از پایان جنگ تاکنون هیچگاه ''آینده عراق'' و سرنوشت رژیم مستقر در آن کشور را پایان یافته تلقی نکنند و برای برکناری صدام طرح و نقشه بریزند. این اواخر این تلاشها چه از جانب آمریکا و چه از جانب برخی دولتهای منطقه افزایش یافته بود. مشکل آمریکا در این تلاشها تاکنون این بود که ''جانشین دلخواه'' برای صدام وجود ندارد. هم اکنون نیز از نظر آمریکا و هم پیمانانش این جانشین وجود ندارد. علیرغم روی خوشی که آمریکا اخیرا به برخی از مخالفان صدام نشان داده، هنوز آلترناتیو مورد نظرش را پیدا نکرده است. بنظر می‌رسد که فشارهای اخیر علیه صدام از جانب آمریکا روی این حساب است که شاید منجر به اقدامی از درون رژیم عراق علیه صدام حسین شود.

در این میان تعجب و تاسف آنجاست که از قرار معلوم برخی مخالفان صدام باز هم روی غرب و مانورهای آنها حساب باز کرده‌اند. همین یکسال و نیم پیش بود که آنها از این بابت چه ضربه‌ها که نخوردند و چه تلفاتی که محتمل نشدند. هیچ بعید نیست که اگر آنها هشیاری بخرج ندهند، همان ملاحضات دیروزی از جانب آمریکا و دوستانش که صرفا حول منافع آمریکا و دوستانش میچرخد، باز هم آنها را گرفتار مصائب دوباره‌ای کند. مبارزان راه آزادی و بهروزی مردم عراق در پایان دادن به عمر رژیم تبهکاری چون صدام نباید تردید کنند، اما در این هم نیز نباید تردید داشته باشند آینده‌ای که آمریکا و متحدانش و یا دیگر کشورهای منطقه می‌خواهند برای عراق پی‌بریزند، فقط مطابق منافع آنهاست.

همان اندازه که باید با سرکوب و ددمنشی رژیم عراق علیه مردم آنکشور و ماجراجوئی‌های آن نسبت به همسایگانش مخالفت کرد، بایستی با هرگونه دخالت خارجی در تعیین سرنوشت عراق نیز به مخالفت برخاست. آینده عراق باید توسط مردم آنکشور در شرایطی بغنجار و دموکراتیک و بر پایه تفاهم ملی حل و فصل گردد.

انجمن‌های اسلامی احیا میشوند

ادامه‌از صفحه ۱

خامنه‌ای هم‌چنان وظیفه خبردهی را برعهده انجمن‌های اسلامی گذاشته است. او صریحا اعلام کرد: ''انجمن‌های اسلامی چشمی هستند از مرکزیت نظام در همه بخش‌های نظام. چشم بینا. زبان گویای اسلامی و انقلاب هستند در مناطق مختلف این نظام''. او وظیفه شناسایی کسانیکه دشمن تراشی می‌کنند و نارضایتی می‌آفرینند و یا اینکه کار نمی‌کنند و یا رشوه میگیرند و یا در کارها اختلال ایجاد می‌کنند، را به انجمن اسلامی سپرد. در عین حال او خطاب به انجمن‌های اسلامی گفت: ''عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند باهاش مقابله کنید. با گفتار، با سخنرانی، با پخش جزوات مناسب، با تذکر. با این روش‌ها کاری کنید که فضا، فضای اسلامی بشود.'' خامنه‌ای در این سخنرانی مجددا هدایت و سازماندهی انجمن‌های اسلامی را جزو وظایف ''سازمان تبلیغات اسلامی'' دانست.

این سخنان نشان می‌دهد که خامنه‌ای با احیا و فعال کردن انجمن‌های اسلامی می‌خواهد ادارات و واحدهای تولیدی را تا آنجاکه مقدور است به‌وضع پیشین برگرداند و نیروی رژیم را در این مکان‌ها تقویت و زنده نگه‌دارد.

خامنه‌ای قبل از این نیز، در دیدار با جمعی از مسئولین، نویسندگان و کارکنان دستگاه‌های فرهنگی، هنری، تبلیغی و خبری، سخنرانی مبسوطی در مورد تهاجم فرهنگی ایراد نموده بود. او در این سخنرانی کوشید که از ''تهاجم فرهنگی'' مفهوم وسیعتری را ارائه دهد. تا بسیجی‌ها آن را در حمله به‌زنان منحصر نکنند. او گفت: ''تهاجم فرهنگی بدان معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسیر کردن یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد.''

خامنه‌ای تهاجم فرهنگی را به دوره قبل از مشروطیت امتداد داده و گفت که غرب از راه روشنفکری وارد جامعه ما شد: ''از طریق عناصر خودفروخته‌ای مثل میرزاملکم‌خان‌ها و تقی‌زاده‌ها اقدام کرد. جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته شد... بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملکم‌خان و امثال او''. به نظر او این تهاجم فرهنگی در دوره سلطنت پهلوی ادامه یافت تااینکه انقلاب اسلامی آمد و تهاجم را متوقف کرد. ''مردم در دوان اول انقلاب ظرف مدت کوتاهی تغییرات اساسی در خلقیات احساس کردند. در این مدت یک نوع توجه خاص به اسلام و فرهنگ و اخلاق و خلقیات اسلامی که در ضمیر مردم ما بود دوباره زنده شد. به گفته او این گرایش عمیق نبود و وقتی این گرایش عمق پیدا می‌کند که چند سال روی آن کار بشود ولی فرصت این کار پیش نیامد. همان تهاجم به‌تدریج از سرگرفته شد. اما حرارت جنگ باز در مقابل این تهاجم نوعی مانع بود. بعد از جنگ این جبهه جدید به شکل جدی‌تری مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. همینطور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود کاری کرد. لذا فهمیدند که باید عقبه ما را بمباران کنند. عقبه ما عبارت از فرهنگ ما بود. بعد از جنگ محیط مناسب بود، چراکه کوره گداخته جنگ جوانان را به خود مشغول می‌کرد و گوش او به حرف‌های دشمن بدهکار نبود ولی وقتی این کوره خاموش شد، محیط برای آنها آماده شد و لذا دشمن به‌طور وسیع شروع به تهاجم کرد''.

خامنه‌ای می‌گوید که مناسب نبودن حجاب عده‌ای از زنان مسئله اصلی نیست. مسئله اصلی چیزی است که در خیابان و کوچه دیده نمی‌شود و آن صدای فروریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از تهاجم پنهان و زیرکانه دشمن است.

این اظهارات نشان می‌دهد که تحلیل خامنه‌ای از مسئله فرهنگی تنها در ''توطئه دشمن'' خلاصه می‌شود. او کوچکترین اشاره‌ای به‌عجز فرهنگ اسلامی در رابطه با دیگر فرهنگ‌ها و پاسخگویی به نیازهای معنوی جامعه نمی‌کند.

در این موجی که توسط خامنه‌ای و همفکران او راه افتاده است. مسئله سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در ایران، مسئله متخصصین، کنترل قیمت‌ها به موضوعات مورد جدل تبدیل شده است. روزنامه‌های رسالت، جمهوری اسلامی و کیهان در رابطه با موضوعات بالا سیاست‌های رفسنجانی و موضع‌گیری‌های وزرا را به نقد می‌کشند. خامنه‌ای نیز در دیدار با رفسنجانی و هیئت دولت به مناسبت ''هفته دولت'' به مسائل اقتصادی پرداخت و گفت که اقتصاد آزاد سخنن غربی‌هاست و ما در پی غرب نیستیم بلکه بنابر اقتضای جامعه و نظام خود مشی صحیح اسلامی را دنبال می‌کنیم. باید با کسانی که بر اساس عدم نظارت، قیمت‌ها را گران می‌کنند و با آن کمبود مصنوعی ایجاد کرده و موجبات آزار و اذیت مردم را فراهم می‌آورند، مبارزه کرد و دولت در این بخش‌ها باید اقتدار خود را نشان دهد. بخش‌های اقتصادی کشور باید تلاش خود را در جهت مبارزه با گرانی متمرکز کنند.

رد اقتصاد آزاد و تاکید بر کنترل قیمت‌ها توسط خامنه‌ای، در حقیقت به معنی نفی مشی ''تعدیل اقتصادی'' است که دولت رفسنجانی پیش‌می‌برد.

خامنه‌ای در این سخنرانی نیز بر حمایت دولت از متخصصین مذهبی تاکید گذارد و از رفسنجانی خواست که در دستگاه دولتی و دانشگاه‌ها نیروی مومن و کارشناسان متعهد به کار گرفته شوند.

سخنرانی اخیر خامنه‌ای، در رابطه با سیاستی که او می‌خواهد پیش ببرد، حساب شده و خط دهنده بود. او برآنست که حدود و ثغور مشی مورد نظر او هم برای مجریان دولتی و هم انجمن‌های اسلامی و حزب‌اللهی‌های رده پایین روشن شود و جنبه اجرای مستمر به‌خود گیرد. او می‌کوشد باتامین نفوذ و نقش فائقه حزب‌اللهی‌ها در نهادها، با ایجاد و بروز تنش‌های حاد در دستگاه‌های دولتی همراه نباشد.

نرخ بیکاری در حال افزایش است

ادامه‌از صفحه ۱

این روند تعطیلی دخانیات دور از ذهن نیست.'' وی تاکید کرد که: ''از جمله خطرات بزرگی که تولیدات ملی کشور را تهدید می‌کند، ورود کالاهای خارجی است که عموما توسط رقبای خارجی با موانع اندکی وارد بازار می‌شوند.''

دبیر کل خانه کارگر در قسمت دیگری از سخنانی به تلاش‌هایی که علیه قانون کار صورت می‌گیرد اشاره کرد و گفت: ''تبلیغات منفی و نابجایی در گوشه و کنار کشور علیه این قانون به راه انداخته‌اند و متاسفانه بعضی از مدیران نیز به آن دامن میزنند و بعضی‌ها قانون کار را با قانون تجارت اشتباه گرفته‌اند.'' وی افزود: ''بر خلاف اظهار نظراتی که از سوی پاره‌ای از جریانات در جامعه عنوان می‌شود، این قانون به هیچ وجه در تولید اثرات منفی نداشته و اگر به اندازه کافی مورد حمایت قرار نگیرد قادر نخواهیم بود که کارگران را در جریان تولید نگه داریم.'' محجوب ''یکی از روزنامه‌های عصر'' و ''بعضی از مسئولین اقتصادی'' و بویژه اتاق بازرگانی را از عوامل مخالف با اجرای قانون کار نامید و گفت ''اتاق بازرگانی بصورت ملنی و غیر ملنی مشغول مخالفت با قانون کار بوده‌اند. البته انتظاری از آنها نداریم چون رسالت آنان حمایت از کارفرمایان است و طبیعتا توقع آنها این است که سود کارفرمایان ضمانت شود''.

محجوب مسئله مسکن را یکی دیگر از مشکلات عمده جامعه کارگری خواند و از برخورد مسئولین و بانکها در این زمینه انتقاد کرد. وی گفت: ''متاسفانه بانک رفاه کارگران که متولی تامین وام کارگران است، بعد از انقلاب بدون توجه به این مطلب که سرمایه آن به کارگران اختصاص دارد و سرمایه‌داران سهمی در این بانک ندارند، مشمول مصادره شد و اقدامات انجام گرفته جهت استرداد این بانک و واگذاری آن به سازمان تامین اجتماعی تاکنون بی اثر مانده است.'' وی تصریح کرد، بانکهای دیگر کارگران را فراموش کرده‌اند و بانک رفاه کارگران نیز که ''باید کارگزار کارگران باشد، که اسما هست، اما رسما تفاوتی با دیگر بانک‌ها ندارد.''

از سوی دیگر کمالی وزیر کار و امور اجتماعی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد نرخ رشد بیکاری، به عنوان یکی از مشکلات حاد جامعه و کارگران رو به افزایش است. وی گفت: ''در حالی که سالانه باید ۴۰۰ هزار نفر وارد بازار کار شوند، ۳۵۰ میلیارد ریال اعتبار اختصاص داده شده است که این امر تنها برای آموزش و ایجاد کار برای ۳۵ هزار نفر کفایت می‌کند.'' کمالی افزود: مسئله اشتغال در ایران مسئول مستقیمی ندارد و وزارت کار و امور اجتماعی تنها نقش کاریابی را به‌عهده دارد. به گفته وزیر کار تا زمانی که مسئله اشتغال بطور جدی مورد توجه و برنامه ریزی دقیق قرار نگیرد، این مشکلات بصورت روزافزون ادامه خواهد یافت. وزیر کار که در رشت در یک سمینار مربوط به اشتغال سخنرانی میکرد میزان بیکاری و نرخ رشد آن را فاش نساخت. اما مسئولین استان گیلان اعلام کردند، نرخ رشد بیکاری در این استان به ۱۸/۲ درصد رسیده است.

روزنامه سلام:
سیاست‌های اقتصادی رفسنجانی شکست خورده است

بدنبال اعلام مرحله دوم سیاست تعدیل اقتصادی از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه، روزنامه سلام طی یادداشت‌های اقتصادی خود، اعلام این مرحله را اعلام شکست سیاست‌های اقتصادی رفسنجانی ارزیابی کرد. این روزنامه در یادداشت اقتصادی روز ۲۱ مرداد خود نوشت: ''در مرحله دوم، سیاست قیمت‌گذاری به عنوان یکی از محورهای اصلی مورد توجه قرار گرفته است و این در حالی است که در ابتدای شروع سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ۳ سال پیش همین مجریان اصرار داشتند که اعلام کنند که سیاست قیمت‌گذاری شکست خورده و کاملا باید کنار گذاشته شود.'' روزنامه سلام تصمیمات مربوط به مرحله دوم سیاست تعدیل اقتصادی را بیشتر ''سیاسی'' و کمتر ''اقتصادی'' و آنها را کاملا در جهت مخالف سیاست‌های مرحله اول ارزیابی نمود و نوشت: ''در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که آنچه به عنوان سیاست‌های اقتصادی مرحله دوم اعلام شده است، نوعی بازگشت به گذشته و قبل از ''اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی'' است، گذشته‌ای که در ۳ سال اخیر مرتب شکست خورده لقب گرفته است.'' روزنامه سلام اظهار نظر کرده است: ''ما معتقدیم که اجرای مرحله دوم نیز مشکل تولید و توزیع را حل نخواهد کرد، چرا که اصولا چارچوب ''سیاست تعدیل اقتصادی'' را برای ایران کافی نمی‌دانیم و معتقدیم که فارغ از الگوهای کلیشه‌ای و با توجه به شرایط ایران برای سیاست‌های اقتصادی باید برنامه‌ریزی شود.''

روزنامه سلام در یادداشت دیگری بنام ''سیاست تعدیل و سرمایه‌گذاری''، ضمن رد ادعاهای سازمان برنامه و بودجه در مورد رشد سرمایه‌گذاری و با اتکا به آمارهای بانک مرکزی مدعی شد که روند سرمایه‌گذاری هم از سوی بخش خصوصی و هم بخش دولتی در ۳ سال اخیر منفی بوده است. این روزنامه عدم موفقیت دولت در جلب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و شرکت در روند تولید را یکی از بارزترین نشانه‌های شکست سیاست ''تعدیل'' نامید.

عباس عبدی سردبیر این روزنامه، درسخنرانی در اردوی سراسری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور این ارزیابی‌ها را به طور صریح‌تری مورد تاکید قرار داد و گفت: ''آقای هاشمی مهمترین برنامه‌اش اقتصادش هست که متاسفانه باید گفت با شکست مواجه شده است.'' وی در توضیح این نتیجه‌گیری افزود: ''برنامه‌هایشان به شدت انتزاعی بود. من شخصا موافق سیاست‌های تعدیل اقتصادی هستم ولی این کاری که اینها کردند اساسا خیلی انتزاعی بود. به‌هیچ وجه برای مسئله نقدینگی فکری نکرده بودند. برای عوارض سیاسی - اجتماعی آن فکر نکردند، کلا سیاست‌های وارداتی آنها اشتباه هست و ضربه زد. سیاست‌های تسهیلات ارزی‌شان و بخصوص وارداتی که در سال ۶۹ داشتند به این مملکت ضربه‌زد والآن هم با این جوری که پیش آمده دیگر فاتحه این سیاست‌ها بهتر است بگوییم خوانده شده''. وی افزود: ''روزی که هیئت دولتش را معرفی می‌کرد گفت ما سیاستمدار نمی‌خواهیم، یک نفر سیاستمدار در هیئت وجود دارد و آن هم من هستم و کافیست، همه باید مدیر و کارشناس اجرایی باشند و خوب وقتی با این دیدوارد قضیه می‌شود یک عده کارشناس‌های به‌شدت غیرسیاسی تصمیم گیرنده می‌شوند و متوجه نیستند که آثار اجتماعی رفتارشان چیست و آثار اجتماعی هم یک مسئله جدی و عینی است. آقای هاشمی شاید تصورش این بود که مردم عین یک موم در دست ایشان هستند، هر جوری بخواهد شکلشان می‌دهد. آن‌ها فقط برنامه‌ریزی کنند و ایشان بقیه مسایل را حل می‌کند و من فکر می‌کنم متوجه شده‌اند که اینطوری نیست.''

تظاهرات مردم در تهران و کرمانشاه

ادامه از صفحه ۱

شدند. تظاهرات تا نیمه‌های شب ادامه یافت. از بامداد ۵شنبه دستگیریهای گسترده توسط عوامل وزارت اطلاعات و پاسداران آغاز شد و نیروهای مسلح رژیم با یورش به‌خانه‌ها و جستجوی خانه به خانه تعداد نامعلومی را دستگیر کردند. دستگیرشدگان به ''کمیته مشترک'' در میدان توپخانه وزندان اوین منتقل شدند. گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که تعدادی از تظاهرکنندگان که به وسیله گلوله مجروح شده بودند، به بیمارستان‌های اطراف محله یافت‌آباد انتقال یافتند. نیروهای انتظامی تا چند روز پس از تظاهرات خیابان‌های یافت‌آباد را تحت کنترل شدید قرار دادند.

۴ روز پس از تظاهرات در یافت آباد تهران، مردم محله جعفرآباد کرمانشاه نیز به تظاهرات دست زدند که توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به‌خون کشیده شد. بنا به گزارش خبرنامه فوق، درگیری در محله جعفرآباد بدنبال دخالت نیروهای انتظامی در یک نزاع شخصی و کشته‌شدن یک جوان به دست آنها روی داد. چند صد تن ازاهالی شهرک جعفرآباد در اعتراض به قتل این جوان در محل حادثه اجتماع کرده و ضمن دادن شعار علیه قاتلان خواهان مجازات آنها شدند. مسئولین منطقه به جای اجابت خواسته مردم، واحدهای ضربتی سپاه پاسداران را به محل حادثه اعزام کردند و آنان به قصد برهم‌زدن تجمع مردم به روی آنان آتش گشودند. بر اثر تیراندازی پاسداران یک تن دیگر کشته و تعدادی از مردم مجروح شدند. جنایت تازه پاسداران جرقه‌ای بر آتش خشم مردم شد. هزاران تن از اهالی شهرک به خیابان‌ها ریختند و با دادن شعارهایی علیه گرانی و سرکوب با پاسداران به نبرد برخاستند. برخی گزارش‌ها حاکی است که تعدادی از مردم با تفنگ‌های شکاری و اسلحه‌های پنهان شده از زمان جنگ به مقابله با پاسداران پرداختند. بدنبال بالا گرفتن دامنه تظاهرات، صدهاتن دیگر از مامورین مسلح رژیم به شهرک هجوم آوردند. تظاهرات و زدو خورد تا غروب یکشنبه ادامه یافت. در جریان این درگیری‌ها گروهی از مردم و هم‌چنین تعدادی از نیروهای انتظامی کشته و مجروح شده‌اند. از روز دوشنبه شهرک جعفرآباد به اشغال پاسداران درآمد و آنها با جستجوی خانه به خانه بیش از ۴۰۰ نفر را دستگیرکردند.

از سرنوشت دستگیرشدگان تظاهرات مردم تهران و کرمانشاه اطلاعی در دست نیست. شکنجه و خطر اعدام‌های تازه آنها را تهدید می‌کند. رژیم که به‌سرکوب خونین و کشتار مردم به‌جان آمده کمر بسته، از شکنجه‌های وحشیانه و اعدام‌های مخفیانه نیز ابایی ندارد.

مقاومت مردم در برابر زور و بیدادگری رژیم در همه جا ادامه دارد. گزارش‌های متعدد حاکی است که مردم در برابر چماقی که بنام نهی از منکر برسرآنان فرود می‌آید مقاومت می‌کنند و به‌ویژه اذیت و بازداشت زنان با عکس‌العمل‌های اعتراضی مردم روبروست، بسیاری از این اعتراض‌ها به تظاهرات کوچک و بزرگ تبدیل می‌شود. طی چند هفته اخیر علاوه بر تظاهرات گسترده مردم یافت‌آباد و جعفرآباد تظاهرات دیگری در شهرهای اردبیل و سلماس برپا شده است. آفاز کننده تظاهرات سلماس نیز معلولین جنگی بوده‌اند که علیه گرانی کمرشکن به خیابان‌ها آمدند.

رژیم در پاسخ به مردمی که از گرسنگی و بی‌خانمانی تظاهرات بزرگ شهرهای شیراز، اراک و مشهد را به راه انداختند، نیروهای بسیج را به خیابان‌ها کشاند و با قساوت و بی‌رحمی و بنام ''نهی از منکر'' در صدد سرکوب آنان برآمد. اما اینک تعدیات روزمره چماقداران رژیم در کنار فقر و گرانی و بی‌خانمانی انگیزه تازه‌ای در جهت مقاومت و اعتراض مردم فراهم آورده است. تظاهرات در تهران، کرمانشاه، سلماس و ده‌ها نقطه دیگر نشان داده که حزب‌الله و پاسدار و بسیج نمی‌توانند خشم در حال فوران مردم را به بند کشند.

رونق اقتصادی یا فلاکت اقتصادی؟

ادامه از صفحه ۱

اقتصادی مورد ادعای آقای عادلی، می‌دهد. گزارش‌های اقتصادی انتشار یافته از سوی منابع غیردولتی حاکیست که درآمدهای دولت کفاف هزینه‌های آن را نمی‌دهد و اوضاع اقتصادی کشور وخیم است. عادلی میگوید که ایران بدهی خارجی ندارد، اما منابع مختلف، از افزایش بدهی خارجی جمهوری اسلامی و تاخیر آن در بازپرداخت این بدهی‌ها خبر می‌دهند. این مسئله موجب آن شده که تضمین اعتبارات برای معاملات بازرگانی با جمهوری اسلامی کاهش یابد.

عادلی در گزارش خود با آمار و ارقام نشان میدهد که در همه زمینه‌ها شاخص‌های رشد از ارقام پیش‌بینی شده در برنامه ۵ ساله فراتر رفته است. اما همین هفته گذشته حبیبی معاون اول رئیس جمهوری - هرچند در قالب جملات کلی - اعتراف کرد که در مواردی پیش‌بینی‌های آنها در برنامه ۵ساله درست از آب درنیامده‌اند.

هم‌اکنون به‌دلیل پایین بودن بهای نفت - کمتر از میزان پیش‌بینی شده در بودجه امسال و نیز منابع ارزی برنامه ۵ ساله - دولت با مشکلات جدی برای تامین درآمدهای پیش‌بینی شده برای سال جاری روبروست. سال گذشته نیز وضع به همین صورت بود. در نتیجه دولت با بدهی و کسری تراز پرداخت‌های خارجی مواجه بود. تمام بار این وضعیت نابسامان، باسیاست‌های اقتصادی که دولت در پیش گرفته مستقیما بر دوش توده‌های مردم منتقل شده وزندگی و معیشت آن را بیش از پیش زیر فشار قرار می‌دهد.

ادامه نقض حقوق بشر در ایران محکوم است

ادامه از صفحه ۱

یکماه و نیم قبل نیز سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارش سالانه خود با اشاره به اعدامهای بیشمار در حکومت اسلامی در سال میلادی گذشته، رژیم حاکم بر ایران را در صدر جدول رژیم‌های نقض‌کننده حقوق بشر در جهان معرفی کرده بود. با موج تازه‌ای از آزار و اذیت مردم که این روزها تحت عنوان ''نهی از منکر'' توسط محافل واپسگرای حکومت با فراخواندن حزب‌الله به کوچه و خیابان براه افتاده و نیز سرکوب خشنی که حکومت در برابر اعتراضات مردمی در پیش گرفته، تعداد بازداشت‌ها و شکنجه و اعدام دستگیرشدگان بیش از پیش شدت یافته است.

درگذشت استاد محیط طباطبائی

ادامه از صفحه ۱

اشتغال داشت. سپس به فعالیتهای پژوهشی روی آورد و در زمینه ایران شناسی و فرهنگ و ادب ایران خدمات فراوانی عرصه کرد و در کنار آن به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری نیز می‌پرداخت.

از استاد طباطبائی بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب و صدها سخنرانی و گفتار چاپ شده است. از جمله این آثار می‌توان از ''دوران نادر''، ''تاریخ تحول نثر فارسی''، ''تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران''، ''رابیندرانات تاگور''، ''مجموعه آثار میرزا ملکم خان''، ''جغرافیای نو''، ''زندگی‌نامه فردوسی'' نام برد. ''کار''، نقدان استاد محیط طباطبائی را به دوستان و آشنایان مرحوم و همه خدمتگزاران فرهنگ و ادب ایران تسلیت می‌گوید.

در حاشیه رویدادها

مشکل ''مرجع تقلید''

تعیین ''مرجع تقلید'' بعد از فوت آیت‌الله خویی مسائلی را در بین روحانیون بوجود آورده است. بگفته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مردم مسلمان، مکررا به این جامعه مراجعه کرده و کسب تکلیف نموده‌اند. مدرسین حوزه علمیه قم در این رابطه تشکیل جلسه داده و به این نتیجه رسیده است که: ''باوجود حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی و حضرت آیت‌الله‌العظمی اراکی رجوع به یکی از دو بزرگوار تعین دارد.'' ولی نظر: ''اکثریت جامعه بر تعیین حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی است.''

در اواخر حیات خمینی برای حل مشکل ولی فقیه، تغییراتی در قانون اساسی مبنی برجدایی رهبری از مرجعیت داده شد. این تغییرات راه را برای تعیین خامنه‌ای به عنوان رهبر توسط مجلس خبرگان بازکرد. مجلس خبرگان خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر و آیت‌الله اراکی را به‌عنوان مرجع تقلید معین کرد و قرار شد که وجوهات اسلامی، در اختیار او قرار گیرد. در آن زمان با توجه به مخالفت‌های گلپایگانی با برخی از قوانین مصوب مجلس و سیاست‌های جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان از مرجعیت او سخنی به میان نیاورد. اما جامعه مدرسین حوزه علمیه‌قم با نظرات گلپایگانی موافقت داشت.

در عین حال با فوت آیت‌الله خویی، مسئله یکی‌شدن مرجع و رهبر برای برخی از مسئولین حکومتی مطرح شده است. یزدی امام جمعه موقت تهران و رئیس قوه قضاییه در خطبه نماز جمعه اظهار داشت که بعد از رحلت آیت‌الله خویی: ''فضلا، علما و روحانیون تکلیف مردم را بخوبی روشن نکرده‌اند. دستگاه حکومتی و بخش قضایی حکومت اسلامی که مستند به فتوی است از چه کسی باید تقلید کند آیا از فیرحاکم تقلید کند یا از حاکم تقلید کند یا از حاکم و غیرحاکم تقلید کند''. او اضافه کرد: ''فقیهی که مسئولیت امت اسلامی را به عهده دارد رهبری ایشان مانع مرجعیت نیست و نباید تصور شود کسانی که در حوزه هستند حق تقدم دارند''. جنتی نیز در خطبه نماز جمعه بر همین نکته دست گذاشته بود: ''نمی‌شود از یک رهبر بخواهید که حکومت اسلامی را اداره کن ولی وجوهات امت اسلامی در سراسر کشور پخش شود.''

هنوز معلوم نیست که این گرایش در بین روحانیون واعضای مجلس خبرگان چقدر نیرو دارد و آیا تعیین مرجع تقلید توسط مدرسین حوزه علمیه‌قم مورد پذیرش سایرین خواهد بود یا نه؟

بازداشت اصفرزاده

عباس عبدی سردبیر روزنامه ''سلام'' در سخنرانی خود در اردوی سراسری اعضای شوراهای مرکزی دفتر تحکیم وحدت بازداشت ابراهیم اصفرزاده را مورد تایید قرارداد وی در پاسخ به این سوال که: ''آقای اصفرزاده به چه‌خاطر بازداشت گردید؟'' جواب داد: ''این را بروید از بازجویش بپرسید''.

درمورد بازداشت اصفرزاده تاکنون هیچ‌گونه خبری در مطبوعات منعکس نشده است. او سخنگوی دانشجویان خط‌امام در زمان تسخیر سفارت آمریکا در تهران و نماینده مجلس شورا در دوره قبلی بود. اصفرزاده در زمان انتخابات مجلس خبرگان به خاطر مانع‌تراشیدن برای راهیابی تندورها به خبرگان به سخنرانی تندی علیه ائتلاف حاکم ایرادکرد که منجر به عکس‌العمل شدیدخامنه‌ای شد. با این وجود اصفرزاده در نطق بعدی‌اش در مجلس هم‌چنان ازمواضع خوددفاع نمود. او جزو جناح تندرو در مجلس بود و از ''آزادی بیان و مطبوعات'' و ''جمهوریت'' دفاع می‌کرد. اصفرزاده در بین دانشجویان پیرو خط امام و جناح تندرو ازاعتبار برخوردار بود.

در انتخابات اخیر مجلس شورا، صلاحیت اصفرزاده و چندتن از یاران او توسط شورای نگهبان رد شد و آنها نتوانستند در انتخابات شرکت جویند. علت رد صلاحیت او، سخنرانیها و مواضعش در مجلس شورا بود. گرچه خبر و علت دستگیری او توسط مسئولین حکومت اعلام نشده است ولی به نظر می‌رسد وی به خاطر مواضع و اقداماتش بازداشت شده باشد.

توقف درج خاطرات خلخالی در روزنامه سلام

ازمدت‌ها قبل خاطرات صادق خلخالی در روزنامه سلام درج می‌شد. خلخالی در خاطراتش ضمن توضیح وقایع، به تعریف و تمجید از خود پرداخته واز اقدامات سرکوبگرانه‌اش دفاع می‌نمود. چاپ این خاطرات با عکس‌العمل منفی بخشی از خوانندگان روزنامه سلام مواجه شده است. روزنامه سلام با توجه به تاثیرات سیاسی منفی درج این خاطرات و مخدوش‌شدن خط‌آن با خط خلخالی، مسئله بازبینی مطلب را دستاویز قرارداده و درج آن را به آینده موکول کرده است.

با تحولاتی که در درون جناح تندرو پیش رفته است، بین جریان افراطی و حزب‌الهی که چهره‌های بارز آنها محتشمی، خلخالی و غفاری بود با جریانی که حول روزنامه سلام و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تمرکز یافته است، تمایزات آشکار و وسیعی شکل گرفته است. جریان اول هم‌چنان بر مواضع سرکوبگرانه، کور و حزب‌الهی تاکید دارد و از آن موضع با مسائل جامعه برخورد می‌نماید. محتشمی مدتی قبل اعلام کرد که در صدد تشکیل ''حزب الله'' است. اما جریان دوم از مواضعی که مشخصه جناح تندرو بود، فاصله گرفته و در مورد برخی مسائل از جمله ''آزادی بیان و مطبوعات''، ''منشاء مشروعیت نظام''، ''قانونیت''، ''جمهوریت'' به دیدگاه‌های جدیدی دست یافته است. بین آنها به جهت دیدگاهی و مواضع شکاف جدی بوجود آمده است.

www.iran-archive.com

از میان رویدادها

ایران و انگلیس: اخراجهای متوالی

در ادامه تشنج تازه‌ای که میان جمهوری اسلامی و دولت انگلیس پدیده آمده است، دوطرف دست به اخراج تعداد بیشتری از وابستگان دوکشور از خاک خود زدند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه ایران با احضار کاردار انگلیس در تهران، در تاریخ ۲۴ مردادماه، خواستار اخراج ۳ تن از اتباع انگلیس بنامهای راجووواروگیز، آلن چارلزکوردیر و ویلیام برتی‌بای شد. دلیل این تصمیم مبادرت این ۳ تن به ''اعمال غیرقانونی'' اعلام شد. اخراج این ۳ تن بدنبال آن صورت گرفت که وزارت امور خارجه انگلیس ''علی رجوی'' یکی از دیپلماتهای جمهوری اسلامی از این کشور را اخراج کرد.

پیش از اخراج رجوی، انگلیس دو دیپلمات و یک دانشجوی دیگر ایرانی را نیز اخراج کرده بود. این اخراجها پاسخی بود به اخراج ''جفری برامر'' دبیر سوم سفارت انگلیس در تهران که ظاهرا به دلیل انجام یک مسابقه ورزشی با یک خلبان غیر نظامی از تهران صورت گرفت. گفته می‌شود یکی از دلایل تیرگی مجدد مناسبات دو کشور کماکان موضوع ''سلمان رشدی'' است.

توافق‌های تجاری

هفته گذشته دو شرکت نفتی امریکا با جمهوری اسلامی ایران بر سر معاوضه نفت خام تولیدی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیدند. بر اساس این توافق قرار است جمهوری اسلامی نفت تولیدی جمهوری آذربایجان را تحویل و همان میزان نفت را در خلیج فارس تحویل شرکتهای امریکایی بدهد. ایران نفت تحویلی جمهوری آذربایجان را در پالایشگاه تبریز مورد استفاده قرار خواهد داد. تاکنون نفت این پالایشگاهها از جنوب تامین می‌شد. در عوض شرکتهای نفتی امریکایی نیز هزینه انتقال نفت جمهوری آذربایجان تا خلیج فارس را صرفه‌جویی نموده و نفت تحویلی جمهوری آذربایجان به ایران را با همان کیفیت در خلیج فارس تحویل خواهند گرفت.

از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که صادرات برنج و ذرت امریکا به ایران از سر گرفته شده است. صدور برنج و ذرت از امریکا به ایران در ده‌سال گذشته متوقف بوده است. شرکت ''رایس‌لندفودز'' اعلام کرده است که در آغاز فعالیت تجاری با ایران ۸۰۰ تن برنج به ایران فروخته است. مسئولان این شرکت ابراز امیدواری کرده‌اند که این معامله آغاز روابط تجاری وسیعی با ایران در آینده باشد.

اظهارات ضدونقیض پیرامون ابطال دفترچه‌های بسیج

در حالیکه بسیاری از مردم حذف دفترچه‌های بسیج اقتصادی را مقدمه حذف کالاهای کوپنی میدانند و این موضوع نگرانیهایی را دامن زده است، مسئولین رژیم مسئولیت حذف دفترچه‌ها را به گردن یکدیگر میاندازند. تصمیم به حذف دفترچه‌ها را مسعود روغنی زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه روز ۱۸ مرداد ماه اعلام کرد. وی در مصاحبه خود تصریح کرد که دفترچه از این تاریخ (۱۸ مرداد) از درجه اعتبار ساقط است. یک هفته بعد از این تصمیم وزیر بازرگانی اعلام کرد: ابطال دفترچه‌های بسیج اقتصادی از سوی آقای روغنی زنجانی، رئیس سازمان برنامه و بودجه بدون هماهنگی وزارت بازرگانی صورت گرفته است. وی اعلام کرد این دفترچه‌ها برای وزارتخانه‌ها و سازمانهای مربوطه تا اول مهرماه اعتبار خواهند داشت.

در همین حال طاهری استاندار تهران ضمن محکوم ساختن تصمیم حذف دفترچه‌ها مدعی شد که حذف دفترچه‌های بسیج اقتصادی اقدام یکطرفه‌ای است که در آن صرفا نظرات وزارت بازرگانی تامین و رعایت شده است! استاندار تهران افزود: برای ابطال این دفترچه‌ها از مسئولان دستگاههای اجرایی استانها و شهرستانها که در این زمینه صاحبنظر هستند نظر خواهی و هماهنگی نشده و این مساله در چند روز اخیر مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است.

اظهارات ضدو نقیض رژیم نشانه سردرگمی و بی‌برنامگی آشکاری است که در ارگانهای اجرایی وجود دارد.

تشنج در دانشگاه بهشتی

اختلاف میان انجمن‌های اسلامی دانشگاه بهشتی با مدیریت این دانشگاه باردیگر فضای این دانشگاه را متشنج ساخت. انجمن‌های اسلامی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی را به‌حذف نیروهای انقلابی، سوء مدیریت و اشاعه ''منکرات'' محکوم می‌کنند.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان و اساتید و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی بهشتی ضمن یکی از آخرین بیانیه‌های خود خطاب به وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از ''حذف نیروهای حزب‌الله'' و ''حاکمیت بخشیدن نیروهای غیر متعهد ناصالح'' توسط رئیس دانشگاه به‌شدت انتقاد کرده‌اند و نوشته‌اند: ''رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به‌جهت فقدان ابعاد مدیریتی اعم از اخلاقی و سیاسی مورد انتقاد جدی نیروهای مسلمان دانشگاه قرار داشته و دارد''. در این بیانیه آمده است: ''فضای همیشه متلاطم دانشگاه که مترادف نارضایتی و نگرانی دایمی نیروهای مسلمان و جسارت و هتاکی نیروهای فرصت‌طلب و غیر انقلابی بوده است و حذف نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی به بهانه‌های واهی جز مرض‌های ''ل'' برخی تصمیم‌گیرندگان معنای دیگری ندارد.

''انجمن‌های اسلامی مذکور در پایان بیانیه خود از وزیر ارشاد خواسته‌اند که در حوزه مسئولیت خود بیش از این اجازه اشاعه منکرات را ندهد.

اختلافات انجمن اسلامی با دستگاه مدیریت دانشگاه بهشتی تاکنون چند بار این دانشگاه را به آشوب کشانده است.

رئیس‌جمهور نخجوان در تهران

اول شهریورماه، حیدر علی‌اف رئیس جمهور نخجوان وارد تهران شد. وی در جریان دیدار رسمی خود از جمهوری اسلامی با خامنه‌ای و رفسنجانی دیدار کرد. هدف از سفر علی‌اف به تهران جلب کمک‌های بیشتر جمهوری اسلامی به جمهوری نخجوان که بر اثر جنگ در منطقه قفقاز در وضعیت اقتصادی بدی به سر می‌برد، اعلام شد. علی‌اف در دیدارهای خود با مقامات جمهوری اسلامی ضمن تمجید از سران حکومت و پیشرفتهای جمهوری اسلامی، خواهان کمک‌های بیشتر جمهوری اسلامی از جمله صدور گاز طبیعی ایران به این کشور شد.

خامنه‌ای و رفسنجانی در دیدارهای خود با علی‌اف ضمن تاکید بر اهمیت همکاریهای بیشتر بین دوکشور، قول کمکهای بیشتری به این کشور کوچک همسایه را دادند. رفسنجانی ضمن اشاره غیر مستقیم به کسانی که کمکهای جمهوری اسلامی به کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق را به منظور نفوذ بیشتر حکومت اسلامی در این کشورها میدانند گفت: هدف جمهوری اسلامی ایران از ارائه کمک‌های انسان دوستانه به کشورهای مسلمان و تازه استقلال یافته وظیفه‌ای اسلامی و انسانی است و اگر کسانی غیر از این باوری داشته باشند یقینا راهی به خطا و اشتباه رفته‌اند و گذشت زمان این مهم را به اثبات می‌رساند.

تصفیه قوای انتظامی

ماهنامه پاسدار اسلام از مسئولین رژیم اسلامی خواسته است که قوای انتظامی را از وجود ''عناصر ناسالم'' که در سرکوب مردم از خود تزلزل نشان داده‌اند، تصفیه نماید. این ماهنامه که از سوی حوزه علمیه قم انتشار می‌یابد، با اشاره به شورش اخیر مردم در شهر مشهد، اراک و شیراز به مقامات حکومتی پیشنهاد کرد مامورانی که از حمله به مردم خودداری میکنند شدیدا مورد مجازات قرار گیرند تا درس عبرتی برای ماموران دیگر باشد.

طرح استیضاح وزیر کشور

به گزارش خبرنگار پارلمانی روزنامه سلام، در اواسط مرداد ماه گذشته طرح استیضاح حجت‌الاسلام نوری وزیر کشور در مجلس آماده شده و به زودی در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. گفته می‌شود این طرح به امضای بیش از یکصدتن از نمایندگان مجلس رسیده است. نوری وزیر کشور، حتی پیش از انتخابات مجلس چهارم مورد انتقاد نمایندگان طرفدار رسالت قرار داشت. پس از انتخابات این انتقادات تصریح شد و اکنون استیضاح وی مطرح شده است. لازم به یادآوری است که رفسنجانی پس از موافقت با استعفای خاتمی وزیر پیشین ارشاد اعلام کرده بود قصد ندارد تغییر دیگری در کابینه خود بدهد. اما تهیه طرح استیضاح نوری نشانگر فشارهای جناح رسالت برای انجام تغییرات دیگری در کابینه است.

درگیرها در کردستان

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور در اطلاعیه مطبوعاتی خود بتاریخ ۲۹ مردادماه که در پاریس منتشر شد، شمه‌ای از عملیات پیشمرگان این حزب در نیمه دوم مردادماه را برشمرد. به گزارش این اطلاعیه در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ۶ نفر از افراد نظامی رژیم در مسیر جانک به سیرو و طی زدوخوردی که روی داده کشته و یک نفر از آنها زخمی شده است.

بنا به این اطلاعیه درگیری دیگری در ۲۴ مرداد ماه میان پیشمرگان حزب و پاسداران در جاده بوکان - سقز واقع در ۸ کیلومتری شهر بوکان رخ داد، در این درگیری که نیم ساعت به طول انجامید ۳ نفر از پاسداران وابسته به گروه ضربت امام علی کشته شده و ۶ تن دیگر به اسارت پیشمرگان درآمدند. اطلاعیه حزب دموکرات از درگیری دیگری در تاریخ ۲۶ مرداد ماه در مسیر جاده ''کاولان'' به ''سونیاس'' در مهاباد خبر میدهد که در جریان آن ۶ نفر از پاسداران گردان شهید کاظمی از گروهان مرصاد تیپ ۱۵۵ مدینه منوره کشته شده‌اند.

خودسوزی یک میوه‌فروش

تهاجمات و تعدیات مامورین شهرداری به مردم زحمتکش و فقر زده فاجعه تازه‌ای آفرید و موجب خودسوزی یک دستفروش شد. وی که قدرت قاضی‌زاده نام داشت از طریق فروش میوه بر روی چرخ دستی خود امرار معاش می‌کرد. روز ۲۵ مرداد گذشته مامورین شهرداری تهران که بدنبال شکار دستفروشان به خیابان نوفل لوشاتو (چرچیل سابق) آمده بودند، به بهانه آنکه ''قدرت'' سد معبر کرده است، چرخ دستی وی را مصادره کردند. اصرارها و حتی التماس‌های میوه‌فروش به مامورین شهرداری مبنی بر اینکه یگانه وسیله معیشت او را به غارت نبرند، به جایی نرسید. قدرت قاضی‌زاده در برابر چشمان حیرت‌زده مردم و از سر استیصال، بشکه‌ای نفت به روی خود خالی کرد و خود را به آتش کشید. دستفروش را به بیمارستان سوانح سوختگی منتقل کردند، اما معالجات سودی نبخشید و وی به علت سوختگی شدید جان سپرد. قدرت قاضی‌زاده هنگام مرگ تنها ۳۵ سال داشت.

مرگ یک دختر ۱۳ ساله در جریان ''نهی از منکر''

به گزارش سازمان جهانی همبستگی با زنان ایران در پاریس، یک دختر ۱۳ ساله ضمن فرار از دست بسیجیها از پشت‌بام یک ساختمان ۵ طبقه سقوط کرد و جان سپرد. وی سارا وفایی نام داشت و در اواخر مرداد ماه گذشته در خیابان ولیعصر به اتهام بدحجابی از سوی مامورین بسیج مورد آزار قرار گرفت. وی در جریان فرار از دست بسیجیان به داخل یک ساختمان ۵ طبقه گریخت و چون در آنجا نیز مورد تعقیب قرار گرفت، به پشت‌بام پناه برد و بر اثر هراس ناشی از اسیر شدن به دست حزب‌الله از بام ساختمان به پایین پرتاب شد و در دم جان سپرد. به گزارش سازمان فوق مردمی که ناظر سقوط و کشته شدن سارا و خروج بسیجی‌ها از ساختمان بودند، دست به اعتراض زدند و اتوبوس مخصوص انتقال بدحجابان بازداشت شده به زندان را به آتش کشیدند.

فعالیت مجله ''آینده'' متوقف شد

در آخرین شماره ماهنامه آینده در یادداشت کوتاهی به قلم ایرج افشار مدیر مجله آمده است: ''خواننده گرامی! چون بتازگی چشمهایم دچار بیماری شده است و ناچارم از گران باری آن بکاهم، از اینکه مجله را نمی‌توانم چاپ بکنم پوزش می‌خواهم. دفتر مجله اشتراک‌هایی را که برای سال ۱۳۷۱ رسیده است، پس خواهد داد. ضمنا انتظار می‌رود کسانی که وجه اشتراک سال ۱۳۷۰ را نپرداخته‌اند، هرچه زودتر مرحمت کنند. با سپاسگزاری از همه نویسندگان و یاران همکار و خوانندگان - ایرج افشار''.

گفته می‌شود دلیل توقف فعالیت نشریه آینده نه بیماری چشم ایرج افشار مدیر مجله بلکه ناشی از موج ''مقابله با تهاجم فرهنگی'' است که اخیرا از سوی محافل قشری حکومت اسلامی به سرکردگی علی خامنه‌ای براه افتاده است.

مطبوعات فرهنگی مستقل یکی از آماج اساسی این تهاجم ضد فرهنگی محافل واپسگرای حکومت اسلامی است. این فشارها تاکنون توقف فعالیت تعدادی از نشریات غیر دولتی را موجب شده است. در مورد دیگر نشریات نیز این فشارها و فضای سنگینی در اطراف فعالیت آنها ادامه دارد. احتمالا تصمیم به توقف کار ''آینده'' توسط مدیر مجله زیر فشار چنین جوی صورت گرفته است.

ماهنامه آینده که یک مجله فرهنگی و پژوهشی است در سال ۱۳۰۴ توسط دکتر محمود افشار یزدی پا به عرصه وجود گذاشت. اما انتشار آن پس از چندی متوقف شد. از سال ۵۴ به بعد فعالیت مجدد مجله با مدیریت ایرج افشار از سر گرفته شد و انتشار آن تا به امروز ادامه داشت.

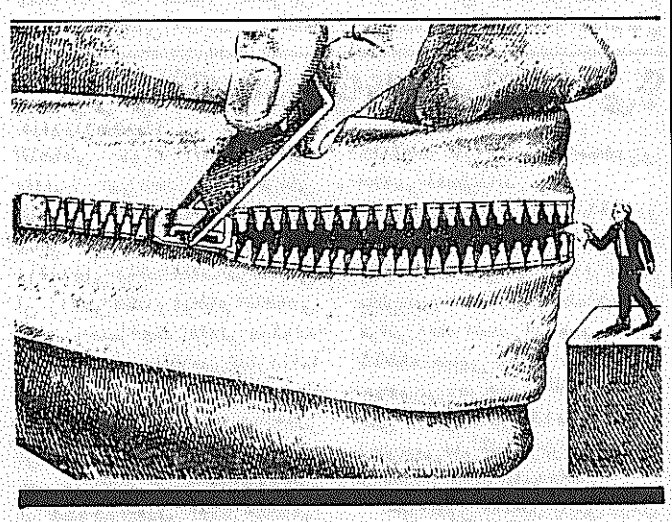

www.iran-archive.com

کمبود گوشت قرمز و کاهش مصرف سرانه آن

قیمت گوشت قرمز در چند سال اخیر مرتبا افزایش یافته است. این امر موجب شده است که میزان مصرف سرانه گوشت کاهش یابد. مصرف سرانه گوشت در سال ۱۳۵۶ حدود ۲۳ کیلوگرم بود، در حالیکه در سال ۶۷ به ۱۸/۵ کیلو و در سال ۶۸ به ۱۹/۶ کیلو کاهش یافته است

بررسی میزان تولید گوشت قرمز نشان میدهد که بین تولید و مصرف گوشت در کشور فاصله زیادی وجود دارد. بگفته معاون سابق امور دام جهاد سازندگی، میزان تولید گوشت دام کشور در سال ۷۰ حدود ۵۷۵ هزار تن بوده است. اگر مصرف سرانه گوشت را در این سال معادل سال ۱۳۶۸ یعنی حدود ۱۹/۶ کیلوگرم فرض کنیم، باید ۱۱۶۰ هزار تن گوشت عرضه می شد. در حالیکه با در نظر گرفتن واردات حدود ۶۹۵ هزار تن گوشت قرمز عرضه شده است. یعنی تفاوت بین عرضه و مصرف حدود ۴۶۵ هزار تن بوده است. این کمبود تاحدود زیادی علت افزایش قیمت گوشت قرمز است.

عرضه سرانه گوشت نیز در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۵۷ کاهش قابل توجهی را نشان میدهد. در سال ۵۷ حدود ۵۰۰ هزار تن گوشت برای ۳۴ میلیون جمعیت کشور و در سال ۷۰ حدود ۶۹۵ هزار تن برای ۵۸ میلیون نفر جمعیت عرضه شده است. یعنی با وجود افزایش ۳۷ درصدی میزان تولید در این فاصله زمانی، عرضه سرانه گوشت در سال ۵۷ حدود ۱۴ کیلوگرم و در سال ۷۰ حدود ۱۲ کیلوگرم بوده است.

گوشت یکی از منابع عمده تامین پروتئین بدن است. سهم گوشت در تامین کالری مورد نیاز از ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. کاهش میزان پروتئینی اثرات نامطلوب برسلامتی مردم گذاشته است.

افزایش قیمت گوشت موجب شده است که مصرف گوشت در بین اقشار کم درآمد جامعه کاهش یابد. طبق آمار موجود: "در سال ۱۳۶۸ کمترین میزان مصرف سرانه گوشت دام با ۲/۵ کیلوگرم به گروه هزینه‌ای ۳۴ تا ۳۶ هزار تومان و بیشترین آن با ۴۶/۲ کیلوگرم به گروه هزینه‌ای بیش از ۲۴۰ هزار تومان در سال مربوط بوده است. در این سال مصرف سرانه گوشت دام خانوارهای کم درآمد روستایی ۲/۱ و خانوارهای پردرآمد ۲۱/۶ کیلوگرم در سال بوده است" (بررسی مصرف گوشت در ایران، گزیده مطالب آماری شماره ۳). یعنی پردرآمدترین خانوارهای روستایی حدود ۱۰ برابر کم درآمدترین خانوارهای روستایی گوشت دام مصرف می‌کنند.

اقشار کم درآمد جامعه با افزایش قیمت گوشت در بازار، به تهیه گوشت کوپنی روی آورده‌اند. اما مسئولین، کوپن گوشت را دیر اعلام می‌کنند. اخیرا بعد از چند ماه یک شماره از کوپن گوشت را اعلام کردند. بعلاوه گوشت کوپنی کافی نیست و تهیه آن هم یکی از مشکلات جدی مردم است. گاه زنان شب تا صبح را با یک پتو در کنار خیابان ها می‌گذرانند تا بلکه صبح بتوانند اندکی گوشت تهیه کنند. به نوشته مطبوعات کشور در برخی از شهرستان ها مدتی است که گوشت قرمز نایاب شده است. در استان ایلام حدود یک ماه است که گوشت گوسفند و گوساله پیدا نمی‌شود. در شهرهای استان ایلام، برخی قصاب ها به علت نداشتن گوشت جهت عرضه به مردم، تغییر شغل داده‌اند.

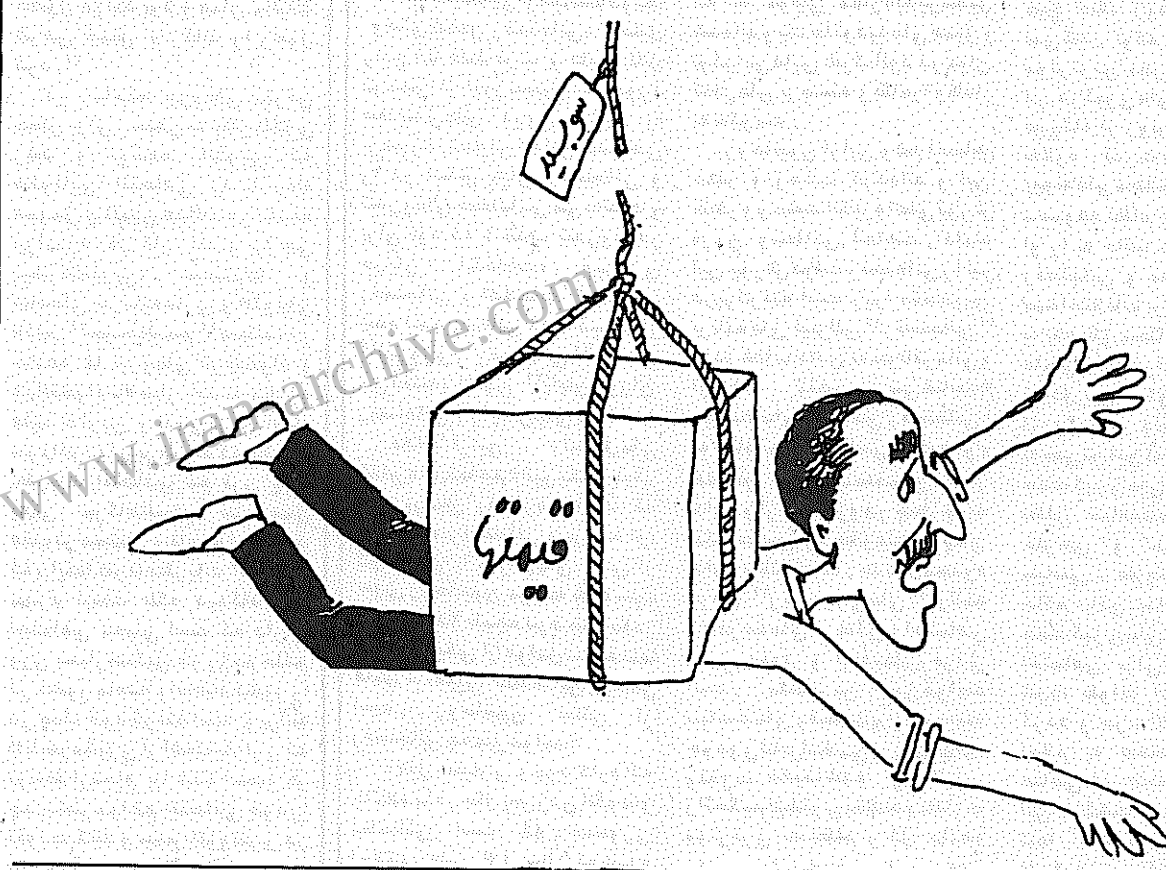

کارنامه یکساله مبارزه با قاچاق مواد مخدر

گسترش فعالیت سوداگران مرگ

سرتیپ زائری، معاونت امنیتی نیروی انتظامی فعالیت این نیرو را در مبارزه با مواد مخدر در سال ۷۰ برشمرد و گفته است ۸۰ درصد از کل کشفیات مرفین طی سال ۱۹۹۱ متعلق به ایران بوده است. به گفته وی در سال ۷۰ متجاوز از ۲۰۰ باند فعال قاچاق مواد مخدر کشف و متلاشی شده و ۱۰ هزار نفر از فعالین این باندها دستگیر شده‌اند. علاوه بر این ۵۰ هزار نفر معتاد در سطح کشور دستگیر شده‌اند و مجموعا ۴۲ تن مواد مخدر کشف شده است. این رقم در مقایسه با سال ۶۹، ۷۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

معاون امنیتی نیروی انتظامی این کشفیات و دستگیری‌ها را نشانه هوشیاری، ایثارگری و موفقیت نیروهای انتظامی در مقابله با قاچاقچیان مواد مخدر نامیده. اما آنچه از سوی وی "موفقیت" در مبارزه با مواد مخدر نامیده شده است تنها نشانه ناتوانی جمهوری اسلامی در مقابله با گسترش روز افزون استفاده از مواد مخدر در سطح کشور است. اعدام ۲۰۰ شبکه قاچاق، دستگیری ۱۰ هزار تن از عاملین پخش مواد مخدر و ۵۰ هزار معتاد، کشف ۴۲ تن مواد مخدر در یکسال، که تنها بخشی از فعالیت وسیع قاچاقچیان است، نشانگر آن است که این پدیده شوم و هستی سوز تا چه حد در سطح کشور ریشه دوانیده و بر حجم ابعاد آن چگونه اضافه می‌شود. از وقتی که حکومت اسلامی سیاست اعدام‌های فوری و دسته جمعی قاچاقچیان را به مورد اجرا گذاشت، بارها وعده ریشه کن ساختن این بلای مهیب در ظرف مدتی کوتاه داده شد و امروز حجم کشفیات و دستگیری‌ها نشانگر آن است که حکومت اسلامی برخلاف ادعاهایش در ریشه کن ساختن اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هیچگونه موفقیتی نداشته است.

مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر امری ضروری است که در جمهوری اسلامی علیرغم خشونت‌های فراوان و اعدام‌های بیشمار هیچ گاه به شیوه‌ای موثر پی‌گیری نشده است. زیرا مراجع و گروه‌های متعدد قدرت خود بدین کار آلوده‌اند و سرنخ بسیاری از گروه‌های بزرگ قاچاق به این مراجع و گروه‌های قدرت وصل است و همین امر کار مبارزه با آنان را دشوار می‌سازد.

اما حتی اگر سیاست سرکوب و اعدام‌های گسترده با قاطعیت بیشتری نیز پی‌گیری شود، نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد، زیرا اعتیاد یک بلای اجتماعی است و ناهنجاری‌های اجتماعی زمینه بروز و گسترش آن است. فقر، بیکاری، فشارهای روانی، عدم برخورداری جامعه به ویژه بخشهای جوان از سرگرمی‌ها و تفریحات سالم از جمله عوامل زمینه ساز اعتیاد هستند. معاون امنیتی نیروهای انتظامی، به گوشه‌هایی از این واقعیت اشاره کرده و می‌گوید: "استضعاف در میان مرزنشینان مناطق جنوب و نفر در میان آنان از عمده‌ترین اهرم‌های موثر قاچاقچیان است. در صورتی که مشکلات بیکاری و معیشتی آنان به طرق قانونی رفع شود، مشکلات موجود و فراروی مبارزه تا حد بسیار بالایی مرتفع خواهد شد."

سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم که به ایجاد و تشدید ناهنجاری‌های فراوانی در سطح جامعه منجر شده، بهترین محمل را در اختیار قاچاقچیان بزرگ و سوداگران مرگ قرار می‌دهد تا تارهای شوم شبکه‌های قاچاق و توزیع مواد مخدر را در همه جا و حتی در مدارس بگسترانند. برای مقابله با این پدیده هستی سوز، در کنار مبارزه مستمر با سوداگران مرگ باید زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی این پدیده را از میان برداشت. آمار روزافزون باندهای متلاشی شده و افراد دستگیر شده نشانه موفقیت در مبارزه با قاچاق مواد مخدر نیست، نشانه گستردگی و بقای این پدیده شوم است!

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

کالاهای کوپنی هم تدریجا حذف میشوند

مسئولین حکومت جمهوری اسلامی کالاهای کوپنی را تدریجا حذف می‌کنند. آنها درسخنرانی‌هایشان مرتبا تکرار می‌کنند که "سوبسید کالاهای اساسی و کوپنی کمافی‌السابق پرداخت می‌شود و نظام سهمیه‌بندی تداوم خواهد یافت" ولی در واقعیت و بدون آنکه رسما اعلام کنند سیستم توزیع کالاهای اساسی از طریق کوپن را کنار می‌گذارند. به طور مثال می‌توان حذف کوپن کره و مرغ و تخم‌مرغ را نام برد. آنها برای حذف هر کوپن ابتدا فاصله اعلام تاریخ شماره‌های کوپن را زیادتر کرده و سپس با عادی شدن مسئله در بین مردم، آن را از لیست خارج می‌سازند. در سال ۶۹ تقریبا ۸ دوره کوپن شهری برای پنیر اعلام شد که در سال ۷۰ به ۶ دوره کاهش یافت و این زمزمه الآن شنیده می‌شود که در آینده نزدیک کوپن پنیر هم از لیست کالاهای کوپنی حذف خواهد شد. درسال ۶۹، ۱۴ دوره کوپن روغن نباتی، ۸ دوره پودر لباسشویی، ۸ دوره صابون، ۳ دوره برنج و ۱۱ دوره کوپن گوشت شهری (خاص تهران) اعلام شد که در سال ۷۱ به ترتیب به ۱۲ دوره کوپن روغن نباتی، ۴ دوره کوپن پودر لباسشویی، ۴ دوره صابون، ۲ دوره برنج و ۹ دوره کوپن گوشت کاهش یافت. وضعیتی که در زمینه اعلام کوپن‌های نفت سفید در زمستان سال گذشته رخ داد، این ظن را در مردم ایجاد کرده که کوپن نفت سفید در سال جاری حذف خواهد شد.

در مورد کوپن مرغ و تخم مرغ پس از چند ماه وقفه در اعلام آن، بالاخره رئیس سازمان برنامه و بودجه حذف آن را از لیست کالاهای کوپنی به اطلاع مردم رساند و اظهار داشت که سوبسید آن به‌طور مستقیم پرداخت خواهد شد. قبل از حذف هر ۴۵ روز یکبار سهمیه تخم‌مرغ و هر دو ماه یکبار سهمیه مرغ اعلام می‌شد. اما اکنون "سوبسید مستقیم" با گذشت بیش از ۱۲ ماه تنها به ازای یک دوره و هر نفر ۱۵۰۰ ریال پرداخت شده است. در حالی که باید معادل ریالی حداقل ۴ دوره کوپن مرغ و ۶ دوره کوپن تخم مرغ پرداخت می‌شد.

در مورد کوپن گوشت مسئولین ستاد بسیج اقتصادی می‌گویند "به محض آمادگی سازمان گوشت، کوپن مربوطه اعلام خواهد شد." از سوی دیگر مسئولان سازمان گوشت می‌گویند، آمادگی تامین گوشت را داراهستیم ولی امور اجرایی ستاد بسیج اقتصادی از اعلام شماره کوپن آن خودداری می‌کند. اخیرا بعد از چند ماه کوپن گوشت را اعلام کردند.

زمانیکه شماره کوپن کالاها اعلام می‌شود در موارد قابل توجهی سهمیه آن در مغازه‌ها موجود نیست. خانواده‌ها مرتبا به مغازه‌های مربوطه سر می‌زنند ولی موفق به تهیه آن ها نمی‌شوند و کوپن‌ها در دست آنها باد می‌کند. در پاره‌ای موارد تا مهلت پایان اعتبار و حتی پس از انقضای تمدید آن نیز موفق به دریافت کالای کوپنی نمی‌شوند. بخشی از اقشار زحمتکش جامعه با فروش برخی از کوپن‌های خود، نیازهای ضرور از جمله هزینه‌های پزشکی و دارو را تامین میکردند. اکنون با کمبود کالاهای کوپنی ارزش کوپن‌ها هم پایین آمده است و یا اینکه بفروش نمی‌رسد.

در مواردی فروشندگان تمام یا بخشی از کالاهای کوپنی را در اختیار مردم نمی‌گذارند و آنها را به قیمت بازار آزاد به مشتریان خاص خود می‌فروشند و پول‌های کلانی به‌جیب می‌زنند. آنها از دستفروشی‌ها کوپن‌های باطله را خریده و به اداره مربوطه تحویل می‌دهند.

نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی با وجود اشکالات فراوانش، در طی سال‌های جنگ ایران و عراق و در سال‌های اخیر کمکی به تامین معاش اقشار کم درآمد جامعه بود. گرچه میزان کالاهای کوپنی کم بوده و تهیه آن با مشکلات فراوان همراه است، با این وجود مردم می‌توانستند با قیمت دولتی برخی از کالاهای اساسی را تهیه نمایند. زمانی که کوپن کالایی حذف میشود عملا آن کالا از لیست مواد غذایی اقشار کم درآمد جامعه نیز کنار می‌رود چرا که آنها قادر به تهیه کالا باقیمت بازار آزاد نیستند. مسئولین حکومتی مرغ را از نظام سهمیه‌بندی خارج ساختند و وعده دادند که قیمت آن را در حد معقول ثابت نگه خواهند داشت. ولی در بازار قیمت آن شدیدا بالا رفت و سوبسید آن هم به‌طور مستقیم پرداخت نشد.

در شرایط کنونی دولت رفسنجانی از یکسو دائما قیمت خدمات و کالاهای دولتی را بالا می‌برد و بالنتیجه قدرت خرید مردم مرتبا در حال کاهش است و از سوی دیگر بانحاء مختلف در صدد حذف تدریجی کالاهای کوپنی است. با این وضع فشار بر مردم به‌حد غیر قابل تحمل می‌رسد و مردم سر به عصیان بر میدارند. شورش‌های اخیر این مسئله را نشان داد.

۶۰ درصد زندانیان کشور را معتادین تشکیل میدهند

لاجوردی مسئول امور زندانهای کشور، طی مصاحبه‌ای اعلام کرد ۶۰ درصد از زندانیان کشور معتاد به مواد مخدر هستند که ۲۰ درصد از این مجموع را زنان و دختران تشکیل میدهند. وی در توضیح این رقم کلان "سرخوردگیهای اجتماعی" را مهمترین عامل گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد خواند، اما در عین حال مدعی شد بیشترین سرخوردگی این افراد از خانه و خانواده و عدم صمیمیت بین افراد خانواده است. لاجوردی استفاده از دواهرم زور و فشار و برنامه‌های فرهنگی و تربیتی را وسائل لازم برای مقابله با غول اعتیاد خواند.

www.iranarchive.com

ارتجاع همه سویه

بهزاد کریمی

آذری قمی جزو آخوندهائی است که دارای موضع اجتماعی و خط فکری معینی است. تامین منافع تجار بازار در اقتصاد کشور، تامین حاکمیت مطلق ولایت فقیه و سیادت حوزه و روحانیت سنتی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور و تاکید بر فقه سنتی بمثابه زیربنای همه قوانین و مقررات در جامعه، ارکان اصلی تفکری است که این شخص همواره مبلغ و مروج آن بوده است.

اما چنین نیست که او در هر اوضاع و احوالی لخت و عریان پامیدان بگذارد و یا در برابر تمدیدها میدان خالی نکند. وقتی خمینی سجود و رکوع را به راست سمت می‌داد، آذری قمی موذن مناره‌ها بود و هنگامیکه ''امام'' دم از ''مستضعفان'' میزد و ''خشکه مقدس‌ها'' را به ترکه می‌بست، آنگاه برای وی دوره تقیه فرامی‌رسید.

اینک، بدنبال پیروزی‌های سیاسی بدست آمده برای روحانیت سنتی بویژه فضای پدید آمده از پی سخنان خامنه‌ای، آذری قمی دست به تاخت و تاز زده است.

او در شماره‌های پنجم و ششم مرداد ماه روزنامه رسالت، در مقاله‌ای تحت عنوان ''سخنی با نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی'' با کشاندن رشته سخن به عرصه اقتصاد، ضمن تاکید بر خصوصی کردن همه امور بمثابه راه حل اساسی برای اقتصاد کشور، می‌گوید: ''باید کارهای بزرگ و کوچک اقتصادی به بخش خصوصی واگذار شود و حتی کارهای بزرگ و مادر که هم اکنون در دست دولت است فورا و بدون صرف وقت به بخش خصوصی واگذار شود... مخابرات، پست با تمام اتساعش، سدها، فاضلاب‌ها و هر چه به شکل دولتی اداره می‌شود، به بخش خصوصی واگذار شود.'' و در ادامه همین سخنان می‌گوید که: ''توزیع را نیز باید فقط به بخش خصوصی واگذار کرد.''

چنین است حاصل نقد آذری قمی از اقتصاد کشور در دوره حاکمیت رژیمی که بازاری‌های خرپول را به ثروت‌های نجومی رسانده است. همان بازاری‌هایی که سهم عظیم نقدینگی بخش خصوصی با رقم متجاوز از دو هزار میلیارد تومان را در چنگ دارند و بهیچوجه حاضر نیستند از سودهای آسان و کلان انگلی دل بکنند و در عرصه‌هایی سرمایه‌گذاری بکنند که به سود کل جامعه و اقتصاد ملی هم باشد.

نظام سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم، به همت هوشمندانی از این نظام که به نقد و بررسی بحران‌های این نظام چه در محدوده‌های ملی- کشوری و چه در گستره جهانی پرداختند و درس‌هایی از خود این نظام و تاثیرهایی از دستاوردهای جنبش‌های سوسیالیستی گرفتند، دستخوش تحولاتی در ساختار خود شد و مهمترین تحول آن بود که شرط شکوفائی اقتصاد بازار، حضور و دخالت‌های معینی از سوی دولت‌ها در بسیاری از امور اساسی و درشت و حتی گاه در موارد ریز اقتصادی است. بعلاوه، در جوامعی که سیر طبیعی انباشت سرمایه را پشت سر نهاده اند و لذا در آنها توان کافی سرمایه گذاری توسط افراد و یا حتی مجتمع‌های خصوصی وجود ندارد، حضور نیرومند دولت در سرمایه‌گذاری‌های حیاتی یک شرط مسلم پیشرفت اقتصادی و مشخصا خود اقتصاد بازار است.

اما آخوند آذری قمی که دیدگاه اقتصادی خود را مستقیما از نحوه نگرش یک مشت بازاری متشرع عادت کرده به سود اندوزی کلان و آسان می‌گیرد، به واقعیات تاریخی و امروزین نظام سرمایه‌داری کاری ندارد و میگوید که ''اینها چیزهایی نیست که من یا دیگری از راه کارشناسی به آنها رسیده باشیم. مطالبی است که فقهای ما رضوان الله تعالی علیهم آنها را به عنوان احکام اسلام پذیرفته‌اند. نکند که بعضی از ما ندانسته با مستکبرین همزبانی داشته باشیم و اسلام را عاری از نظام اقتصادی بدانیم.'' او از این مقدمه نتیجه می‌گیرد که: ''اسلام نه سوسیالیسم است و نه سرمایه‌داری و باید به صورت انقلابی، اقتصاد کشور اسلامی شود'' و از جمله راه حل‌هایی که او برای این ''اقتصادی اسلامی'' برمیشمرد، عبارتست از: ''بازکات و اوقاف و وصیتها و افاقات مستحبه و واجبه میتوان امور مربوط به یک کشور را حل کرد''! آذری قمی، برای اثبات شفا بخش بودن نسخه‌های برگشت به هزار و چند صد سال قبل، از پنجاه سال پیش مثال می‌آورد و می‌گوید. ''اگر پنجاه سال به عقب برگردید لوله‌کشی آب نجف را مرحوم بوشهری انجام داد و این مسئله در کشورهای اسلامی قابل پیاده شدن است.''!

اما همانگونه که فوقا توضیح داده شد، درد آذری قمی را باید در جای دیگری جستجو کرد:

''یکی از موانع توسعه اقتصادی، هزینه‌های سنگین تولید از مالیات‌های قانونی و غیرقانونی است که بدون توضیح بیشتر و ذکر آمار و ارقام، قیمت تمام شده را بالا می‌برد که حتما باید حذف شود و منتظر بهره‌برداری و فروش و حصول درآمد بود و همان مالیات شرعی خمس و زکات را وصول کرد.''

در زمانیکه نیروهای مترقی جهان برای رسیدن به چنان الگوی رشد و توسعه الگویی که شکوفایی اقتصادی را با رفاه عمومی و تامین عدالت در جامعه درآمیزد- در کار نقد و بررسی پیشرفته‌ترین سیستم‌ها و نهادهای سرمایه‌داری و الگوهای ناکام ''سوسیالیسم'' هستند، در جامعه ما نیروهای ترقیخواه و عدالتخواه بالاجبار باید به مبارزه علیه بدترین و بدوی‌ترین افکار سودآگرانه‌ای برخیزند که حتی از نظریات اقتصادی سه قرن پیش یعنی مرکانتالیسم نیز بسی عقب‌تر هستند و فاجعه اینجاست که، اینها صرفا نظریات اقتصادی مجرد نیست بلکه دیدگاه قشر اجتماعی معینی است که دارای وزن بسیار سنگین در رژیم حاکم در کشور ماست و اقتصاد کشور را در چنگ خود گرفته است و برآنند تا با بهره‌گیری از آشفته بازاری که توسط ارتجاع بپا شده است، هر چه بیشتر مواضع اقتصادی خود را تقویت کنند و سهم افزونتری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مشی اقتصادی حاکم داشته باشند.

''حزب الله'' از رفسنجانی چه میخواهد؟

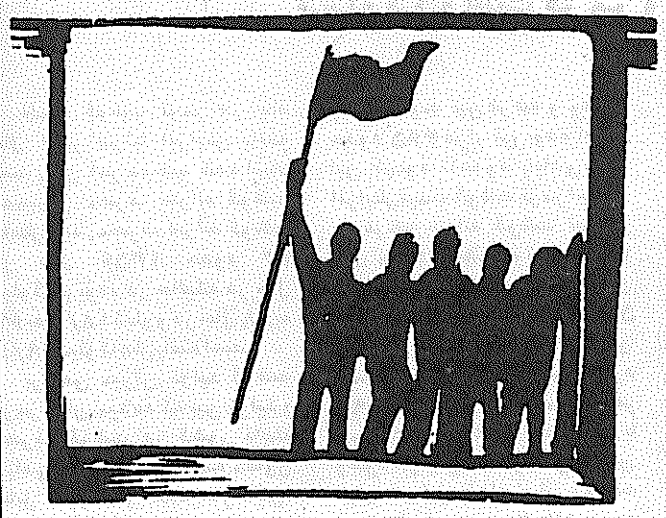

ف. تابان

دوره تازه تهاجم ارتجاعی متحجرین نه تنها به هر آنچه نشانی از دگراندیشی و نافرمانی دارد، بلکه به جنبه‌هایی از سیاست دولت و حتی شخص رفسنجانی، تحلیل رایج اما غلط غرب و طیف قابل توجهی از اپوزیسیون در مورد صف‌بندی‌های درون رژیم را برهم زد. تحلیلی که این صف‌بندی را در اساس میان رفسنجانی و تندروهای خط‌امامی می‌دانست و برآن بود که با حذف تندروها در جریان انتخابات، پیروزی رفسنجانی و اصلاحات او تامین شده است. کسانی که تا دیروز از ''پیروزی رفسنجانی'' سخن می‌گفتند، اکنون ''پایان دوران رفسنجانی'' را پیش‌بینی می‌کنند!

جدا از این تحلیل‌های شتابزده، تهاجم اخیر یکبار دیگر این پرسش را تازه ساخت که سرنوشت رفسنجانی و برنامه او، که اکنون با تعرض‌های جدی از سوی روحانیون مواجه شده - چه خواهد شد؟ نتیجه نبرد جناح‌ها در حکومت یکی از عوامل - و نه تنها عامل - تعیین کننده این پرسش است. روحانیون سنتی از رفسنجانی چه می‌خواهند؟

دلایل بسیاری وجود دارد که جامعه ما در حال پس‌زدن الگوها و مناسباتی است که جمهوری اسلامی طی ۱۴ سال کوشیده است بر کشور تحمیل کند. سرپیچی از فرامین اسلام و نظام در همه اشکال و سطوح شدت گرفته است. از هرگوشه صدا و نغمه‌ای بلند است که پایه‌های بنای ولایت فقیه را سست می‌کند. یکجا شورش‌ها و انفجارهای گرسنگان و بی‌خانمان‌ها و مردم بجان آمده، یکجا کتاب‌ها و فیلم‌ها و نشریات که به موجی مهارناپذیر تبدیل شده‌اند و یک جا تردیدهای عمیق و نوگرایی‌هایی شرک‌آلود در میان کادرهای برجسته و ظاهرا وفادار به حکومت.

روحانیون از این وضع احساس خطر و وحشت کرده‌اند و این خطر و وحشت انگیزه اصلی یورش قرون وسطایی آنهاست. دامنه این یورش دولت رفسنجانی را نیز دربرگرفته است زیرا متحجرین برنامه‌های لیبرالی ''رفسنجانی'' را در شتاب دادن به جو نافرمانی و ارتداد مقصر می‌شناسند. سیاست‌های اقتصادی رفسنجانی - به مثابه هسته اساسی برنامه او و اعتراض جدی مهاجمین قرار ندارد و از همین رو در چهارچوب امکانات موجود حکومت هم‌چنان ادامه یافته است. هدف، محدود کردن ''زیاده‌روی‌های'' برنامه در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر حقوق و آزادیهای فردی است. متحجرین می‌خواهند سیاست‌های رفسنجانی را به دست خود وی لباس اسلامی‌تری بپوشاند و قدرت ضعیف شده روحانیون را تحکیم بیشتری بخشند و نظارت موثرتری به، نظام و کل جامعه رکن دیگر این برنامه یعنی سیاست خارجی آن، مورد اعمال کنند.

رفسنجانی اگر بخواهد در اجرای برنامه خود رادیکال باشد و عواقب آن را بپذیرد، باید در برابر روحانیون و رهبر بایستد. نتیجه چنین ایستادگی بروز بزرگترین شکاف در حکومت خواهد بود. اما تجربه نشان داده که رفسنجانی در هیچ جنگ رودر رویی شرکت نمی‌کند. او که همواره یکی از موثرترین مهره‌های رژیم بوده، در درگیری‌های پرشمار درونی هیچ‌گاه از روبرو نجنگیده است. بعلاوه قدرت طلبی‌های او و پیوندهای محکمش با روحانیون و مجموعه نظام عواملی هستند که او را به جانب سازش می‌کشانند. رفسنجانی و متحجرین علیرغم همه اختلافات برای ادامه حکومت به یکدیگر محتاجند و این احتیاج عاملی است برای ایجاد توازن و تعادل بین آنها؛ خواسته‌هایی که از یکدیگر دارند. از این رو بدیهی‌تر این است که برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی کنونی، نظیر سیاست‌های اقتصادی و خارجی و سرکوب نیروهای سیاسی - هم‌چنان برنامه رسمی حاکم باقی بماند، و اجرا شود، جهت‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی برای دوره‌ای تعدیل شود، ظواهر امر بیشتر رعایت گردد و حزب الله که برای نجات اسلام به صحنه بازگشته، چند صباحی در صحنه باقی بماند. اما این بازگشت نه به نجات اسلام که تنها به افزودن بن‌بست‌ها و فلج‌کردن بیشتر رژیم کمک خواهد کرد.

باحلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود

بهروز خلیق

هاشمی رفسنجانی اخیرا از منطقه خدابنده که جزو مناطق محروم و عقب افتاده کشور است، بازدید به عمل آورد و برای مردم محروم این منطقه سخنرانی کرد و در این سخنرانی تصویری زیبا و خوش‌آیند از کشور ایران ارائه داد و گفت: ''کشور شما بهترین و راحت‌ترین کشورهای دنیا می‌باشد. کشورهای دیگر نه نعمت استقلال، نه نعمت دین، نه نعمت آزادی و نه نعمت قانون شما را دارند.'' رفسنجانی در ادامه سخنانش اظهار داشت: ''باید فرهنگ تظاهر به نداری از بین برود.''

باید از آقای رئیس جمهور پرسید که آیا واقعا وضع کشور ما چنین خوشایند بوده و مردم از تمام نعماتی که ایشان برشمردند، برخوردارند ولی کفران نعمت کرده و تظاهر به نداری می‌کنند، یا اینکه جامعه ما با فقر و فلاکت و انبوه مشکلات جدی روبرواست و به سوی فاجعه گام برمیدارد.

واقعیت‌ها تماما حاکی از آن است که فقر و نداری گلوی اکثریت مردم ما را می‌فشارد ''نداری'' نه تظاهر، بلکه عین واقعیت زندگی مردم است که همه روزه آن را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند.

فاکت‌های آماری و مشاهدات عینی حاکی از آنست که مردم ما روزبروز فقیرتر، مجروم‌تر و تنگدست‌تر می‌شوند. قیمت کالاها و خدمات به طور بی‌سابقه افزایش می‌یابد در حالیکه حقوق‌ها یا ثابت مانده و یا اندکی افزایش می‌یابند. به گفته مسئولین کشور تورم در سال ۷۰ حدود ۲۸ درصد بود. یعنی در سال گذشته از قدرت خرید مردم حدود یک سوم کاسته شده است. گفته می‌شود با توجه به افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، امسال تورم به ۵۰ درصد خواهد رسید. یعنی قدرت خرید مردم نصف خواهد شد.

این وضع بر جامعه و برزندگی مردم تاثیرات ناگواری می‌گذارد. آمارهای سال ۶۵ نشان میدهد که از جمعیت ۵۰ میلیونی، بیش از ۲۲ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند. گرچه آمارهای سال ۷۰ در دست نیست ولی با توجه به میزان بالای تورم، این رقم به طور یقین افزایش یافته است. در عین حال اقشار وسیعتری از جامعه به دایره فقر کشانده میشوند. فقر در کمین لایه‌های میانی جامعه نشسته است. بخش‌هایی وسیع از آنها مرتبا به زیر خط فقر سقوط میکنند

مطابق گزارش وزارت بهداشت و درمان تنها یک هفتم پروتئین لازم به افراد کشور می‌رسد، ۵۰ درصد کودکان ایرانی زیر ''خط آموزشی'' قرار دارند. ۳۲ درصد کودکان زیر ۵ سال از فقر غذایی رنج می‌برند. سالانه حدود ۸۱ هزار کودک در اثر سوء تغذیه و بیماریهای ناشی از آن می‌میرند. این وضع ناگوار، در خیلی از زمینه‌ها وجود دارد.

بعلاوه جمعیت کشور به طور شتابان افزایش می‌یابد نرخ رشد جمعیت در سطح خیلی بالا است. اقدامات دولت در دو سه سال اخیر در کاهش میزان رشد جمعیت، نتایج قابل ملاحظه‌ای نداشته است. تمام پیش‌بینی‌ها حاکی از آنست که جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. رشد انفجارگونه جمعیت امکانات موجود را می‌بلعد و بر فقر مردم می‌افزاید. اگر روزها بدین ترتیب پیش رود در سال ۸۵ وضع به مراتب فلاکت‌بارتری در کشور بوجود خواهد آمد.

جامعه ما با فاجعه فقر و فلاکت روبرو است این واقعیت گزنده را نمی‌توان به هیچ وسیله‌ای پوشاند. افق روشنی برای درآمدن از این فاجعه وجود ندارد. واقعیات تماما حاکی از آنست که دورنمای کشور ما نه جامعه‌ای مرفه و پیشرفته بلکه جامعه‌ای بشدت عقب‌مانده و فقرزده است. ایران می‌رود در ردیف کشوری نظیر بنگلادش قرار گیرد. این موضوع نه مسئله نیروهای اپوزیسیون، بلکه مسئله تمام کسانی است که به مردم و به کشورمان دل می‌سوزانند و از آینده آن بشدت نگرانند.

آقای رفسنجانی براین فاجعه چشم می‌پوشد و در همین سخنرانی می‌گوید: ''امیدوارم در آینده‌ای نزدیک شاهد یک کشور مرفه و زبانزد جهانی باشیم''. باید بایشان گفت که با ''حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود''. برنامه‌ای که توسط دولت ایشان در طی چند سال پیش رفته است به فلاکت بیشتر مردم انجامیده است و هم‌اکنون نیز با موانع جدی از جانب نیروهای واپس‌گرا مواجه شده است.

مرآنکس که به این کشور دل بسوزاند بیش از اینکه مردم را خواب کند و بهشت برین را برای آنها وعده دهد، باید واقعیات تلخ را با همه گزندگی آن مطرح سازد. راه حل آماده و پخته نشده برای غلبه بر این فاجعه وجود ندارد. ناتوانی برنامه رفسنجانی در حل این معضل آشکار و عیان است. فاجعه فقر و فلاکت باید به عنوان مسئله مبرم و جدی جامعه ما مطرح و برای غلبه بر آن راه‌جویی شود. بدون بکارگیری اندیشه، تخصص و نیروی بازوی تمام مردم ایران نمی‌توان بر این مشکل فائق آمد. اما سدهای موجود در عرصه سیاسی نمی‌گذارد که اندیشه‌ها و نیروها روی هم ریخته شود و از سقوط ایران به ردیف کشورهایی نظیر بنگلادش ممانعت به عمل آید و آینده‌ای بهتر برای مردم کشورمان پی‌ریزی گردد.

اصول ثابت توسعه سیاسی

از اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی . فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱

نوشتهٔ: دکتر محمود سریع القلم

استادیار دانشکدهٔ اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

الف: مقدمه:

□ هدف این مقاله بر شمردن اصولی است که بر پایه آنها یک جامعه علاقمند به توسعه به معنای عام، می تواند در میدان توسعه فکری و سیاسی به برنامه ریزی و فعالیت بپردازد. به عبارت دیگر، سعی می شود به این پرسش پاسخ داده شود که در چه شرایطی می توان یک جامعه را از لحاظ سیاسی، توسعه یافته قلمداد کرد و یا چه شاخصهایی می توان در پی شناسایی جامعه ای بود که از حیث سیاسی، در میدان تکامل و پیشرفت قدم نهاده است. فوق العاده با اهمیت است که در این چارچوب، تفاوتی میان مسائل شکلی و ساختاری توسعه سیاسی و محتوای توسعه سیاسی قایل شویم. به عقیده نویسنده، شکل و ساختار هر حکومتی می تواند تا اندازه قابل توجهی مستقل از محتوای سیاسی آن مورد بحث قرار گیرد. طبیعی است که این دو مورد به هم مرتبط می باشند. اما برای حل این قضیه، دست کم در حدی که می خواهیم به مباحث این مقاله بپردازیم، این گونه قضاوت خواهیم کرد که شکل و ساختار حکومت می تواند جنبه قراردادی داشته باشد، و در حالی که محتوای سیاسی یک جامعه می تواند و ضروری است که با برنامه ریزی و فعالیتهای دقیق و منسجم به سمت تکامل پیش رود، جامعه ای موفقتر است که محتوای سیاسی آن از شکل سیاسی آن سریعتر حرکت کند.

مفروض اول مقاله اینست که توسعه سیاسی به دلیل چندبعدی، جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده ترین سطح توسعه یک جامعه است. مفروض دوم مقاله اینست که بخاطر تابع بودن توسعه اقتصادی نسبت به توسعه سیاسی با توجه به شرایط و تحولات فعلی بین المللی، تا زمانی که وضعیت عمومی و تکلیف قانونی توسعه سیاسی در قالب یک جامعه حل و فصل نشود، ابعاد دیگر توسعه به صورت کیفی، تکاملی و موفقیت آمیز، متحقق نخواهند شد. این مقاله، دوازده اصل را زمینه ها و شاخصهای توسعه سیاسی قلمداد می کند. این دوازده اصل عبارتند از:

۱ـ فردگرایی مثبت باید تشویق گردد.
۲ـ تفکر از زمینه های استقرایی قوی برخوردار باشد.
۳ـ تفکر، متاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد.
۴ـ آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد.
۵ـ عموم مردم، منطق و شیوه های کار جمعی را بیاموزند.
۶ـ هویت عمومی جامعه فوق العاده قوی و مستحکم باشد.
۷ـ علاقه به جامعه و به دنبال آن قانون پذیری در میان مردم بنیادی باشد.
۸ـ منافع هیات حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم همسو باشد.
۹ـ دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهای غیر دولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند.
۱۰ـ آرامش اقتصادی وجود داشته باشد.
۱۱ـ تصمیم گیری مبتنی بر اصلاح نگری و اصلاح پذیری باشد.
۱۲ـ انتخاب افراد براساس رقابت توانایی و لیاقت صورت گیرد.

شیوه دستیابی به اصول دوازده گانه فوق جنبه منطقی و استقرایی دارد و یک جامعه را از فراز کره ارض با توجه به ارزشهای انسانی مد نظر قرار می دهد. مصادیق بعضی از این اصول در برخی جوامع وجود دارد اما مجموعه اصول به صورت یک سیستم سیاسی از مصداق خاصی برخوردار نیست. مقصود ما تلفیق نظریه با اصول و ارزشهای انسانی است بگونه ای که مبانی تئوریک توسعه سیاسی با آرمانهای عام انسانی ادغام گردد و حرکت تکاملی جامعه را در مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً به سوی توسعه سیاسی جلوه گر سازد. این است استنباطی که نویسنده از یک جامعه توسعه یافته سیاسی دارد. ذیلاً پس از نگاهی اجمالی به نظریه های توسعه سیاسی، به تشریح و تجزیه و تحلیل اصول دوازده گانه یاد شده برای دستیابی به توسعه سیاسی خواهیم پرداخت.

طبیعی است جامعه ای که در مسیر توسعه و بهبود حرکت نکند در جمود بسر خواهد برد. به عبارت دیگر، واژه و مفهوم توسعه که هم اکنون عامترین حالت را در متون علوم انسانی به خود گرفته است، جدید نیست بلکه قدیمی بوده و سابقه آن به شروع زندگی انسانی باز می گردد. از آنجا که شکل و محتوای توسعه در دهه های اخیر، شدت و سرعت و کیفیت بی سابقه ای پیدا کرده است، مفهوم توسعه جنبه همگانی و به صورت مخرج مشترک تمامی مسائل علمی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و سیاسی تلقی شده است[۱].

رونالد چیلکوت معتقد است که نظریه های توسعه سیاسی را به سه قسمت یا گروه می توان تقسیم کرد: ۱) آن دسته که توسعه سیاسی را با دمکراسی مترادف می دانند، ۲) آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته اند، ۳) آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحرانها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند[۲]. به نظر می آید که این تقسیم بندی جامعترین تقسیم بندیها باشد. نظریه پردازان گروه اول که از میان آنها کارل فریدریک، جیمز برایس، لوسین پای، سیمور لیپست و آرتور اسمیت را می توان نام برد، در مجموع به پارلمانتاریسم، انتخابات، کثرت گرایی، نظامهای سیاسی چند حزبی و نظام سیاسی رقابتی، اقتدار قانونی نظام یافته، آزادی مطبوعات، توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی به عنوان شاخصهای اصلی توسعه سیاسی اشاره کرده اند[۳].

گروه دوم، سعی بر ان داشته اند که میان تغییر و توسعه سیاسی ارتباط ایجاد نمایند. از تحقیقات کلاسیک در این رابطه، می توان کار فردریگز، لوئیس کوزر و رابرت نیسبت را نام برد. این دسته از نظریه پردازان به نظریه های تغییر و تحول، کشمکش اجتماعی، فراز و نشیبهای تغییر در جوامع مختلف و تغییر و تحول به عنوان نیاز طبیعی انسانها و جوامع توجه نموده اند[۴]. گروه سوم از نظریه پردازان که در رابطه با توسعه سیاسی، کار تئوریک کرده اند، شامل افرادی مانند لئونارد بایندر، جیمز کلمن، جوزف لاپالومبارا و سیدنی وربا می باشد. این گروه به کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی مانند پدیده ظرفیت اجتماعی ـ سیاسی، عدالت و تقسیم امکانات و منابع و نهایتاً طبقات اجتماعی ـ سیاسی پرداخته اند. شیوه های تقسیم قدرت، رقابت در کسب قدرت و شیوه های برخورد هیئتهای حاکمه با بحران و مشروعیت سیاسی از دیگر زوایای تحقیقاتی این گروه از محققین می باشد[۵].

به گفته چیلکوت[۶]، موضوعات و زوایای تحقیقاتی گروه دوم، کمتر از دو گروه دیگر مورد تفحص قرار گرفته است. به نظر می آید که مشکل چارچوب دوم، بیشتر جنبه متدلوژیک داشته باشد تا محتوایی. مقاله حاضر، از لحاظ تقسیم بندیهای فوق، در قالب دوم قرار می گیرد زیرا تغییر را اولاً طبیعی تلقی می کند و ثانیاً آن را در یک سیر طولانی و دراز مدت میسّر و عملی می داند و بالاخره، سعی دارد تا با اصلاحات مناسب، منطقی و برنامه ریزی شده به آن دست یابد. هر چند سه گروه از محققین در مطالعات و نتایج ارائه شده، هم به تحلیل پرداخته اند و هم به توصیه و ارائه پیشنهاد، ولی به عقیده نویسنده، جنبه شناختی و علمی گروه دوم که به تغییرات تدریجی و آگاهانه هیئتهای حاکمه و گروههای صاحب نفوذ و نهایتاً جوامع عنایت دارد، به مراتب قویتر است. ذیلاً، به بررسی یکایک اصول دوازده گانه توسعه سیاسی می پردازیم.

ب: بحث

۱ـ فردگرایی مثبت باید تشویق گردد. منظور از فردگرایی مثبت اهمیت دادن به انسانهاست تا صاحب شخصیت، فکر و خلاقیت شوند. روشن است که فردگرایی به معنای مطلق آن و به معنای خود محوری و خودبینی مطلوب یک جامعه انسانی نیست. همچنین فردگرایی به شیوهٔ رایج در جوامع غربی، یعنی دفع خانواده و دفع ارزشهای فراانسانی نیز شایسته نیست. اگر انسانها به تناسب امکاناتی که فضای فکری جامعه، نظام آموزشی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ خانواده و برنامه ریزی عمومی جامعه در اختیار آنها می گذارد به کشف استعدادها، ارتقاء اعتماد به نفس، تفکر و عادت به فکر کردن و اعتلای شخصیت و کاراکتر فردی خود بپردازند، طبیعی است جامعه ای که از این نوع انسانها تشکیل می شود، جامعه ای آگاه تر، فکورتر و متکی تر به خود خواهد بود. توسعه سیاسی زمانی میسر است که افراد یک جامعه بعنوان مهمترین واحد آن، خود و جامعه خود را بخوبی بشناسند و از درجه فکری، آگاهی و اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشند. بنابراین، منظور ما از فردگرایی مثبت اینست که افراد با توجه و تکیه به خود، شخصیت فردی و اجتماعی خویش را تقویت کنند و آگاهانه با مسائل جامعه ای که در آن زندگی می کنند، برخورد نمایند[۷].

۲ـ تفکر از زمینه های استقرایی قوی برخوردار باشد. بهره گیری از روش استقراء در استنباط و استنتاج، میدان آزادتری به شخص علاقمند و کنجکاو عرضه می دارد، پیشداوری را تقلیل می دهد و انسان را از برخوردهای طبقه بندی شده، قالبی و کلیشه ای دور می کند. فرق عالم و عامی اینست که اولی قضایا را با دقت خاص و بگونهٔ شناختی می نگرد، در حالی که شخص عامی از کلیشه های موجود ذهنی خود بهره برداری و کمتر به قوه عقلیه رجوع می کند. استقراء روشی است که تمرین آن و نهادی شدن آن در افراد فکور و با شخصیت، سطح دقت و ظرافت فکری و شیوه فهم و نتیجه گیری آنها را به نحو قابل توجهی ارتقاء می دهد. بیش از این گفتیم که توسعه سیاسی بالاترین و پیچیده ترین سطح توسعه است. به عبارت دیگر، دقت فکری انسانها در این سطح از توسعه، در حد اعلای خود قرار دارد. بنابراین، تفکر استقرایی می تواند در تربیت و تقویت ذهن و دقیقتر، علمی تر و بازتر شدن آن مؤثر واقع شود[۸].

۳ـ تفکر متاع عمومی و تخصص متاع خاص باشد. جامعه ای به طرف توسعه حرکت می کند که مردم آن از قوه عقلی خود بیشتر استفاده کنند. بنابراین، عقل و فکر یک پایه مهم توسعه چه در بُعد اجتماعی ـ اقتصادی و چه در بُعد سیاسی می باشد. تولید، خدمات، بوروکراسی کار آمد، نظم اجتماعی، محاسبه درامور فردی و اجتماعی و برنامه ریزی، عمدتاً مبتنی بر شیوه بهره برداری از قوه فکری و عقلی انسان است. هنگامی که عقل حاکم نباشد و اداره امور و برنامه ریزی ها و پیش بینی ها با احساس، تعصب و سوء محاسبه توام گردد، توسعه ای در کارنخواهد بود. بر اساس چنین برداشتی از جامعه رو به توسعه، تفکر و تعقل و پرورش ذهن محاسبه گر بایستی حالت همگانی پیدا کند و افراد چنان آموزش ببینند که در برخورد با جزئی ترین تا کلان ترین امور، به عقل و فکر اتکاء کنند. تا به حال صحبت از عقل عمومی کرده ایم. جوامع رو به توسعه به سمت تجزیه امور و نقشها و مسئولیتها می روند و بنابراین، عقل کلّی که قابل استفاده در تمامی مسائل است، کاربردی دقیق تر و تخصصی پیدا می کند. توسعه اقتصادی در سطحی فنی و کمّی، محتاج فکر عمومی و فکر تخصصی است اما توسعه سیاسی با مقیاسهای کیفی، به مراتب پیچیده تر است و با فکر عام و خاص سر و کار دارد. بر اساس بحث فوق، نتیجهٔ می گیریم که تفکر و تعقل از اجزاء اولیه و بنیادی حرکت فردی و جمعی به سمت توسعه سیاسی است.

۴ـ آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد. کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه، مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند[۹]. در نهایت، با توجه به روندهای موجود در نظام بین الملل، تفاوت بین کشورها از لحاظ سطح فرهنگ و آموزش و تربیت تخصصی مردم آنها می باشد. تجربیات چهار قرن توسعه، اندیشمندان را به این نتیجه رسانده است که توسعه در افزایش سرمایه، تکنولوژی، سطح در آمد و صادرات و صنعت خلاصه نمی شود، بلکه مهمترین رکن توسعه، مردم با فرهنگ می باشند. از آنجا که توسعه سیاسی مستلزم شخصیت و تحمل و تفکر است، بهترین آموزشهای علمی، دانشگاهی و همچنین اخلاقی را نیز می طلبد. بنابراین، نباید انتظار داشت که بدون آموزش، تعلیم و تربیت و صرف سالها وقت برای اصلاح رفتار انسانها و پرورش اندیشه های انسانی، جامعه ای متحول شود و در جهت بهبود و تکامل بیش رود. بجز توسعه اقتصادی که جامعه را به طور طبیعی به سوی سازمان یافتگی و همکاری جمعی سوق می دهد، تعلیم و تربیت و سیستم آموزشی پویا که از کادر فوق العاده قوی و صاحب کاراکتر برخوردار باشد، عامل مهم دیگری است که درهرم عوامل مؤثر و تعیین کننده و درعین حال پایدار، بر توسعه سیاسی تأثیر می گذارد.

۵ـ عموم مردم، منطق و شیوه های کار جمعی را بیاموزند. سیاست و مملکت داری و جنبه های مختلف آن از تصمیم گیری و سیاستگذاری گرفته تا اجرا، همه از کارهای دشوار جمعی است که ریشه در جهان بینی ها، اندیشه ها، منافع و سلیقه ها دارد. جوامع توسعه یافته از لحاظ سیاسی، جوامعی هستند که افراد در آن تعلیم یافته اند تا کار فردی و کار جمعی را از یکدیگر تمیز دهند زیرا هریک از این کارها، ویژگیها و مستلزمات خود را دارد. کار جمعی ضرورتاً خود محوری را به حداقل می رساند و به شکل گیری اندیشه ها، عکس العملها و تصمیمها، جنبه تدریجی می بخشد. در کار جمعی، دستیابی به اجماع تقدس می یابد و تقدس افراد کمتر می شود. در چنین جوّی، افراد مجبور خواهند بود بخشی از منافع خود یا گروه خود را کنار بگذارند و بخشی از منافع دیگران را بپذیرند. در کار جمعی، شخص از لحاظ روانی بیشتر به انتظار نتیجه نهایی بحثها و جدلهای گروهی خواهد نشست تا آنکه دیدگاههای خود را به فردی دیگر یا جمعی تحمیل نماید. کار جمعی، به درجات قابل توجهی از تحمل، بحثهای فکری، تعدیل منافع و همسویی فکری محتاج است و چنین پروسه ای، توسعه سیاسی را که جداً یک کار جمعی محسوب می شود، تسهیل خواهد کرد.

۶ـ هویت عمومی جامعه بسیار قوی و مستحکم باشد. این عامل و عامل بعدی از یکدیگر متأثرند به این صورت که اگر جامعه هویتی روشن و غیرقابل منازعه درمیان گروهها و اندیشمندان داشته باشد در جهتی حرکت خواهد کرد که مردم با علاقه به کار و فعالیت بپردازند. حال سؤال اینست که برخورداری از هویت قوی و پایدار تابع چه عواملی می باشد؟ به عقیده ما، برخورداری از یک هویت قوی و یا حرکت در مسیری که به کسب هویت قوی منتهی شود تابع اجماع نظر سه گروه می باشد: آنهایی که حکومت می کنند، آنهایی که فکر می کنند و آنهایی که صاحب امکانات و ثروت هستند. اگر میان این سه گروه توافق فکری و سیاسی، اعتماد متقابل و همسویی روشی وجود داشته باشد، نتیجه ای فوق العاده مثبت برای برنامه ریزیها، آینده نگریها و سرنوشت عمومی جامعه به بار خواهد آمد. توسعه، اجماع نظر می خواهد و تاریخ آشکارا مصادیق متعددی در این زمینه در اختیار ما قرار می دهد[۱۰]. هویت عمومی، ملی و ارزشی قوی تابع این اجماع نظر، در راس هرم سیاسی یک جامعه است. هنگامی که تکلیف فکری و روشی یک جامعه روشن شد، پرداختن به موازد دیگری که ما در این مقاله به عنوان عوامل مؤثر توسعه سیاسی نام برده ایم، میسر خواهد بود.

۷ـ علاقه به جامعه و به دنبال آن، قانون پذیری درمیان مردم بنیادی باشد. در چه شرایطی مردم یک جامعه، به وضعیت و سرنوشت و آینده جامعه خود علاقمند خواهند بود؟ به عقیده ما، زمانی که هدف از زندگی به طور ذهنی و عینی برای تمامی نسلها در یک جامعه روشن باشد، و در شرایطی این تعریف از حیات روشن می شود که سه گروه مذکور در بند ۶، در اثر تلاقی منافع و بحث و گفتگو و برخورد عقلایی با امکانات و کمبودهای جامعه، به توافق و اجماع نظر پایدار رسیده باشند. انسانها با امید زندگی می کنند، امیدی که در بیرون از ذهن، مصداق عینی داشته باشد. این ذهنیت وعینیت با روشن شدن اهداف ملی، منافع ملی و هویت عمومی متحقق می شود و انسانها به طور منطقی و با توجه به بافت جامعه ای که در آن زندگی می کنند، به کار و فعالیت می پردازند و با علاقه به جامعه و همنوعان و هموطنان خود می نگرند و حفظ و پیشرفت جامعه برای آنها تقدس می یابد. جامعه توسعه یافته سیاسی، جامعه ای است که در آن، تکلیف منافع ملی، هویت ملی و تعریف و هدف حیات معلوم شده باشد و این مفاهیم به کمک جوّ موجود تدریجاً صیقل یابد و روشن تر گردد. در چنین شرایطی است که قانون پذیری که اساس و پایه حفظ ارزشها و آرمانها به شمار میرود، مقبول می افتد و حساسیت افراد را برمی انگیزد.

۸ـ منافع هیئت حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم همسو باشد. در واقع این موضوع، به بحث مشروعیت سیاسی هیئت حاکمه یک جامعه مربوط می شود. زمانی یک حکومت مشروع است که ارزشها و اندیشه های عموم مردم با ارزشها و اندیشه های نخبگان جامعه در تضاد نباشد. مردم حکومت را از آن خود بدانند و حکومت نیز به طور نهادی شده، قانونی و مستمر، خود را در مورد عملکردش در برابر مردم پاسخگو بداند[۱۱]. مشروعیت سیاسی تابع کلیدی توسعه سیاسی است و تکامل سیاسی یک جامعه را روان می کند. اگر جامعه ای در زمینهٔ تعریف منافع ملی، منافع عمومی، و منافع هیئت حاکمه سردرگم و گرفتار تضاد و کشمکش باشد، فرصتی برای پیشرفت در مسیر توسعه پیدا نخواهد کرد و در دایره ای از ابهام و بلاتکلیفی حرکت خواهد نمود. تقارن منافع هیئت حاکمه با منافع و مصالح عموم مردم، نشانهٔ با اهمیتی از درجه اجماع نظر، نهادی شدن ارزشها میان تمامی اقشار جامعه و آرامش روابط مردم و حکومت است.

۹ـ دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهایی غیر دولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند. حکومتها، بیش از اقشار مختلف اجتماعی به قدرت می اندیشند و توجه می نمایند. این توجه خاص، منطقی و طبیعی است. اما اگر نیروها و عوامل تعدیل کننده ای در جامعه وجود نداشته باشد، زمینه های فکری و فرهنگی جامعه، چند بعدی نخواهد بود. جامعه ای به سمت توسعه سیاسی می رود که تنوع منابع قدرت را بپذیرد و از ابعاد مختلف روح و روان و فکر انسانها بهره برداری کند. اگر دولت تنها مجری این وظایف باشد، اقشار مختلف یک جامعه به دولت متصل شده و محافظه کار می شوند. اگر جامعه ای به ظهور جمعیتها، اصناف، انجمنها و بنیادهای مختلف فکری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میدان دهد، مشارکت و احساس و انگیزه و توانایی مشارکت درمیان مردم تقویت می شود، تشکل اجتماعی مفهوم می یابد و جامعه به طرف تولید فکر و فرهنگ و بحث و گفتگو حرکت می کند. بنابراین، زمینه های ظهور نهادهای غیردولتی، به جامعه تنوع می بخشد، بر ثبات آن می افزاید، اصلاح و تصحیح به همراه می آورد و میان دولت وملت، پلهای ارتباط منطقی را می نماید. در جامعه توسعه یافته از نظر سیاسی، دولت و ملت دو روی یک سکه اند.

۱۰ـ آرامش اقتصادی وجود داشته باشد. بطور یقین، تحقق این امر در شرایط سخت و پیچیده نظام کنونی بین الملل، بسیار دشوار است. دغدغه های مالی و اقتصادی، فرصت پرداختن به فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی را

ادامه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

گفتگو با
یک کارشناس مسائل ایران

اخیرا یکی از همکاران نشریه کار، مصاحبه‌ای با آقای پروفسور علی اوفلی، استاد آکادمی وزارت خارجه روسیه و معاون انجمن دوستی ایران و شوروی سابق ترتیب داده است که بیانگر دیدگاههایی در این کشور نسبت به مسایل ایران است. آنچه در زیر می‌آید، خلاصه شده این مصاحبه با آقای علی اوفلی است.

س) خواهش می‌کنم به‌طور مختصر خودتان را معرفی کنید.

ج) من پرفسور آکادمی وزارت خارجه و دکتر افتخاری دانشگاه تهران و دانشگاه کابل هستم. معلم تاریخ معاصر ایران و ادبیات فارسی، به‌عنوان مترجم چه پیش از جنگ جهانی و چه پس از آن جزو هیئت‌های رسمی دولت شوروی که به افغانستان و یا به ایران می‌رفتند بودم. و یا وقتی از این دو کشور هیئت‌هایی به ایران می‌آمدند، من به عنوان مترجم کار می‌کردم و به عنوان رایزن سیاسی نیز در این هیئت‌ها کار می‌کردم.

س) یکی از مهمترین مسائلی که در سطح بین‌المللی مطرح است، مسئله حقوق بشر است، می‌خواستم بدانم که تا چه حد، سیاست خارجی روسیه را در دفاع از حقوق بشر در کشورهای جهان می‌بینید. میدانید که حقوق بشر در کشور ما به شکل خشنی نقض می‌گردد. که این مسئله مورد تایید نمایندگان سازمان ملل نیز قرار گرفته است، ولی ما شاهد هیچگونه اعتراضی از طرف روسیه و یا دیگر جمهوری‌های جامعه دولت‌های مستقل نیستیم ولی مثلا در رابطه با اکو، می‌بنیم که رهبران روسیه با اپوزیسیون رژیم کوبا دیدار می‌کنند و اعلام می‌کنند که حتی ما از کوبا پناهنده می‌پذیریم. در اینجا آیا تضادی نمی‌بینید؟ سیاست خارجی روسیه واقعا در چه جهتی سیر می‌کند؟

ج) من اگر به‌طور کلی سیاست خارجی روسیه را به شما بگویم این است که همان سیاست سابق است. فقط فرقش این است که ما حالا مسئله سیاسی را در روابط خارجی از میان برداشته‌ایم، یعنی نظرات سیاسی را ما دیگر مراعات نمی‌کنیم. فقط نفع طرفین مطرح است، مثلا اگر به نفع ما باشد، با اسرائیل تجارت برقرار بکنیم برقرار می‌کنیم در حالی که ما در سابق می‌گفتیم که در اسرائیل حکومت ارتجاعی است و ظلم می‌کند و غیره یعنی این مسئله سیاسی را در روابط بین‌المللی تعقیب نمی‌کنیم، بقیه مسائل همانطوری است که سابق بود، یعنی ما می‌خواهیم روابط صلح آمیز داشته بشیم مخصوصا با سایر ملل. ما با جنگ مخالف هستیم، ما با تجاوز مخالف هستیم، اینها همه مثل سابق هست، اینکه شما فرمودید که راجع به کوبا و اینها و راجع به خاورمیانه، این بسته به فعالیت سازمان‌های اپوزیسیون این کشورهاست. مثلا پایگاه نیروهای اپوزیسیون کوبا در آمریکاست و اینها بیشتر می‌توانند خودنمایی کنند و خودشان را نشان بدهند، حالا حق به‌جانب هستند و نیستند، مسئله دیگری است ولی قوای مترقی، مثلا کشورهای خاورمیانه متلاشی شده‌اند در تمام اروپا و در تمام دنیا و یک مرکزی که بتواند مسائل را مطرح بکند، نیست. والا خوب در سازمان ملل متحد چندین بار دولت‌هایی که در خاورمیانه حقوق بشر را نقض می‌کنند تقبیح شده‌اند.

س) ولی نماینده پیشین شوروی رای مثبت نداد و اصلا از جلسه رای‌گیری خارج شد که ما نفهمیدیم این خود چه معنی می‌دهد؟

ج) معنی‌اش این است که ما نمیخواهیم روابطمان با کشورهای خاورمیانه بدتر بشود و خراب شود، اما می‌خواهیم که روابط عادی بوجود بیاید، چون بالاخره اینکه ما رای بدهیم یا حضور داشته باشیم چیزی تغییر نخواهد کرد، اینجا همه چیز مربوط به قوای داخلی این مملکت است که سیاست خودشان را پیش ببرند حالا نظرات دیگری هم هست. چون اکثر نمایندگان تا حالا برخلاف کشورهای بزرگی که ما با آنها دوست هستیم و شاید تا حدی محتاج به آنها هستیم، خلاف آنها رای بدهیم ممکن است که در میان ما هم یک اختلافات و بی‌اعتمادی بوجود آید.

س) ولی آمریکا به وضعیت حقوق بشر در ایران رای منفی داده است در حالیکه روسیه...

ج) لابد این عکس‌العمل سیاست سابق است. سابقا روابط برمبنای مسائل سیاسی و عقیدتی و مسلکی بود، غیر از این شاید رفقایی که سرکار هستند مشعول تجربه‌اندوزی هستند. آنها تجربه‌شان کم است و ممکن است بعضی وقت‌ها این هم دخالت داشته باشد، در هر صورت ببینیم در آینده چه خواهد شد.

س) استقرار دمکراسی در ایران یکی از حادترین مسائل امروز ماست، آیا این مبارزه برای دمکراسی و آزادی‌های سیاسی در ایران مورد حمایت رهبران جدید روسیه قرار می‌گیرد یا نه؟

ج) من می‌خواهم بگویم فعلا تا امروز به این امر بی‌تفاوت هستند به اینکه در ایران دمکراسی هست یا نیست بی‌تفاوت هستند. یعنی نه انتقاد شده و نه پشتیبانی شده است از وضع ایران. چون ما خودمان هم دمکراسی‌مان لنگ است. مثلا روز ۲۲ مارس تظاهرات را در مسکو منع کردند. اینکه دمکراسی نیست. مردم می‌خواستند بیایند سر قبر سرباز گمنام گل بگذارند، ما ۲۰ میلیون تلفات دادیم در جنگ. البته این برای ملت خیلی اهمیت داشت که به آن زدوخورد مبدل شد.

البته اطلاعات در مورد کشور شما در روزنامه‌های ما خیلی کم است. مثلا ببینید، من فکر می‌کنم خمینی در زندگی خودش دو مرحله را طی کرد. یک مرحله اول بود که می‌گفت قبله زمین دست‌های پینه‌دار دهقانان است، کارخانجات باید به کارگران داده شود، که البته این گفته‌ها خیلی تاثیر داشت در میان مردم ما و مردم تمام دنیا. و چون از اینجور حرف‌ها را در فرانسه گفته بود و از زبان فرانسه به روسی، ترجمه کردنش آسان‌تر است و عده بیشتری از این حرف‌ها اطلاع داشتند، ولی در دومین مرحله، آنجا که گفت هر کس که دشمن حکومت است باید بکوبیدش، بزنیدش، و حالا واژه‌هایش دقیقا یادم نیست، اینها دیگر ترجمه نشد و به اطلاع نرسید، بنابراین اطلاعات خیلی اهمیت دارد.

س) پس شما فکر می‌کنید که در حال حاضر کار روی افکار عمومی در اینجا و انتشار مطالب در مورد ایران در روسیه و جمهوری‌های دیگر، روی سیاست رهبران سیاسی در رابطه با موضع‌گیری‌شان در مورد نقض دمکراسی در ایران تاثیر می‌گذارد؟

ج) بله، البته، افکار عمومی حالا به عقیده من، تاثیر دارد، مثلا ببینید این تظاهراتی که انجام شد، در نتیجه در شورای عالی تصمیمات جدیدی گرفته شد حالا رئیس جمهور با احزاب مختلف مذاکره و مشاوره می‌کند و صحبت می‌کند، افکار عمومی حالا خیلی خیلی در سیاست دولت دخیل است.

س) یکی دیگر از سوالاتم راجع به فروش اسلحه به ایران است، خوب یکی از چیزهایی که در نظم جدید جهانی از آن صحبت می‌شود، مسئله کاهش درگیری‌های منطقه‌ای است که این اواخر و قبل از پایان جنگ سرد بسیار گسترده شده بود، از کامبوج تا آنگولا و تا آمریکای لاتین را فراگرفته بود، پس از افت چند سال گذشته، فروش اسلحه دوباره فزونی گرفته است و از جمله فروش اسلحه به کشور ما که بالاخره یک مقدار از دلارهای نفتی را در دست دارد و حتما این دلارها جذابیت دارد. فروش اسلحه به ایران را از طرف روسیه چگونه می‌بینید؟

ج) اولا نمی‌شود که یک دولت اسلحه صادر نکند و دیگران صادر بکنند، یعنی به نفع آنهاست و به ضرر ماست. باید صدور اسلحه را به طور دسته‌جمعی منع کرد و به تنهایی فایده‌ای ندارد، مثلا ما موشک صادر نمی‌کنیم. ولی خوب کره شمالی یک کشتی پر از موشک آورد و در ایران پیاده کرد و پول زیادی هم گرفت. ما مطابق قراردادهایی که با آمریکا داریم مقدار اسلحه‌مان را تقلیل خواهیم داد، بنابراین تانک و تفربر زرهی زیادی می‌ماند در صورتی که تقاضا برای خرید هست و ما هم از حیث ارز وضعیتمان چندان خوب نیست.. خوب می‌فروشیم، اگر ما نفروشیم دیگری می‌فروشد.

س) خوب این در مجموع باعث می‌شود، تشنج در جهان کاهش پیدا نکند.

ج) صحیح است، ما چند بار پیشنهاد کردیم، و از طرفی یلتسین هم در سخنرانی خودش گفته بود که باید قراری در مورد فروش اسلحه گذاشت و آن را تحدید کرد و محدودیتی برای فروش قائل شد، ولی اینکار را باید دولت‌هایی که اسلحه‌ساز هستند به طور دسته‌جمعی انجام دهند.

س) قبلا که در جهان استعمار کهن حکمفرمایی می‌کرد، ثروت‌های کشورهای مستعمره مستقیما به یغما می‌رفت ولی حالا، به طور غیرمستقیم. نفت هر بشکه ۱۵ دلار است که می‌شود گفت تقریبا مجانی است. چرا که اولا ۲۰ دلار از قیمت ۱۵ سال پیش کمتر است، تازه ارزش دلار ۴۰ - ۵۰ درصد پایین آمده است، از این ۱۵ دلار ۲۰ - ۳۰ درصد صرف مخارج استخراج می‌شود، و ۵۰ درصد بقیه آن هم صرف خرید سلاح می‌گردد، خوب دیگر چیزی برای مردم باقی نمی‌ماند!

ج) خوب این سیاست دولت‌هاست که نفت می‌فروشند و اسلحه می‌خرند.

س) بله، ولی اگر در جهان امنیت بیشتری برقرار بشود، دیگر دولت‌ها بهانه‌ای برای خرید سلاح ندارند، مثلا الآن در آمریکا صحبت از این است که با رفع "خطر شوروی" بودجه نظامی تا یک‌دوم کاهش یابد...

ج) کاملا موافق هستم ولی بازهم تکرار می‌کنم که این مسئله را دولت روسیه نمی‌تواند حل بکند و یا تاثیری داشته باشد. متاسفانه، اگر تولید کننده اسلحه فقط ما بودیم، بله تقصیر ما بود و میشود پرسید چرا اسلحه می‌فروشید؟ ولی اینطور نیست حالا همه تولید می‌کند. از آمریکا و اروپا و غیره و غیره. باید کاری کرد که دولت‌ها نخرند چرا که فایده‌ای ندارد. من به شما بگویم که امروز بوسیله اسلحه هیچ مسئله‌ای را نمی‌شود حل کرد. جنگ هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. اگر ابرقدرت‌ها جنگ بکنند همه دنیا از بین می‌رود ولی اگر این کشورهای کوچک جنگ بکنند هیچ فایده‌ای ندارد، مثلا جنگ ایران و عراق چه فایده‌ای داشت.

میلیاردها دلار خرج شد، صدها هزار نفر کشته شدند و معلول شدند، بی‌خانمان شدند. این را باید این دولت‌ها بغمند. البته دولت‌های بزرگ هم مسئولیت دارند و در این مورد من با شما موافقم ولی در این شرایط امکانات بیشتر در دولت‌های این ممالک است. این اسلحه‌ای که این دولت‌ها می‌خرند و انبار می‌کنند چه فایده‌ای دارد؟ اولا برای آمریکا و شاید هم برای شوروی (سابق) دو فایده دارد، یکی ارز و یکی هم اینکه سلاح‌های کهنه‌شده را می‌فروشند و سلاح جدید تولید می‌کنند. کدام دولت، آمریکا، چه وقت سلاح جدید خود را به کسی فروخته است. فقط در صورتی که سلاح جدیدتری بوجود آید این سلاح را می‌فروشند، ممالکی که اسلحه می‌خرند باید بدانند که این سلاح‌ها مدرن نیست. سلاحی است که از کار افتاده است و از رده خارج شده است.

ما میگ ۲۹ را چندین سال است که اختراع کرده‌ایم. ولی حالا این را می‌فروشیم، چند میلیون قیمت دارد، شما هم چند میلیون بدهید، بخرید. ولی سالهاست که این هواپیما ساخته شده بود و کسی نمی‌دانست. شاید دولت‌های بزرگ از راه جاسوسی خبر داشتند ولی کامل نبود چون وقتی ما این هواپیما را بردیم پاریس، مطبوعات آمریکا و فرانسه تعجب کردند که چنین هواپیمای خوبی از هر حیث هست. بنابراین سلاح‌هایی که فروخته می‌شود، سلاح‌های درجه اول نیست و فایده‌ای ندارد و فقط باعث می‌شود طمع پیدا بشود که دولتی بخواهد همسایه را اشغال بکند و از آن هم چیزی در نمی‌آید چون فورا همسایه یک دوستی پیدا خواهد کرد که به او کمک خواهد کرد. همانطور که با عراق شد. بنابراین این مسئله مربوط به سیاست داخلی است. سیاست دولت‌هاست که باید خودداری بکنند و بفهمند که بوسیله اسلحه هیچ کاری در دنیای امروز نمی‌توانند بکنند. اگر اسلحه هسته‌ای داشته باشند همه را ازبین می‌برند و اگر نداشته باشند ممکن است نصف جمعیت کشور را به کشتن بدهند و ثمره‌ای نخواهد داشت.

س) در زمینه مناسبات اقتصادی در جهان، می‌دانید که ماصادرکننده نفت هستیم و دومین مقام را هم در سازمان اوپک داریم. مسئله فروش مواد اولیه از جمله نفت از سوی کشورهایی چون ایران و تعادل اقتصادی جهان، در نظم نوین جهانی به چه صورت خواهد بود، آیا فشار روی کشورهایی مثل ما خواهد بود که نفتمان را ارزان‌تر بفروشیم و یا ما می‌توانیم نفتمان را به قیمت واقعی‌اش بفروشیم؟

ج) من فکر می‌کنم، مسئله نفت هم مثل مسئله اسلحه است، که اگر مثلا ایران یا سعودی بخواهد گران‌تر بفروشد، نمی‌تواند چرا که فورا مملکت همسایه تولیداتش را بیشتر می‌کند و جای آن را می‌گیرد. بنابراین حالا که سازمان اوپک هست، فقط او می‌تواند در این راه اقدام بکند و من فکر می‌کنم که مسئله عمده سر تولید و فروش نفت نباشد. البته این اهمیت دارد ولی نه‌چندان، اهمیت قطعی در این است که این دلارهای نفتی به نفع مردم این مملکت، به نفع خلق صرف شود. مثلا ببینید زلزله‌ای که در این ممالک می‌شود، عده زیادی را از بین می‌برد، همان زلزله مثلا در اتحاد شوروی سابق یا در جاهای دیگر تلفاتش کمتر است. چرا؟ چونکه خانه کاه‌گلی همین که تکان می‌خورد، این کاه‌گل می‌افتد روی آدم و او را از بین می‌برد. آیا نمی‌شود با این دلارهایی که از بابت نفت می‌گیرند برای دهقانان خانه بسازند. در ممالک جنوب خانه‌سازی خیلی کم‌خرج‌تر از شمال است. در روسیه شما نمی‌توانید خانه‌ای بسازید که بخاری نداشته باشد و دیوارش ضخیم نباشد و غیره - چرا که در غیر اینصورت مردم از سرما تلف می‌شوند. ولی در ایران یا ترکیه شما می‌توانید یک دیوار بتونی بگذارید و بالاش هم بتون باشد تا دهقانان در آن زندگی بکنند. همانطور که در سال‌های اول بعد از انقلاب در کوبا، فیدل کاسترو تمام مملکت را از حیث خانه در ظرف یک سال، یک سال و نیم تامین کرد. اینهاست که این پول‌های نفت باید البته به نفع مردم مصرف بشود. هر کس بیشتر به نفع مردم کار کرد، موافقت مردم با اوست. این عقیده من است.

س) اما مسئله روابط اقتصادی بین کشورها چه خواهد شد؟

ج) این روابط باید به نفع طرفین باشد. راه دیگری نیست. همینطور هم بود غیر از روابط با کشورهای مستعمره به نفع من است که از شما نفت بخرم، من می‌خرم. به نفع من نباشد از شما نمی‌خرم از دیگری می‌خرم.

س) حالا در چارچوب سازمان اکو، که الآن یک وسعت بزرگی از آسیای میانه را در برمی‌گیرد، ما می‌توانیم منافع خودمان را با شرایط بهتر عرضه کنیم و از لحاظ اقتصادی منافع بیشتری را با تقویت اکو کسب کنیم؟

ج) البته اگر برنامه صحیحی تنظیم بشود، خیلی هم خوب میتوان اینکار را به پیش برد. شما ببینید مثلا جمهوری‌های مستقل ارز ندارند ولی مواد اولیه دارند، صنایع دارند، کارخانه دارند که در زمان سوسیالیسم ساخته شده‌اند و پیشرفت کرده‌اند. حتی ازبکستان صنعت هواپیماسازی دارد، بنابراین ممکن است از سوی روابط تجاری روابط خوبی بوجود آورد.

س) این میتواند یک نوع رقابت با غرب به نفع ما ایجاد کند؟

ج) ما نزدیک هستیم. من اقتصاددان نیستم ولی ممکن است.

س) البته ظاهرا اینطور است که بازرگانان ایران خواهان روابط اقتصادی هستند ولی این جمهوری‌ها بیشتر مایلند که دلار بگیرند و برای اجناس خودشان دلار می‌خواهند و جنس بدشان هم. که خوب به درد ما نمی‌خورد.

ج) این وابسته به معامله است...

س) نفت ما چه کمکی می‌تواند به گسترش معامله بکند؟

ج) ترکمنستان خودش صادرکننده نفت است، آذربایجان نفت صادر می‌کند، در ازبکستان منطقه نفت‌خیز خیلی بزرگی کشف شده است. قزاقستان هم بعد از چند سال نفت خودش را تامین خواهد کرد و حتی صادر می‌کند، ولی جمهوری‌های دیگر احتیاج به نفت دارند. مثلا اوکرائین احتیاج به نفت دارد، می‌شود به اوکرائین فروخت. البته آنجا هم مشکلات حمل و نقل نفت است. در هر صورت روابط اقتصادی وابسته به معامله است. یکی دلار می‌خواهد، شما اگر نمی‌خواهید بدهید، ندهید، من دلار نمی‌دهم ولی برنج می‌فروشم یا غله. باید معامله کرد.

س) ولی آیا روابط اقتصادی کشورهای سازمان اکو میتواند بصرفه‌تر از روابط با غرب بشود تا از این راه، رقیبی برای غرب بوجود آید و بدین ترتیب نفعی بیشتر به کشور ما برسد و باعث شود امر می‌برای فشار به مشتریان غربی بوجود آید که نفع ما را در نظر بگیرند؟

ج) موضوع همین است، حتی این سازمان می‌تواند تصمیم بگیرد که مثلا پنبه از پاکستان را ۱۵ درصد ارزان‌تر به اعضای این سازمان بفروشد. ۶ میلیون تن تولید پنبه در سال دارند. در چارچوب اکو البته می‌توان کارهای زیادی کرد. امکان هست و البته ما نمی‌توانیم همه اینها را پیش‌بینی بکنیم و این وابسته به این است که کار به نفع طرفین پیش برود و اینجور نباشد که کسی بخواهد نفع بیشتری از طرف دیگر داشته باشد. مسئله مهم دیگری که در اکو وجود دارد مسئله ایدئولوژیک کردن اکو است...

گمان می‌کنم که از این چیزی در نمی‌آید چرا که آنجا هم شیعیان هستند و هم سنی‌ها. اگر مسئله سیاسی پیش بیاید به عقیده من این سازمان به هم خواهد خورد. چون میدانید منافع اقتصادی فرق دارد. حالا می‌توانیم بگوییم جمهوری‌هایی که در خاک شوروی سابق بوجود آمده‌اند نمی‌توانند خودشان را به ایران یا ترکیه یا کشور دیگر تحمیل کنند. ما مسئله سیاسی را در روابط خارجی از بین برداریم. این تماس‌ها باید از روی نفع متقابل باشد. همینکه مسئله سیاسی پیش بیاید چیزی حاصل نمی‌شود.

س) بعد مسئله آذربایجان. الآن در آذربایجان صحبت‌هایی می‌شود در مورد وحدت دو آذربایجان و نیروهای افراطی‌ای هستند که این مسائل را مطرح می‌کند، شما فکر می‌کنید که این مسئله چه تاثیری در روابط دو کشور خواهد داشت؟

ج) عقیده من این طور است، در ایران در حدود ۲۰ - ۲۵ میلیون آذربایجانی هست، اگر تشتایی‌ها را هم حساب بکنید ۲۵ میلیون میشود...

س) تشتایی‌ها؟

ج) بله. من این مسئله را نمی‌دانستم تا سال ۱۹۷۴، من نمیدانستم. در سال ۷۴ با هیئت فرهنگی به اصفهان رفته بودیم. در آنجا دو نفر را دیدم که با هم صحبت می‌کنند پرسیدم شما با چه زبانی با یکدیگر صحبت می‌کنید،

ادامه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

اصول ثابت توسعه سیاسی

ادامه از صفحه ۷

نمی‌دهد.[۱۲] ما در این قسمت میان توسعه اقتصادی و آرامش اقتصادی تفاوت قایل هستیم. آرامش اقتصادی لزوماً تابع صنعتی شدن و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته نیست بلکه تابع شناخت دقیق و عملی کردن پارامترهای مربوط به بافت اقتصادی هر جامعه است. روشن شدن منافع ملی و اهداف عمومی به روان‌سازی اقتصاد یك کشور کمك می کند. جوامعی که بتوانند نیازهای اولیه مردم خود را تأمین نمایند. زمینه‌های بعدی رشد و توسعه را چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی فراهم خواهند آورد. بنابراین، آرامش اقتصادی و مالی زمینه‌ساز توسعه فرهنگی و نهایتاً توسعه سیاسی است، زیرا افراد دور از دغدغه خاطر و بی اطمینانی ها و مخاطره ها، بهتر می اندیشند، بهتر تصمیم می گیرند و بهتر آموزش می بینند.

۱۱ـ تصمیم‌گیری مبتنی بر اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری باشد. معمولاً انسانها انبوهی از منافع، احساسات، تعصبها و در عین حال محاسبه ها، تجزیه و تحلیلها و گرایشهای عقلایی، همراه با ارزشها رابه پروسه تصمیم گیریهای خود وارد می کنند. براساس مفروض مقاله، توسعه سیاسی پیچیده‌ترین نوع توسعه و جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی تکامل‌یافته جامعه شناخته میشود. در چنین جامعه‌ای، طبیعتاً می‌بایست کفه محاسبه و عقل و تحلیل بر کفه احساس و تعصب سنگینی نماید و انسانها در جریان تصمیم گیریهای فردی و اجتماعی و تخصصی خود، به فکر «رشد» و «توسعه» و «بهبود» و حرکت از وضع فعلی به وضع مطلوب باشند. به عبارت دیگر، بهینه‌سازی، مطلوبیت و تکامل بایددریکایك افراد جنبه نهادی به خود گرفته باشد. چنین انسانهایی خود را محور قرار نخواهند داد و چه از حیث استدلالی و چه از لحاظ اخلاقی، زمینه‌های اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری در آنها پدیدار خواهد شد. اگر ما تصحیح و تکامل را از انسان بگیریم، انسانیّت را از او سلب کرده‌ایم. بنابراین، طبیعی است که انسانها اشتباه کنند و در یك پروسه سعی و خطا به تصحیح خود بپردازند[۱۳]. اگر زمان، تجربه، فراگیری و خطاکاری را نیز از انسان بگیریم، انسانیت را از او گرفته‌ایم و این غیرطبیعی است. نتیجه می گیریم که پس از پذیرفتن کلیاتی مانند تجربه و تفکرو خطاکاری، در یك جامعه توسعه‌یافته سیاسی، افراد به سمت تصحیح خود و دیگران حرکت می کنند. در شرایط سالهای پایانی قرن بیستم شاید نتوان لغتی عمیق تر از لغت «تصمیم» پیدا کرد زیرا داده‌هایی که به یك تصمیم منجر می‌شوند ده ها بلکه صدها شرط و نظریه را در خود جای می‌دهند. به همین دلیل است که در بحث اصلاح‌پذیری و اصلاح‌نگری، ما لغت «تصمیم»را انتخاب کرده‌ایم و از میان شاخصهای مهم یك جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی، مطلوبیت و تکامل تصمیمها را مورد توجه قرارداده‌ایم.

۱۲ ـ انتخاب افراد براساس رقابت، تواناییها و لیاقت صورت گیرد. از مباحث مهم توسعه، مسئله «مجری» یا «مجریان» توسعه است یعنی در چارچوب سیاسی، اداری و اقتصادی یك جامعه، اجراکنندگان توسعه چه کسانی هستند و از چه ویژگیهایی برخوردارند؟ آیا این افراد به توسعه معتقدند؟ آیاآنها ابزار و شرایط و فراز و نشیبهای توسعه را می‌شناسند؟ در عصر کنونی، موضوع پرسنل فکری واداری (اجرائی) توسعه (نسبت به دهه های گذشته) از اهمیت بالاتری برخوردار شده است. در هردو سطح از نیازهای پرسنلی، ضرورت وجود و استخدام افرادی که یك دید جامع و بین‌المللی نسبت به توسعه داشته باشند، اولویت دارد. از یك طرف، تواناییها و لیاقت افراد در سمتهای کلیدی فکری و اجرایی توسعه یك جامعه مطرح است و از طرف دیگر، شیوه انتخاب و انتصاب این افراد اهمیت دارد. جامعه‌ای در مسیر توسعه سیاسی پیش می‌رود که نسبت به ظرافتهای شخصیتی و بینشی و رفتاری افرادی که سمتهای مهم فکری و اجرایی را در اختیار دارند، حساسیت دارد زیرا عمدتاً از طریق تشعشعات و ترشحات فکری و رفتاری این شخصیتهای تعیین کننده است که جامعه روح، توان، آینده‌نگری و ارزشها را به مرحله فعلیت درمی آورد. شیوه دستیابی به این سمتهای کلیدی نیز خود از مراحل مهم توسعه سیاسی است. رقابت تواناییها و لیاقتها بهترین شیوه‌ای است که می‌تواند روح کار و فعالیت، امید به آینده و ارتقاء سطح کارآیی در امور را فراهم آورد. بنابراین، در سیر تکاملی یك جامعه به سوی توسعه سیاسی، حساسیت و وسواس فراوان نسبت به لیاقت و تواناییهای افرادی که الگوی رفتاری جامعه قرار می گیرند از شاخصهای تعیین کننده است.[۱۴]

ج : نتیجه

هدف این مقاله، طرح زمینه هایی برای حرکت در مسیر توسعه سیاسی بوده است. این زمینه ها یا شاخصها، در دوازده اصل به هم مرتبط و به هم پیوسته مورد بررسی قرار گرفت. اگر بخواهیم بر کاربردی بودن این مجموعه دوازده‌گانه نظری بیافکنیم، در واقع این دوازده میدان متداخل می‌بایستی باتوجه به ویژگیهای عمومی و بافت اجتماعی ـ فرهنگی هر جامعه مورد بهره‌برداری قرار گیرند. به عبارت دیگر، تقدم و تأخر این اصول دوازده گانه تابع بافت و وضعیت فرهنگی یك جامعه است. توسعه سیاسی از آنجا که محل تقارن منافع یك گروه یا گروههائی از یکسو و منافع و مصالح عمومی از سوی دیگر است، مشکلترین شکل حرکت به طرف عقلایی شدن رفتارها وبرخوردهای یك جامعه می‌باشد. به همین دلایل در میان اصول و شاخصهای دوازده گانه، صحبت از آموزش عمومی، هویت عمومی، منافع جمعی، شخصیت فردی و تکیه بر تواناییها و لیاقت به میان آمده است. یك جامعه درمسیر توسعه سیاسی باید برپایهٔ دوراندیشی زحماتی را متحمل شود، ساختارهایی بنا کند و طبعاً خود را با دقت و ظرافت تربیت نماید و از صافیهای متعدد بگذراند تا به طور نسبی به سرمنزل مقصود برسد و آینده امیدبخشی برای خود فراهم سازد. بنابراین، تربیت، مکانیسمهای تربیتی و الگوهای فکری و رفتاری در کنار شکلهای اجتماعی پویا و عقلایی، لوازم مشترك جوامعی هستند که علاقمند به توسعه سیاسی می‌باشند.

کره جنوبی: آن سوی چهره پیشرفت

سئول، پایتخت کره جنوبی، اینک در میان شهرهای کثیف دنیا مقام سوم را داراست، شهری فرورفته در غباری از اکسید گوگرد، سرب، کادمیم و گازکربنیک. این آن روی سکه توسعه اقتصادی لجام گسیخته و بی‌وقفه سی‌سال اخیر است. اما دانشمند علاقمندی به محیط زیست همچون یوجی‌هیون هم نمی‌داند که آیا کره جنوبی راه دیگری هم میتوانست برود. او می‌پرسد: ''سی‌سال پیش ما به عنوان یکی از کشورهای فقیر دنیا چه راه دیگری را می‌توانستیم انتخاب کنیم؟''[۱] آن زمان، یعنی در دهه پنجاه و آغاز دهه شصت کره جنوبی در اوج ورشکستگی و ناتوانی تنها با حمایت آمریکا سر پا ایستاده بود و درآمد سرانه‌اش از ۱۰۰ دلار فراتر نمی‌رفت.

اینک پس از ۳۰ سال، کره جنوبی بعنوان دوازدهمین قدرت اقتصادی دنیا یکی از بزرگترین سازندگان کشتی، فولادووسایل الکترونیکی به شمار می‌رود. درواقع در میانه دهه شصت بود که پارک چونگ هی، دیکتاتور وقت کره جنوبی با اعلام اینکه سیاست صنعتی کشور باید سمتگیری صادراتی داشته باشد، کره را در مسیر پیشرفت صنعتی انداخت. چونگ‌هی با بهره‌گیری از ارزانترین نیروی کار و سربزیری و قناعت کارگران، با اعطای اعتبارات ویژه به‌کنسرن‌های بزرگ و با استثمار بی‌امان انسان و طبیعت، کره جنوبی را به راهی هدایت کرد که ''سرمشقی'' برای پیشرفت شده و از شاگردان ممتاز بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به شمار می‌آید. اما پیامدهای ناشی از این شیوه پیشرفت، کره را به لحاظ محیط زیست در پرتگاه ویرانی قرار داده است. شورای کلیسای پروتستان کره جنوبی اخیرا در یک ارزیابی از وضع محیط‌زیست به این نتیجه رسیده است که: ''کره در مناسب‌ترین مسیر برای تبدیل شدن به یکی از کثیف‌ترین کشورهای دنیا قرار دارد.'' برپایه تازه‌ترین برآوردهای دانشگاه ملی سئول تنها مقدار اکسید گوگرد هوای کره چهار برابر میزانی است که از سوی سازمان بهداشت جهانی، میزان مجاز تعیین شده است.

عوامل اصلی آلودگی دم‌افزون هوای کره جنوبی عبارتند از پخش‌بی‌رویه گازهای ناشی از سوخت‌های فسیلی در کارخانه‌ها و خانه‌ها در هوا و نیز افزایش سرسام‌آور خودروهای شخصی'' در حالیکه در سال ۱۹۸۰ اداره راهنمایی و رانندگی کره جنوبی مجموعا برای نیم میلیون وسیله نقلیه شخصی مجوز صادر کرده، این رقم در سال گذشته به ۴ میلیون نفر رسیده و اگر وضع به همین گونه ادامه یابد تا سال ۲۰۰۰ به ۱۶ میلیون خواهد رسید.

سیاست دولت کره جنوبی سوق دادن مردم به سوی استفاده از خودروهای شخصی است تا ''آنها هر چه بیشتر از رفاه و وقت آزاد خود لذت برند.''

۸۰ درصد سوخت مورد نیاز کره یعنی نفت و گاز از خارج و بخشی هم از طریق ذغال سنگ داخلی تامین میشود. از انرژی جانشین عملا خبری نیست و دولت هم هیچ گرایشی به حمایت ازاین نوع انرژی نشان نمی‌دهد. درعین حال نیروگاه‌های اتمی مثل قارچ در سراسر کشور در حال سربرآوردن هستند. ۱۹ نیروگاه هم‌اکنون مشغول به‌کارند که شمار آنها تا سال ۲۰۳۰ به ۶۱ عدد خواهد رسید. در این میان آشکار نیست که دولت با پسمانهای (زباله‌های) اتمی نیروگاه‌ها چه می‌کند. در اواخر سال ۱۹۹۰ تلاش دولت برای ساختن یک زباله‌دانی اتمی در غرب کشور به سبب اعتراض و مقاومت اهالی به شکست انجامید.

باری، چنانکه آمد در کره جنوبی هوا، زمین و آب به پای رشد اقتصادی قربانی شده‌اند. ۴۲ میلیون جمعیت این کشور بزرگترین تولید کننده زباله در دنیا هستند. در واقع کره‌ای‌ها روزی ۸۴ هزار تن زباله تولید میکنند یا به گفته دیگر هر کره‌ای در روز ۲/۳ کیلوگرم مواد دور ریختنی دارد. در میان شهروندان کره‌ای آگاهی نسبت به‌محیط‌زیست چندان بالا نیست.

به باور اکثر آنها هر چه پودر رختشویی قویتر، لباس تمیزتر و هرچه دارو قوی‌تر، شفا عاجل‌تر. اتوموبیل شخصی را هم قبل ازحرکت باید ۳۰ دقیقه روشن گذاشت تا خوب گرم شود در کره هر جنسی را قبل از اینکه به دست مشتری بدهند، دوبار در کاغذ می‌پیچند و بعد هم در کیسه پلاستیک می‌گذارند. بی‌سبب نیست که کارخانه‌ها و کارگاه‌های بسته‌بندی در اوج رونق است. اینکه پودر رختشویی قوی حاوی مواد زیانبار برای زمین است، اینکه داروی قوی حتما عوارض نامطلوب بیشتری هم دارد، اینکه روشن گذاشتن بیجای ماشین هوا را با گازهای مختلف می‌آلاید و اینکه برای تولید کاغذ بسته‌بندی درختان بیشتری را باید نابود کرد، همه و همه مسائلی هستندکه مردم کره جنوبی کمتر نسبت به‌آنهاآگاهی و توجه دارند.

در کره مواد شیمیایی زهرآگین به طور گسترده در زیر خاک مدفون می‌شوند، چرا که آلوده سازی محیط زیست مجازات چندانی در پی ندارد. بسیاری از کنسرن‌های شیمیایی مواد سمی خود را بدون هیچ نظارت و کنترلی به بازار می‌فرستند. به گفته شورای کلیسا سالانه ۱۴۰۰ کشاورز به خاطر ناآگاهی نسبت به چگونگی استفاده از مواد آفت‌کش جان خود را از دست می‌دهند. بسیاری از کشاورزان برای بالابردن میزان محصول، زمین‌های کم‌حاصلخیز را کودباران می‌کنند و بدینسان سلامت همه مردم را به خطر می‌اندازند.

پرفسور کیم جونگ کو بر این باور است که: ''پیشینیان ما عقیده داشتند که نه زمین به‌انسان، بلکه انسان به زمین تعلق دارد.'' این باور در طول سده‌ها در آمیزش با آموزش بودا موجب حفاظت و پاسداری انسان ها از طبیعت بوده است. اما از دهه ۶۰ کره در جاده یکطرفه نوسازی چهارنعل می‌تازد، به‌گفته یک کارشناس‌کره‌ای بحران محیط زیست که اینک گریبانگیر کره است، از آغاز سالهای دهه ۸۰ پیش‌بینی‌پذیر بود. اما دولت کره نه تنها هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای انجام نداد، بلکه دست کنسرنهای بزرگ را در آلوده ساختن محیط زیست بیش‌ازپیش باز گذاشت. هم اینک ۷۰ درصد پسابهای صنعتی وارد جریانات آبی میشوند از این رهگذر بسیاری از رودخانه‌ها و رودها عملا مرده‌اند و آب لوله کشی را باید با اکراه سر کشید.

در میان وزارت نوبنیاد محیط زیست که با مسائل و مشکلات بسیاری باید دست وپنجه نرم کند. به سختی قادر به رویارویی با ''ایدئولوژی پیشرفت'' وزارتخانه‌های مقتدر تجارت و اقتصاد است.

درست پیش از آغاز همایش ریودوژانیرو درباره محیط زیست، دولت کره جنوبی یکبار دیگر تعهد خود نسبت به حفظ محیط‌زیست را مورد تاکید قرار داد. برای کاهش گازهای گلخانه‌ای در جو دولت کره قصد دارد که ۳۵۰ میلیون دلار در صنایع مربوط به حفظ محیط زیست و بویژه در راستای یافت جایگزینی برای گاز FCKW (گازی مرکب از فلور، کلر، کربن و ئیدروژن که موجب نابودی اوزون جو و در نتیجه رسیدن اشعه‌های خطرناک به زمین می‌شود) سرمایه‌گذاری کند. کره به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان FCKW سال گذشته ۲۴۷۰۰ تن ازاین گاز را صادر کرده که این رقم در سال ۱۹۹۲ به ۳۸۰۰۰ تن خواهد رسید.

کره جنوبی به رغم امضای قرارداد مونترال در زمینه کاهش گاز FCKW هنوز هیچ اقدامی در این راستا انجام نداده است. در واقع منافع و علائق اقتصادی مانع از آن است که دولتمداران کره به گونه‌ای جدی و پیگیر به تعهدات خود پایبند بمانند و در زمینه اجرای پیمان مونترال گام اساسی بردارند. برپایه برآورد یک بنیاد پروهشی زیان ناشی از عدم به کارگیری FCKW در صنایع خودروسازی و الکترونیک به ۲ میلیارد دلار سرخواهدزد.

یک کارشناس کره‌ای بر آن است که برای جلوگیری از آلودگی بیشتر زیستبوم (محیط‌زیست) باید سیاست توسعه اقتصادی کشور را دگرگون کرد و از جهت‌گیری صادراتی، صنایع سنگین و بلندپروازی‌های اقتصادی فاصله گرفت. در عوض باید صنایع سبک و نیمه سنگین را مورد حمایت قرار داد. گروه‌های هوادار محیط زیست در کره نیز بر این باورند که تنها یک چرخش اساسی در ساختار صنعتی کشور می‌تواند هماهنگی لازم میان حفظ محیط زیست و پیشرفت اقتصادی را فراهم آورد. اما دولت کره جنوبی هنوز گوشش بدهکار این حرف‌ها نیست.

برگرفته از روزنامه آلمانی
تنظیم از ـ بهداد Taz

گفتگو با یک کارشناس مسائل ایران

ادامه از صفحه ۸

گفتند با زبان، تشقایی، همان آذربایجانی ما بود فقط بالهجه بود. در آذربایجان هم اشخاصی که در باکو هستند، صحبتشان با ساکنین گنجه فرق دارد، در هر صورت وقتی همه اینها را حساب بکنیم تقریبا ۲۵ میلیون می‌شوند. ۶-۸ میلیون هم در جمهوری آذربایجان هستند. بیش از ۳۰ میلیون آذربایجانی هست. اینها در دو مملکت متفاوت بارژیم‌های متفاوت هستند. حالا اگر ما مسئله وحدت را به میان آوریم، بازهم همان مسئله سیاسی به میان می‌آید که چیزی از آن در نمیآید. این به ضرر روابط دو مملکت تمام خواهد شد. بنابراین من فکر می‌کنم که طرح این مسئله صحیح نیست، بلکه مضر هم هست. چه چیز را باید طرح کرد؟ به‌عقیده من مثلا روابط فرهنگی، روابط ورزشی، که این دو ملت نزدیک با یکدیگر بتوانند باهم رفت و آمد و معاشرت داشته باشند. در دنیای امروز این مهم نیست که برای دوستی با من این سرحدتان را از بین ببرید. ما می‌توانیم این سرحد را قابل نفوذ بکنیم که رفت وآمد آزاد بشود. که من بتوانم پیش شما بیآیم و شما پیش من. این را باید در نظر بگیریم، این مهم است.

س) اینجا صحبت بر سر این است که سرحد بگذاریم، مثلا بین آذربایجان و دیگر مناطق ایران...

ج) آن هم لازم نیست. به عقیده من، آذربایجان ایران آذربایجان ایران است.

فقط این روابط فرهنگی، دوستی باید آسان بشود. روابط فرهنگی، اقتصادی. و این زیاده‌روی است که بیائیم ما با آذربایجان ایران متحد بشویم. چطور ممکن است متحد بشویم. مغولستان را در نظر بگیرید. یک قسمت مغولستان در چین است ولی اینها که متحد نشدند و یکجا نشدند و هیچ کس این مسئله را طرح نکرد که شما متحد شوید. خیلی روابط خوبی دارند و رفت و آمد می‌کنند ولی دو دولت به اصطلاح جداگانه. اینجا هم همینطور. من فکر می‌کنم که اگر این مسائل را طرح بکنند اختلاف بوجود می‌آید. بعد خوب فارس‌ها در ایران، عادت کرده‌اند که مملکتشان ایالتی دارد به نام آذربایجان. کدام فارس راضی خواهد شد که این آذربایجان را از آنها بگیرید و به جمهوری آذربایجان ملحق بکنید، گمان نمی‌کنم. اینها همه‌اش دشمنی و مخالفت بوجود می‌آورد و اینها عمده هست. برای مردم هیچ اهمیتی ندارد. من آذربایجانی هستم برای من چه اهمیتی دارد که بروم پیش رفیقم در تبریز و بگویم تو هم با من در یک مملکت هستی و یا دو مملکت. او دوست من است و من با او دوستی می‌کنم. برای من هیچ فرقی ندارد که او جزو ایران است یا جزو جمهوری آذربایجان. هیچ فرقی نمی‌کند فقط معاشرت باید باشد. من فکر می‌کنم که طرح این مسائل صحیح نیست و اشتباه بزرگی است.

:::::

آقای علی‌اوغلی از شما به خاطر شرکت در این گفتگو متشکرم.

یاورقی‌ها:

۱ ـ در این رابطه رجوع کنید به:
Robert Nisbet, «Social Change and History». (New York, Oxford University Press, 1969).

2 - Ronald Chilcote, «Theories of Comparative Politics» (Boulder: Westview Press, 1981). p. 272.

3-Carl Friedrich, Constitutional Government and Democracy. (Waltham: Blaisdell, 1968); Lucian Pye, «Aspects of Political Development». (Boston: Brown & Co., 1966); Seymour Lipset, «Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy», American Political Science Review». (March 1959). pp. 69 - 105; and Arthur Smith, «Socio - Economic Development and Political Democracy: A Causal Analysis». Midwest Journal of Political Science. (February 1969). pp. 95 - 125.

۴ ـ Fred Riggs, «The Dialectics of Developmental Conflict» Comparative Political Science. (July 1968). pp. 197 - 226; Lewis Coser, «Social Conflict and the Theory of Social Change». British Journal of Sociology. (September 1957). pp. 197 - 207 and Robert Nisbet, op. cit.

۵ ـ Leonard Binder, «National Integration and Political Development», American Political Science Review. (September 1964). pp. 622 - 631; James Caleman, ed., «Education and Political Development». (New York: Harper & Row, 1966); Joseph La Palombara, ed. «Bureaucracy and Political Development». (Princeton: Princeton University Press, 1966) and Sidney Verba, «Participation and Political Equality». (New York: Cambridge University Press, 1978)

6 - Ronald Chilcote, op. cit. p. 273.

۷ ـ در این رابطه رجوع کنید به:
James Bill and Robert Hardgrave Jr., «Comparative Politics». (Washington D. C.: University Press of America, 1981). pp. 501 - 52.

۸ ـ مالکت ساده که ما در متضمن استفرا معنی وجود ندارد بلکه در جامعه استفرایی مطرح است. با استفراد را در مقابل جامعه‌های مشابه و سنه و غیر طبقی قرار می‌دهیم و چگونگی در بحث آمده است که آن را استفراد می‌کنیم.

۹ ـ در این رابطه رجوع کنید به: البتل، محمود، مردم و توسعه، (تلاشات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۹، ص ص ۲۰ - ۲۲) و رجوع الشیخ، محمود، خودکفایی و استقلال بررسی معنی نگارشی این دو مفهوم توسعه در کشورهای موحال توسعه، مجله سیاست خارجیه، سال پنجم (تابستان ۱۳۷۰) ص ص ۱۹۸ - ۲۰۳.

۱۰ ـ در این رابطه برجوع کنید به:
David Landes, «The Unbound Prometheus». (Cambridge: Cambridge University Press, 1969). pp. 41 - 124.

۱۱ ـ رجوع کنید به:
رجوع الشیخ محمود، توسعه، جهان سوم و ظلم بین الملل (تهران، شرکت سهامی، ۱۳۶۹) ص ص ۲۹ - ۳۰.

۱۲ ـ آبراهام مزلو (Abraham Maslow) نیازهای انسان را به پنج قسمت تقسیم می‌کند: ۱) نیازهای فیزیکی مانند غذا، مسکن، هوا، ۲) نیازهای ایمنی (آسایش)، ۳) نیازه تعلق داشتن و علاقه و محبت، ۴) نیاز به شهرت و احترام و تشخص و ۵) نیاز به خودیابی و کشف استعدادها.
به عبارت دیگر تا نیازهای یک مرحله تحقق نیابد، رتبه بعدی مطرح نمی‌گردد. بنابراین، نیازهای اولیه زندگی مقدم بر نیازهای دیگر و دارای حساسیت بیشتر است.

با خوانندگان

شونیزم شاخ و دم ندارد

خواننده گرامی، آقای گورگنلی درنامه‌ای که برای نشریه کار فرستاده‌اند اخباری از اقدامات رژیم علیه ترکمن‌ها ارسال داشته‌اند. در این نامه آمده است:

۱ - در رابطه با انتخابات

با اینکه ترکمن‌ها را میان دواستان خراسان و مازندران قرار داده، استان خاصی بنام آنها برسمیت شناخته نمی‌شود. مردم ترکمن در شهرهای ترکمن نشین گنبد قابوس، بندرترکمن و حتی رامیان توانستند به نمایندگان ترکمن رای داده آنها را نسبت به رقبای غیر ترکمن درصدر قرار دهند.

بدین ترتیب در شهر گنبد قابوس اترک طیار، در بندر ترکمن مهندس یوسف بسنجیده و در رامیان معمی هلاکو را انتخاب نمودند ولی رژیم انتخابات حوزه‌های فوق راباطل نمود. ولی هنگامیکه با تقلب فراوان در شهر بندر ترکمن، غیرترکمنی بنام محمد قاسم کیا رای می‌آورد. انتخابات حوزه فوق از سوی شورای نگهبان مورد تائید قرار می‌گیرد.

۲ - در رابطه با استان جدید و مرکزیت آن:

اخیرا وزارت کشور طرح تشکیل استان جدید - قسمت شرق مازندران، مناطق ترکمن نشین - را تسلیم هیئت وزیران نمود. با اینکه طبق آمار منتشره از سوی خود رژیم استعدادهای بالقوه شهرستان گنبد جهت مرکزیت استان جدید ۳ - ۲ برابر گرگان میباشد. رژیم با لجاجت تمام بر اینکه بنام ترکمن‌ها استانی تشکیل نشود و حتی مرکز آن شهر ترکمن نشین گنبد قابوس نباشد، شهر گرگان را که فاصله غربی‌ترین تا شرقی‌ترین نقطه آن نسبت به دو قسمت استان ۵۰و ۲۵۰ کیلومتر را می‌خواهند انتخاب نمایند در حالکیه فاصله گنبد قابوس نسبت به دو قسمت استان درست در وسط آن یعنی ۱۵۰ کیلومتر، ۱۶۰ کیلومتر می‌باشد

۳ - غارت ثروت‌های ملی بدون هیچگونه رسیدگی و اجرای طرح‌های گرانی و صنعتی منطقه:

درسال جاری ۳۰۰ تن خاویار از دریای خزر توسط اداره شیلات رژیم غارت گردید. بهای ۵۰ گرم خاویار دریای خزر در بازار لندن ۸۰ لیره ارزش دارد. از این غارت هیچ سهمی عاید منطقه نمی‌گردد، در عوض گلوله‌های سربی رژیم صیادان ترکمن را به‌خاک و خون می‌کشد. (اشاره به قتل فجیع ۳ ماهیگیر ترکمن کمش‌تپه در فروردین سال جاری)

هیئت واگذاری زمین، اراضی زراعی ترکمن‌ها را که با جانفشانی شهیدانی چون توماج‌ها، از دست ژنرال‌های ستاره‌بدوش شاه بازپس گرفته شده بود، دوباره توسط رژیم آخوندی به افراد غیربومی واگذار میکند در این خصوص می‌توان به اطلاعیه‌های این هیئت در روزنامه‌های رژیم - اطلاعات ۱۷ دی ۷۰ - رجوع نمود.

شرکت کشاورزی و دامپروری یولاف وابسته به بنیاد مستضعفان بندر ترکمن، گوسفندان ترکمن را در معرض حراج و مزایده عمومی قرار می‌دهد. موسسه کشاورزی و دامپروری گنبد وابسته به بنیاد جانبازان ۷ تن پشم گوسفند و شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی گنبد حتی به کیسه‌های خالی ما رحم نکرده، یک میلیون تخته آن را در معرض مزایده عمومی قرار می‌دهد (کیهان ۱۰ اردیبهشت ۷۱).

توضیح و پوزش

در شماره قبل نشریه کار، متاسفانه بخش‌هایی از خلاصه یک نامه رسیده با عنوان ''مبارزه برای فعالیت قانونی خواست فوری ماست!'' به هنگام صفحه‌بندی از قلم افتاده بود. با پوزش از نگارنده نامه آقای علی میمن دوست و همه خوانندگان عزیز، آنچه که قرار بود در شماره قبل نشریه بیاید اینک از نظر خوانندگان می‌گذرد.

با توجه به اوضاع سیاسی کشور پس از انتخابات مجلس چهارم، و با ارزیابی از تعادل قوای سیاسی در جامعه و حکومت، به‌نظر می‌رسد بتدریج امکانات و شرایط واقعی برای مبارزه قانونی در چهارچوب قانون اساسی ج.ا. فراهم می‌شود.

طی چند ماه آینده، درگیری بین جناح‌های مختلف حکومت تشدید خواهد شدو یکی از اصلی‌ترین موضوع درگیری مسئله آزادیهای سیاسی خواهد بود. در این درگیری‌ها احتمال یورش به نشریات غیروابسته به حکومت وجود خواهد داشت و چه بسا برای مدت کوتاهی برخی نشریات و سازمان‌های فرهنگی متعلق به دگراندیشان تعطیل شود. بهانه برای اینکار و امکانات برای این اقدام به اندازه کافی وجود دارد. روندی که در طول دو سال اخیر طی شده اگر چه ممکن است با زور سرنیزه برای مدتی متوقف شود اما بازگشت و پس‌گرفتن آن در شرایط سیاسی کنونی تقریبا محال است. مگر شرایط سیاسی و تعادل قوای سیاسی موجود تغییر نماید، که آن بحث دیگری است.

بنابراین عقل سلیم به‌نیروهای مدافع اصلاحات سیاسی حکم می‌کند با توجه به اوضاع سیاسی و با توجه به امکانات واقعا موجود و با هوشیاری کامل مبارزه برای فعالیت قانونی را در دستور کار خود قرار دهند و از شرایط و امکانات موجود در جهت تقویت هر چه بیشتر مدافعان آزادی و دموکراسی در داخل کشور استفاده نمایند.

توضیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی، دربخش آخر مقاله ''نکاتی پیرامون شکست سوسیالیسم موجود'' مندرج درشماره ۴۵ نشریه کار، جمله‌ای به اشتباه چنین درج شده بود که: ''رهبران جوامع مزبور بدون داشتن طرح‌های اجتماعی سازنده و حیرت‌زده در برابر پیشرفت‌های جوامع سرمایه‌داری، به تخریب نظام موجود پرداختند.'' نویسنده این مقاله آقای مزدک طی نامه‌ای به نشریه کار توضیح داده‌اند که شکل صحیح جمله فوق چنین است: ''رهبران جوامع مزبور ناباورانه، بدون داشتن طرح‌های اجتماعی سازنده و به‌گونه حیرت‌زده، با امواج مخالفت ''جامعه‌مدنی'' مواجه شدند.''

معرفی چند کتاب رسیده به نشریه

*''شاعران مهاجر و مهاجران شاعر''

این کتاب مجموعه شعری است که با تلاش ارزنده شاعر گرامی آقای میرزا آقا عسگری (مانی) تحت عنوان فوق گردآوری شده است. حاصل رنج جستجوگری مانی، آئینه‌ای است که در آن دردها و عشق‌های هزاران هزار ایرانی مهاجر از میهن را در پرتو لطافت سخن شعرای مهاجر بنام و یا ''نوآمدگان شعر فارسی در غربت'' بروشنی می‌توان دریافت. در این مجموعه شعری، گردآورنده ضمن معرفی اشعاری از اکثر شعرا و سرایندگان ایرانی خارج از کشور، هم با توضیحی که دراول کتاب آورده است و هم با نوشتار منضم‌شده به آخر این مجموعه، نشان میدهد که شعر مهاجر واقعیتی است پویا و بخش ارزشمندی از گنجینه ادبی میهنمان که برغنای آن پیوسته افزوده شده است. برای آقای میرزا عسگری، موفقیت آرزو می‌کنیم.

میرزا آقا عسگری (مانی)

عاشقانه

نه بر مرگ ظفر توانم یافت
نه بر نیرومندی رودی که غرقه در آنم.
نه در مواریدی توانم درخشید؛
نه در سرنوشتی که غرقه در آنم
- اگر که از تو تهی باشم.

بی درختی که تویی
میوه‌ای نخواهم بود
بی دریایی که تویی
خیزابه‌ای نتوانم بود.
و نه آموزنده‌ای
بی آموزگاری که تویی
و نه آفریده‌ای
بی آفریدگاری که تویی

آسمانی تو
- گسترده و دلپذیر -
که می‌آفریند خورشید را
در بدایت خویش
و می‌میراندش
در نهایت خویش؛
ازین روی؛
شباهنگام
سر بر کوههٔ کتابها و کلماتم نهاده
- می‌میرم
و بامدادان
از ژرفای رؤیای تو
زنده می‌شوم

مردادماه ۱۳۶۸

معرفی کتاب (جلد سوم)

جلد سوم ''معرفی کتاب''، حاصل کار آقای معین‌الدین محرابی است که در آن نام ۳۲۰ کتاب از کتاب‌های فارسی منتشره در خارج کشور طی فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ درج شده است. آقای محرابی، زیر هر عنوان از کتب معرفی شده، شناسنامه هر کتاب را هم آورده‌اند. این گردآوری، در آگاهی جامعه فرهنگی میهنمان به مجموعه آنچه که دستاورد رنج و کوشش این جامعه است، کمک ارزشمند و موثری است. با آرزوی موفقیت برای آقای محرابی، بخشی از اطلاعیه‌ای را که به امضای ایشان و همراه این کتاب منتشر شده است به آگاهی خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

''جهت تالیف جلد چهارم وجلدهای بعدی معرفی کتاب که در مجموع می‌تواند کارنامه‌ی فعالیت‌های نویسندگان، مترجمان، ناشران و صاحبان جراید درخارج کشور بوده باشد، از یکایک شما عزیزان درخواست می‌گردد تا با ارسال نسخه‌ای از آثاری که برای اولین بار در خارج کشور انتشار داده‌اید، ما را در ثبت کتاب و واحدیابی موضوعی آن یاری دهید.

همچنین، جهت تدوین و تالیف فهرست جراید فارسی خارج کشور، تحت عنوان (معرفی جراید و مطبوعات)، و نیز در کتابی جداگانه، فراهم آوردن (فهرست مقالات فارسی در مطبوعات خارج کشور)، یاری مدیران جراید را می‌طلبیم و از آنان تقاضا داریم تا با ارسال نشریات و مجلاتی که منتشر نموده‌اند، ما را در ثبت دقیق مقالات، وزمان نگاری و مشخصات دیگر نشریات یاری نمایند.''

*گامبو

این کتاب شامل ده داستان کوتاه از آقای فریدون احمد (ابوالحسن زاده) است. موضوع این داستان‌ها، زندگی مهاجران سیاسی است که نویسنده با دیدگاه خود به آنها پرداخته است. این کتاب به آن مجموعه تلاش تعلق دارد که به همت اهل ذوق در خارج از کشور، هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. موفقیت آقای فریدون احمدرا آرزومندیم.

www.iran-archive.com

با اشتراک «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی:
M.ABD
NR_35263011
کد بانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

fax: 00 49 - 221 - 3318290

بهای اشتراک نشریه کار

	شش‌ماهه	یکساله
اروپا	۴۵ مارک	۹۰ مارک
سایر کشورها	۵۲ مارک	۱۰۴ مارک

مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوما بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

فرم اشتراک

برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.

مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه ☐ یکسال ☐ مشترک شوم. معادل بهای اشتراک بصورت حواله بانکی ☐ تمبر پستی ☐

آدرس: (لطفا خوانا بنویسید)
Name, _____
Address, _____

مسئله قره‌باغ

ادامه از صفحه ۱۲

سیاسی آذربایجان باید به اهمیت دو عامل مذهب و ناسیونالیسم اشاره کرد و بر آن واقف بود. در این رابطه دو کشور بر تحولات و رویدادهای سیاسی آذربایجان تاثیر به‌سزایی داشته‌اند؛ ایران به سبب پیوند مذهبی و بویژه این که میلیونها آذربایجانی در آن زندگی می‌کنند و ترکیه به دلیل تعلق به ملل ترک زبان.

تمایل مردم جمهوری آذربایجان که بنا به علل مذکور در ابتدا نسبت به ایران قویتر از ترکیه بود، رفته رفته نسبت به ایران کاهش ونسبت به ترکیه افزایش پیدا کرد. در این پروسه مجموعه‌ای از عوامل، از جمله و بویژه سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله قره‌باغ وعدم حمایت آشکار آن از تمایلات ناسیونالیستی آذربایجانی‌ها موثر بودند. در عین حال ترکیه تدریجا به حمایت خود از گرایشات ناسیونالیستی در آذربایجان جنبه‌ای آشکارتر و رسمی‌تر بخشید. این عامل سبب تاثیر هر چه یک جانبه‌تر ترکیه بر آذربایجان و قدرت‌گیری نیروهای ناسیونالیست در این مجموعه شده است.

مواضع دولت‌ها

طبق سنن روابط و موضع‌گیری‌های سیاسی بین المللی، دولت‌های مختلف نه واقعیات و حقوق و موازین بین المللی بلکه علائق و وابستگی‌های خود را ملاک برخورد با مناقشه آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها قرار داده‌اند. در این رابطه نیز مذهب و تعلقات ملی در کنار روابط و وابستگی‌های اقتصادی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند.

دولت روسیه علیرغم آنکه به دلیل تنش‌های سیاسی داخلی و انبوه مسائل و مشکلات خود از حمایت آشکار از ارمنستان پرهیز میکند، ولی درواقع در اثر تعلقات مذهبی و نقش ارامنه در اقتصاد مرکزی و نیز سیاست دولت های بزرگ قربی، طرف این جمهوری را می‌گیرد. غرب نیز برخلاف ادعاهای خیرخواهیش از ارمنستان جانبداری می‌کند. در تصویری که رسانه‌های گروهی غربی از وقایع جنوب قفقاز ارائه میدهند متصر آذربایجانی‌ها قلمداد می‌شوند. آنها هستند که قصد تسخیر و الحاق قره‌باغ کوهستانی به آذربایجان را دارند. دولت‌ها و رسانه‌های گروهی غرب به این طریق افکار عمومی غربی را در جانبداری از ارمنستان سمت میدهند. از آنجایی که این رسانه‌ها در انتقال اخبار و رویدادها در سراسر جهان نقش بسیار مهمی برعهده دارند، در دیدگاه یک‌جانبه و طرفدارانه‌ای که در بسیاری از نقاط جهان نسبت به ارمنستان و در مقابل آذربایجان شکل گرفته است، نقش چشم‌گیری دارند.

ترکیه عمدتا به دلیل ارتباط ملی با آذربایجانی‌ها ولی مهم‌تر از آن به دلیل تلاش برای پیروزی در رقابت منطقه‌ای با رژیم اسلامی حاکم بر ایران و نیز میل به ایجاد امپراطوری بزرگ ترک از آذربایجان حمایت میکند. در این حمایت نباید نقش تقابل ملی ترک‌ها و ارمنی‌ها را نادیده گرفت. ترکیه حتی از تمدید نظامی ارمنستان نیز خودداری نورزیده است. به نظر میرسد اینکه آنکارا از دست زدن به اقدام و دخالت نظامی پرهیز می‌کند، در هراس آن از دو امر ناشی می‌شود. اول اینکه گرچه روسیه دارای ارتشی به قدرتمندی سابق نیست، ولی در صورت دخالت روس‌ها به حمایت از ارمنستان، ترکیه از دست‌یابی به هدف خود باز داشته خواهد شد، ولی عامل دوم و مهمتر، رابطه ترکیه با جهان غرب و عضویت آن در ناتو می‌باشد. درواقع در صورت دخالت ارتش ترکیه در مناقشات خونین قفقاز، این ناتوست که به مقابله با ارامنه ارمنستان دفاع از آذربایجان وارد جنگ می‌شود در حالی که غرب به ارامنه تمایل دارد.

شاید بتوان گفت سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با درگیری‌های قفقاز، سیاستی نسبتا واقع بینانه‌تر است. سیاست تهران در رابطه با این منطقه تحت تاثیر واقعیات متعددی قرار دارد. ایران از جمله کشورهایی است که در نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی متضرر شد. چرا که در نتیجه این رویداد مهم سیاسی ایران مرزهای امن شمالی خود را از دست داد. رژیم اسلامی در تدوین سیاست‌هایش نسبت به این دو جمهوری ملاحظات زیر را در نظر دارد. از یک سو بی‌نظمی و آشوب در قفقاز میتواند جرقه‌ای احتمالی برای افروختن آتش اعتراضات و ناآرامی‌های عام و خاص در ایران باشد. از سوی دیگر تثبیت هر چه زودتر مرزها در این منطقه از شدت طرح مسئله ملی و ایده وحدت دو آذربایجان، که به هر حال سودی برای جمهوری اسلامی ندارد خواهد کاست. به علاوه هرچه دوام ناآرامی‌ها در جنوب قفقاز بیشتر باشد، امکان حضور و نفوذ بیشتر ترکیه در آذربایجان فزونی می‌گیرد. ولی گذشته از هدف تثبیت مرزهای شمالی، دفاع از آذربایجانی‌های مسلمان برای حاکمان ایران دارای جنبه حیثیتی است، چرا که عدم حمایت از ملتی مسلمان که با بخش بزرگی از مردم ایران پیوندهای ملی دارد، از هیچ نظر به سود دولتمردان تهران نیست.

راه برون رفت از بحران

در جستجوی راه برون رفت از بحران قره‌باغ کوهستانی باید این نکته را تصریح کرد که مسئله قره‌باغ تنها و تنها از طریق سیاسی قابل حل است. اتکا به صرف واقعیت‌های تاریخی، اکثریت عددی و یا خشونت و برتری نظامی نه تنها کمکی به حل این معضل نخواهد کرد، بلکه هر روز بیش از پیش بر دامنه بحران خواهد افزود و گره حل آن را کورتر خواهد کرد. از سوی دیگر واگذاری حل این معضل بر عهده دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان خطای سیاسی بزرگی است. گرچه این دو جمهوری طرفین اصلی این مناقشه‌اند، ولی امروز سابقه کینه و کدورت و سطح رشد سیاسی دوجامعه، شرایط ایجاد و تشدید ناسیونالیزم کور در آذربایجان و ارمنستان را فراهم آورده است و دولت‌ها و مردم دو جمهوری به تنهایی قادر به حل این مشکل نخواهند شد. تنها به مدد تلاش دسته‌جمعی تمام نیروهای صلح‌دوست، دولت‌های منطقه و سازمان‌های بین المللی، که متاسفانه تاکنون برخورد غیرمسئولانه‌ای با مسئله قره‌باغ کوهستانی داشته‌اند، می‌توان به حل معضل مذکور نائل آمد و به جنگی بی‌سرانجام که دارایی‌ها و دخایر دو جمهوری همسایه را به تحلیل برده، کینه و کدورت‌هایشان را عمیق‌تر می‌کند، خاتمه داد.

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل

ادامه از صفحه ۱۲

معینی موجود است.

هنگامی که وزرای خارجه مصر، سوریه، اردن، لبنان و نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین، دو هفته پس از تشکیل دولت اسحاق رابین، در دمشق گردآمدند، ظاهرا اتفاق نظر داشتند. آنها به دنبال این نشست اعلام کردند: "دولت اسرائیل باید آمادگی خود راجهت عقب‌نشینی از مناطق اشغالی، متوقف کردن ساختمان شهرک‌های یهودی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین اعلام کند؟". بعلاوه وزرای خارجه این کشورها در قطعنامه پایانی نشست دمشق خواهان حل مسئله مهاجرین سیاسی فلسطینی و رعایت حقوق مردم فلسطین در مناطق اشغالی شده بودند.

اما در پشت پرده، تضاد منافع کشورهای مختلف عربی عمل می‌کرد. به نظر می‌رسد که جرج بوش و اسحاق رابین مایلند دولت مصر نقش اصلی را در روند مذاکرات میان اعراب و اسرائیل ایفا کند. مصر تنها کشور عربیست که روابط رسمی با اسرائیل دارد و بنابراین از سوی آمریکا و اسرائیل به عنوان واسطه میان اعراب و اسرائیل قلمداد می‌شود. دولت مصر از ایفای این نقش خرسند است و تمایل دارد از آن در جهت کسب هژمونی در جهان عرب سود جوید. روزنامه‌های مصری رضایت خود را از اینکه رابین در نخستین سفر خود به خارج با مقامات مصری دیدار کرد، پنهان نکردند. دولت مصر که سال‌ها به علت روابط ویژه خویش با اسرائیل دشمنی همسایگان عربی خود را برانگیخته و در انزوا بسر می‌برد، اکنون مشروعیت خود را بازمییابد. حسنی مبارک می‌کوشد اعتماد ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را هر چه بیشتر به‌خود جلب کند. او و عمرو موسی، وزیر خارجه مصر، در ماه‌های اخیر همواره تاکید کرده‌اند که مایلند در صورت اعلام آمادگی دولت رابین به پایان دادن اسکان یهودیان در مناطق اشغالی، سایر کشورهای عربی را متقاعد کنند که به تحریم خود علیه اسرائیل پایان دهند.

در میان فلسطینیها در مورد پیشنهادات رابین اختلاف نظر وجود دارد. آن بخش از فلسطینی‌ها که از همان ابتدا مخالف مذاکرات بودند اکنون احساس حقانیت بیشتری می‌کنند، زیرا حتی در بیانیه پایانی نشست وزرای خارجه عربی در دمشق دیگر از یک دولت مستقل فلسطینی در مفهوم وسیع کلمه، صحبتی در میان نیست. از سوی دیگر فلسطینی‌ها با روی کار آمدن دولت رابین امکانات وسیعتری جهت شرکت در روند مذاکرات پیدا کرده‌اند. دولت واشنگتن اعلام کرد که تا پایان سال جاری توافقی درباره خودمختاری فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی بدست خواهد آمد. حتی شایع است که سازمان آزادیبخش فلسطین در مذاکرات آتی مشارکت داده خواهد شد. یاسر عرفات در نخستین مصاحبه‌ای که پس از یک دهه با یک روزنامه اسرائیلی انجام داده است گفت: انتخابات اخیر اسرائیل "انتخاباتی برای صلح بود."

در مقابل، سوریه به حاشیه رانده شده است. در پیشنهادات رابین کلمه‌ای درباره عقب‌نشینی اسرائیل از بلندیهای جولان، که از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل است، به چشم نمی‌خورد. در روزنامه‌های سوریه گفته میشود که اسرائیل فقط مایل است مناسبات خود را با واشنگتن بهبود دهد و علاقه‌ای به یک فرایند صلح همه‌جانبه ندارند.

این موضع در میان محافل عربی تقویت شده است. در واقع نیز اکنون که اسرائیل، بدون عقب‌نشینی‌های واقعی، ده میلیارد دلار اعتبار از ایالات متحده آمریکا دریافت کرده است، یکی از عوامل فشار بر اسرائیل جهت پیشبرد مذاکرات کاسته شده است.

اردن که به طور سنتی روابط حسنه‌ای با حزب کارگر اسرائیل داشت، اکنون چندان مورد توجه آمریکا و اسرائیل نیست اما در صورت ایجاد یک منطقه خودمختار فلسطینی به سادگی نمی‌توان از نقش اردن صرف نظر کرد. هم‌اکنون نیز مذاکراتی با نمایندگان فلسطینی جهت ایجاد یک نیروی انتظامی فلسطینی با کمک دولت اردن در جریان است.

جالب اینجاست که دو دولت اردن و سوریه روابط نزدیکتری با یکدیگر برقرار کرده‌اند. در این خصوص دیدارهای پی‌درپی ملک حسین از سوریه بارز بود. به این ترتیب به نظر می‌رسد آرایش نیروها در کشورهای عربی در حال تحول است. مصر در سناریوی جدید رابین و جرج بوش نقش اصلی را به عهده گرفته و سوریه و اردن به حاشیه رانده شده‌اند. اما هنوز آشکار نیست که ائتلاف‌ها و منافع این نیروها چه شکل نهایی به خود گیرند.

نتایج مذاکراتی که هم‌اکنون در واشنگتن جریان دارد به احتمال زیاد دورنمای آینده را روشن خواهد ساخت.

خاورمیانه انبار اصلی تسلیحات آمریکایی

***سه‌چهارم صادرات اسلحه آمریکا به جهان سوم در چهار سال گذشته (۳۶/۵۱ میلیارد دلار) به کشورهای خاورمیانه سرازیر شده است.**

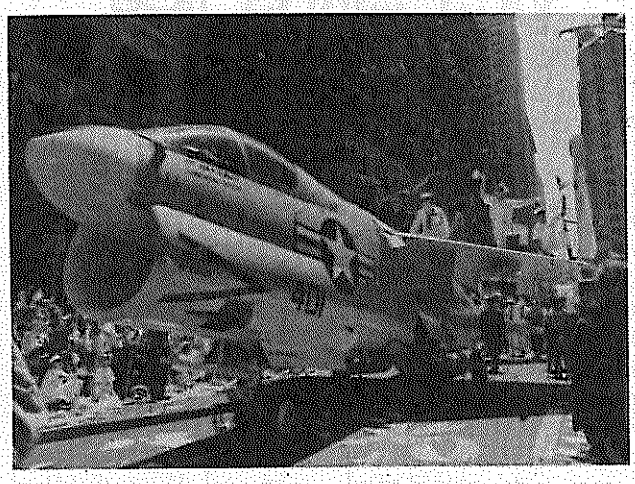

دفتر تحقیقات تسلیحاتی کنگره آمریکا در گزارش سالانه خود، اعلام کرد که آمریکا در زمینه فروش تسلیحات به کشورهای جهان سوم مقام نخست را اشغال کرده است. مطابق این گزارش ۵۷ درصد کل فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه متعلق به آمریکا بوده است. چهل درصد از فروش تسلیحاتی آمریکا در سال ۹۱ به عربستان سعودی بوده که به ۵/۶ میلیارد دلار بالغ می‌شود. مطابق گزارش فوق نیمی از صادرات اسلحه به کشورهای خاورمیانه در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ از سوی آمریکا صورت گرفته و این کشور در سال‌های فوق به تنهایی ۳۶/۵ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای خاورمیانه فروخته است. فروش سلاح‌های آمریکایی به جهان سوم در سال ۱۹۹۰ و همزمان با تجاوز عراق به کویت به رقم بی‌سابقه ۱۸/۲ میلیارد دلار رسید که بخش عمده‌ای از آن به کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی اختصاص یافت.

بر اساس گزارش دفتر تحقیقات کنگره، سه‌چهارم صادرات اسلحه آمریکا به جهان سوم در چهار سال اخیر به خاورمیانه سرازیر شده است.

به غیر از آمریکا، صادرات اسلحه از سوی سایر صادرکنندگان عمده در سال ۹۱ کاهش یافته است. حجم صادرات اسلحه روسیه در سال ۱۹۹۱ به میزان ۵۵ درصد کاهش یافت و از ۱۱/۲ میلیارد دلار به ۵ میلیارد دلار رسید با این حجم از صادرات، روسیه به عنوان دومین صادرکننده اسلحه درجهان باقی ماند. مدیر دفتر تحقیقات تسلیحاتی کنگره آمریکا، یکی از علل کاهش صادرات تسلیحات روسیه را تحریم‌های گسترده علیه رژیم عراق دانستد و گفت دولت عراق برای ۶ سال متمادی اولین خریدار تسلیحات نظامی روسیه بود.

فروش اسلحه از سوی فرانسه و چین (سومین و چهارمین صادرکنندگان اسلحه در جهان) نیز در سال گذشته میلادی به ترتیب ۸۷ و ۸۶ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ترتیب به ۴۰۰ و ۳۰۰ میلیون دلار رسید. بر اساس این گزارش علت اصلی کاهش شدید صادرات تسلیحات چین در سال ۹۱ روی آوردن ایران به روسیه برای تامین نیازهای دفاعی خود بوده است. چین در دهه ۸۰ عمده‌ترین تامین کننده تسلیحات نظامی ایران محسوب می‌شد. مسکو از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ بیچگونه تسلیحات نظامی به ایران نفروخت اما از سال ۱۹۸۷ تاکنون معادل ۴/۸ میلیارد دلار سلاح، از جمله جنگنده‌های میگ ۲۹، تانک وزیر دریایی به جمهوری اسلامی ایران فروخته است.

وحشیگری نئونازی‌ها در روستوک آلمان

ادامه از صفحه ۱۲

رخدادها را نشانه نضج دوباره فاشیسم در آلمان بخصوص شرق آلمان و نتیجه برخورد ضعیف حکومت آلمان با آن‌ها دانستند. یکی از نمایندگان مجلس بریتانیا از نیاز به تربیت مجدد مردم شرق آلمان سخن گفت.

کوپفر وزیر داخله منطقه روستوک از بروز این حادثه اظهار ناراحتی کرد. ولی گفت که احساسات اهالی را درک می‌کند و افزود برای جلوگیری از درگیری‌های مشابه باید پذیرش پناهندگان را کنترل کرد. رئیس جمهور، صدر اعظم، اعضای کابینه و مجلس و احزاب بزرگ سیاسی آلمان نارضایتی خود نسبت به این اتفاقات را ابراز کردند. ولی احزاب راست این اکسیون سیاسی را دلیلی برای تسریع در تغییر حق پناهندگی در قانون اساسی کشور دانستند.

پس از این رویدادها بالغ بر سه‌هزار تن از مردم شهر روستوک در تظاهراتی به خیابان‌ها آمدند و به حرکات ضد خارجی نئونازی‌ها اعتراض کردند. شب شنبه ۲۹ اوت نیز تظاهراتی از سوی احزاب و نیروهای مخالف خارجی ستیزی ترتیب داده شد که هزاران نفر در آن شرکت کردند. این تظاهرات با حضور وسیع نیروهای پلیس برگزار گردید.

در بروز این فاجعه علاوه بر نقش آشکار نئونازی‌ها باید بر نقش عدم برخورد قاطع پلیس در جلوگیری از این شورش و افزایش آن و تاثیر سیاستهای احزاب دست راستی در افزایش تمایل مردم و بویژه جوانان به سمت سیاستهای خارجی ستیزانه تاکید کرد.

بروز مجدد اعمال فاشیستی، نگرانی همه نیروهای ضد فاشیست را برانگیخته است. مقابله با این خطر، یک وظیفه عمومی مردم آلمان و همه ساکنان این کشور است و به همانگی مبارزه علیه فاشیسم نیاز دارد.

چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۳۷۱ - ۲ سپتامبر ۱۹۹۲ دوره سوم شماره ۴۲

سومالی: فاجعه انسانی در اثر خشکسالی و قحطی

در کشور جنگ‌زده سومالی در شاخ آفریقا قحطی کماکان قربانی می‌گیرد. جان ۲ - ۱/۵ میلیون انسان در معرض خطر است. این تعداد از جمله شامل نیم تا یک میلیون کودک نیز می‌باشد. حداقل یک چهارم کودکان زیر ۵ سال سومالی در نتیجه قحطی جان خود را از دست داده‌اند. روزانه ۷۰۰ سومالیایی در اثر فقر غذایی جان می‌سپارند. ۹۵ درصد از کودکان این کشور از فقر غذایی رنج می‌برند. این آمار در جهان بی‌سابقه است.

پزشکان فرانسوی در بخشی از خاک سومالی در نزدیکی مرز کنیا با منطقه‌ای پوشیده از جنازه مواجه شده‌اند. قحطی‌زدگان از فرط گرسنگی لباس‌هایشان را می‌خورند، ولی آبی برای آشامیدن بدست نمی‌آورند. دهکده‌های کوچک کاملا از سکنه خالی و در برخی موارد حتی سوزانده شده‌اند. برعکس، دهکده‌های بزرگ مملو از هزاران پناهنده‌اند.

سازمان ملل برای کمک به قحطی زدگان سومالی پل هوایی زده است. حدود سه میلیون انسان محتاج کمک یک ساله‌اند. تا ورود کمک‌های ارسالی، روزانه بالغ بر هزار نفر خاک سومالی را به قصد کنیا ترک می‌کردند. با ورود کمک‌های سازمان ملل متحد این رقم به نصف رسیده است. در جریان تقسیم مواد غذایی در بایدوآ واقع در ۳۰۰ کیلومتری شمال موگادیشو، پایتخت کشور، ۳۰ تن در نتیجه درگیری بر سر مواد غذایی جان باختند.

اقتصاد سومالی کاملا متوقف شده است. تنها فعالیت‌های اقتصادی جاری در این کشور عبارتند از دزدی و احتکار مواد غذایی. ایالات متحده آمریکا که خود را سازا اقدام به گشایش یک پل هوایی به سومالی کرده است، بخشی از کالاهای ارسالی را برای فروش به مغازه‌ها واگذار می‌کند تا به این وسیله از شدت فارت کاسته شود.

رساندن مواد غذایی از طریق راه‌های خاکی تقریبا غیرممکن است، چرا که باندهای مسلح کنترل راه‌ها را در اختیار دارند. مذاکراتی با آنها برای توافق بر سرگرفتن اجازه عبور انجام گرفته است، لیکن تعدد و عدم یگانگی راهزنان هر امیدی در این زمینه را به یاس بدل می‌سازد. در بندر کیسمایو باندهای مسلح در حمله به یک کشتی حامل کمک‌های غذایی ارسالی بیش از ۱۰۰ تن مواد غذایی را تصاحب کردند.

در محافل پیرامون سازمان ملل صحبت از ارسال بالغ بر ۳۵۰۰ سرباز سازمان ملل برای کنترل راه‌ها، بازکردن کریدورهای امن و نظارت بر توزیع مواد غذایی در میان است. باندهای مسلح حتی از هجوم به قحطی‌زدگان در حین خوردن غذاهای دریافتی نیز دریغ نمی‌ورزند.

پس از مرگ زیاد باره رئیس جمهور سومالی در ژانویه ۹۱، جنگ داخلی تمامی شئون کشور را تحت تاثیر خود قرار داده است. طرف‌های درگیر در این جنگ، نیروهایی هستند که سابقا در جبهه‌ای واحد علیه زیاد باره می‌جنگیدند. اکنون باندهای مسلح از خلاء قدرت سوءاستفاده می‌کنند و مردم را مورد تضییق و آزار و اذیت قرار می‌دهند.

اسلحه و مواد مخدر نیز در این کشور به کثرت به چشم می‌خورند. بیش از نیمی از جوانان سلاح‌های خودکار دارند. رهبران باندها نیمی از اجرت سربازان مزدور خود را به پول و نیمی دیگر را به صورت مواد مخدر پرداخت می‌کنند. گرچه در هفته گذشته گفتگوهایی بین طرف‌های درگیر درباره اتمام جنگ داخلی صورت گرفت، ولی هیچ تغییری در اوضاع مشاهده نمی‌شود.

به گفته شاهدان عینی در حالی که بسیاری از مردم در نتیجه خشکسالی و گرسنگی در معرض مرگ قرار دارند، باندهای مختلف سومالی را به عصر نوسنگی بازگردانده‌اند. دولتی وجود ندارد. در سومالی قانون جنگلی حکفرماست.

کودک پنج ساله لحظاتی پس از دریافت خوراک، از فرط ناتوانی جان می‌سپارد.

مسئله قره‌باغ

اتحاد شوروی درهم فروریخته است. در همسایگی شمالی کشور ما ابرقدرتی جای خود را به مجموعه‌ای ناهماهنگ، ناموزون و فاقد اعتبار، نفوذ و نقش جهانی به نام جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل داده است. آنچه سیمای این پدیده جدید را ترسیم می‌کند. آینده درهمی است از فقر، فلاکت، آشفتگی، خشونت و قدرت طلبی سیاسی. در این مجموعه باید به مناقشات ملی نیز اشاره کرد. این مناقشات در بسیاری از نقاط تا حد جنگ‌های تمام‌عیار فراروئیده و صحنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار داده‌اند. از شرق تا غرب، پهنه نوزاد نه‌ماهه جغرافیای سیاسی جهان، عرصه دست کم ۶۲ جنگ بالقوه و بالفعل بر سر اختلافاتی ملی است که بنا به دلایل گوناگون هیچگاه حل و برطرف نشده‌اند. یکی از مناطقی که اختلافات ملی در آن و پیرامونش حدت نگران کننده‌ای یافته، جمهوری آذربایجان است.

عوامل مختلف

از قبیل پیوندهای ملی مردم این سرزمین با بخش قابل توجهی از مردم کشور ما، مذهب مشترک و گذشته فرهنگی و تاریخی مشترک همانند رشته‌ایی پرقوت سرنوشت این جمهوری و مردم آن را با سرنوشت کشور و مردم مادر ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌دهند.

سابقه و علل درگیری

دو مولفه اصلی جامعه امروزین جمهوری آذربایجان عبارتند از ۱ - معادلات کماکان مبهم و حل نشده قدرت سیاسی و ۲ - جنگ تمام‌عیاری که میان این جمهوری و جمهوری ارمنستان جریان دارد. هر که در چند ساله اخیر تحولات آذربایجان را دنبال کرده باشد به خوبی می‌داند که هر تغییر و تحول در مولفه اول در ارتباطی محسوس و مشهود با سیر و تکامل اوضاع حول و حوش مولفه دوم بوده و مستقیم یا غیرمستقیم در آن ریشه داشته است. در حال حاضر وضعیت این جمهوری را درگیری آن با جمهوری همسایه‌اش رقم میزند و آینده این جمهوری تا حدود بسیاری در گرو نتایج این منازعه ملی و شیوه حل آن می‌باشد.

مناقشات ملی میان ارامنه و بزرگترین شاخه‌های ملل ترک‌زبان همسایه آن، عثمانی‌ها و آذربایجانی‌ها، تاریخچه‌ای طولانی دارد. قرن بیستم شاهد سه دوره بسیار بحرانی در روابط ترک‌ها و ارامنه بوده است. برای اولین بار در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ هجری شمسی) روابط دو ملت از کنترل خارج شد. در این سال و طی تنها صد روز ارتش امپراطوری عثمانی بیش از یک میلیون ارمنی را قتل‌عام کرد. دومین فوران خشم و کینه میان آنان در سال ۱۹۱۸ (۱۹۲۷ هجری شمسی) و پس از شکست کمون باکو رخ‌داد. ارامنه و مسلمان‌ها به‌مدت چند روز در آذربایجان قفقاز و بویژه در باکو به‌کشتار یکدیگر پرداختند. سومین بحران، جنگی است که امروزه حیات جنوب قفقاز را مختل کرده‌است.

جنگ جاری میان آذربایجان و ارمنستان، که بیشتر حول منطقه قره‌باغ کوهستانی متمرکز است، تاریخی حدودا ۵ - ۴ ساله دارد. بهانه آغاز رویدادهایی که اکنون حدود پنج سال از عمرشان می‌گذرد، تقاضای جدایی قره‌باغ کوهستانی از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به جمهوری ارمنستان بود، که از سوی ارامنه، که اکثریت اهالی این جمهوری خودمختار را تشکیل میدادند، طرح شده بود. آذربایجانی‌ها معتقد بودند که اولا قره‌باغ کوهستانی بخش تاریخا لاینفک آذربایجان می‌باشد و ثانیا ارامنه با توسل به انواع و اقسام حیل و ترفندها و از جمله با برخورداری از حمایت حکومت مرکزی اتحاد شوروی قادر به کسب اکثریت عددی اهالی این منطقه شده‌اند. این دو دلیل برای آنها کافی بود تا سرسختانه در مقابل انفصال قره‌باغ کوهستانی از آذربایجان و پیوستن آن به جمهوری رقیب ایستادگی کنند.

یخ اختلافات ملی آذربایجانیها و ارمنی‌ها که طی قریب ۷۰ سال حکومت شوروی نه حل و فصل، بلکه تنها منجمد شده بودند، در حال آب شدن بود. شاید بتوان گفت که این واقعیت از نتایج تحقق هدف اصلی مرحله اول پرسترویکای گارباچف، یعنی کشاندن مردم به صحنه و ترغیب و تشویق آنان به میان مسائل و مشکلات خود و کوشش در جهت سهم‌گیری در سرنوشت خود و کشورشان بود. مردم به‌صحنه آمدند. همه کسانی که در اولین تظاهرات مردمی دو جمهوری که گاه بالغ بر یک میلیون شرکت کننده داشت، حاضر بودند و یا آنها را نظاره و تعقیب می‌کردند شاهد بودند که مسئله ملی تنها مسئله طرح شده در این احتمالات نبود. درواقع مردم برای بیان تمامی مشکلات و دردهای خود به‌خیابانها و میادین بزرگترین شهرهای دو جمهوری آمده بودند. ولی برخورد بی‌اعتنا و خشن حکومت مرکزی با حرکات و اعتراضات مردم، آن‌ها را دلسرد کرد و به سوی حل خودسرانه مسائل سوق داد.

خواست و مناقشه ملی بتدریج سایر تمایلات و درخواست‌های مردم دو جمهوری را تحت شعاع خود قرار داد و برخوردها، رودررویی‌ها و درگیری‌های آذربایجانیها و ارامنه به‌تدریج و به سرعت خشن و خشن‌تر شد و اشکال سبعانه به خود گرفت. دیگر در تمامی خاک دو جمهوری کمتر پیش می‌آمد که یک آذربایجانی و یک ارمنی در مقابل هم قرار گیرند و از خشونت سخنی در میان نباشد.

عدم توانایی و بی‌درایتی سیاسی دولت‌های آذربایجان و مرکزی اتحاد شوروی در پاسخگویی به نیازهای مردم، موجب تغییرات گاه خشن سیاسی در عرصه این جمهوری گردید تا آنجا که امروزه سیاستمداران بی‌تجربه و ناوارد در راس امور سیاسی آذربایجان قرار گرفته‌اند. این امر در مورد ارمنستان صدق نمی‌کند. از آنجایی که در ارمنستان خود دولت تا حدود زیادی نماینده تمایلات ناسیونالیستی مردم بود، در این کشور هرج و مرج سیاسی حکمفرما نشد. در تغییرات

ادامه در صفحه ۱۱

وحشیگری نئونازی‌ها در روستوک آلمان

از شب شنبه ۲۲ اوت به مدت چند روز نئونازی‌ها در شهر روستوک، بزرگترین بندر شرق آلمان، به حمله به محل اسکان جمعی پناهندگان و کارگران ویتنامی پرداختند. تعداد شرکت کنندگان در این خشونت که اکثرا جوان‌های نئونازی بودند در بعضی از شب‌ها به هزار نفر می‌رسید. غیر از شب آخر، نئونازی‌ها از حمایت ساکت مردم شهر نیز برخوردار بودند.

پلیس با ماشین‌های آب پاش و شلیک گاز اشک‌آور با آن‌ها به مقابله پرداخت. گرچه پلیس بدلیل اعلام قبلی خبر برگزاری تظاهرات برای مقابله با آن آماده بود، ولی در مواجهه با آن دچار آشفتگی شد. این تظاهرات بصورت ماورای منطقه‌ای طرح ریزی شده بود. نئونازی‌های شرکت کننده در آن از بسیاری از نقاط آلمان در روستوک گرد آمده بودند و به انواع و اقسام سلاح‌های گرم و سرد مجهز بودند. بسیاری از نئونازی‌ها به دستگاه بی‌سیم مجهز بودند. در پی این تظاهرات مسئول رسیدگی به امور پناهندگان در روستوک و نیز احزاب چپ و سبزها خواستار کناره‌گیری کوپفر وزیر داخله ماکلنبورگ - فورپومرن شدند. مسئول امور پناهندگان در روستوک مقام مسئول را متهم به اطلاع قبلی از نقشه نئونازی‌ها و در نتیجه کوتاهی در مقابله با آن کرد.

مطبوعات و برخی مقامات اروپائی و نیز ایالات متحده امریکا با رویدادهای اخیر و خشونت نئونازی‌ها در روستوک به شدت برخورد کردند. آن‌ها این

ادامه در صفحه ۱۱

تحول در آرایش نیرو؟

پیرامون دور جدید مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل

از آغاز دور جدید مذاکرات میان دول عربی و هیئت نمایندگی فلسطینی از یک سو و نمایندگان دولت جدید اسرائیل از سوی دیگر درست یک هفته می‌گذرد. این دور از مذاکرات از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به همین سبب توجه محافل عمومی بین‌المللی را به خود جلب کرده است. از جانبی تغییر کابینه اسرائیل و روی کار آمدن حزب کارگر در این کشور در محافل سیاسی، امید به حل مسائل را افزایش داده و از سوی دیگر هنوز در زندگی روزمره فلسطینیان در مناطق اشغالی تغییرات قابل توجه‌ای رخ نداده است و تضییق حقوق این مردم کماکان ادامه دارد. در آستانه مذاکرات، دولت آمریکا تصمیم گرفت اعتبار ده میلیارد دلاری را که قبلا از دولت شامیر دریغ کرده بود، به دولت جدید اسحاق رابین واگذار کند. این مسئله در محافل فلسطینی تاسف و نگرانی بسیاری برانگیخته است. فلسطینی‌ها انتظار داشتند که واشنگتن اعطای این اعتبار را لااقل به تعمد دولت اسرائیل به متوقف کردن ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی منوط کند. در حال حاضر کاربنای ده‌هزار واحد مسکونی در این مناطق کماکان ادامه دارد. خانم اشراوی، سخنگوی هیئت نمایندگی فلسطینی در این خصوص گفت "اگر اکنون این اعتبار اعطا شود نقش ایالات متحده آمریکا به عنوان میانجی صلح از بین می‌رود" رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین این تصمیم را "ضربه‌ای به فرایند صلح" خواند. این تصمیم واشنگتن، که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و جهت جلب آرای یهودیان این کشور اتخاذ شده به جو بدبینی در محافل فلسطینی دامن زده است. عبدالرحیم، سفیر فلسطین در امان و حلقه رابط میان هیات نمایندگی فلسطینی در مذاکرات و سازمان آزادیبخش فلسطین بدنبال این اقدام دولت آمریکا گفت: "من شور و شوق زیادی جهت شرکت هیئت نمایندگی فلسطینی در مذاکرات واشنگتن ندارم". با این وجود، این هیئت در مذاکرات مذکور مشارکت نموده است. خواست اصلی طرف فلسطینی کماکان توقف ساختمان شهرک‌های یهودی در مناطق اشغالی است.

میان مواضع سایر محافل و کشورهای عربی که در مذاکرات واشنگتن شرکت دارند تفاوتهای

ادامه در صفحه ۱۱